



مکتبہ

۱۵

مکتبہ اسلامی عالمی اسلام آباد

اسلام آباد، پاکستان

Handwritten text in a cursive script, likely a form of shorthand or a specific dialect. The text is arranged in a vertical column and appears to be a continuous passage of writing.

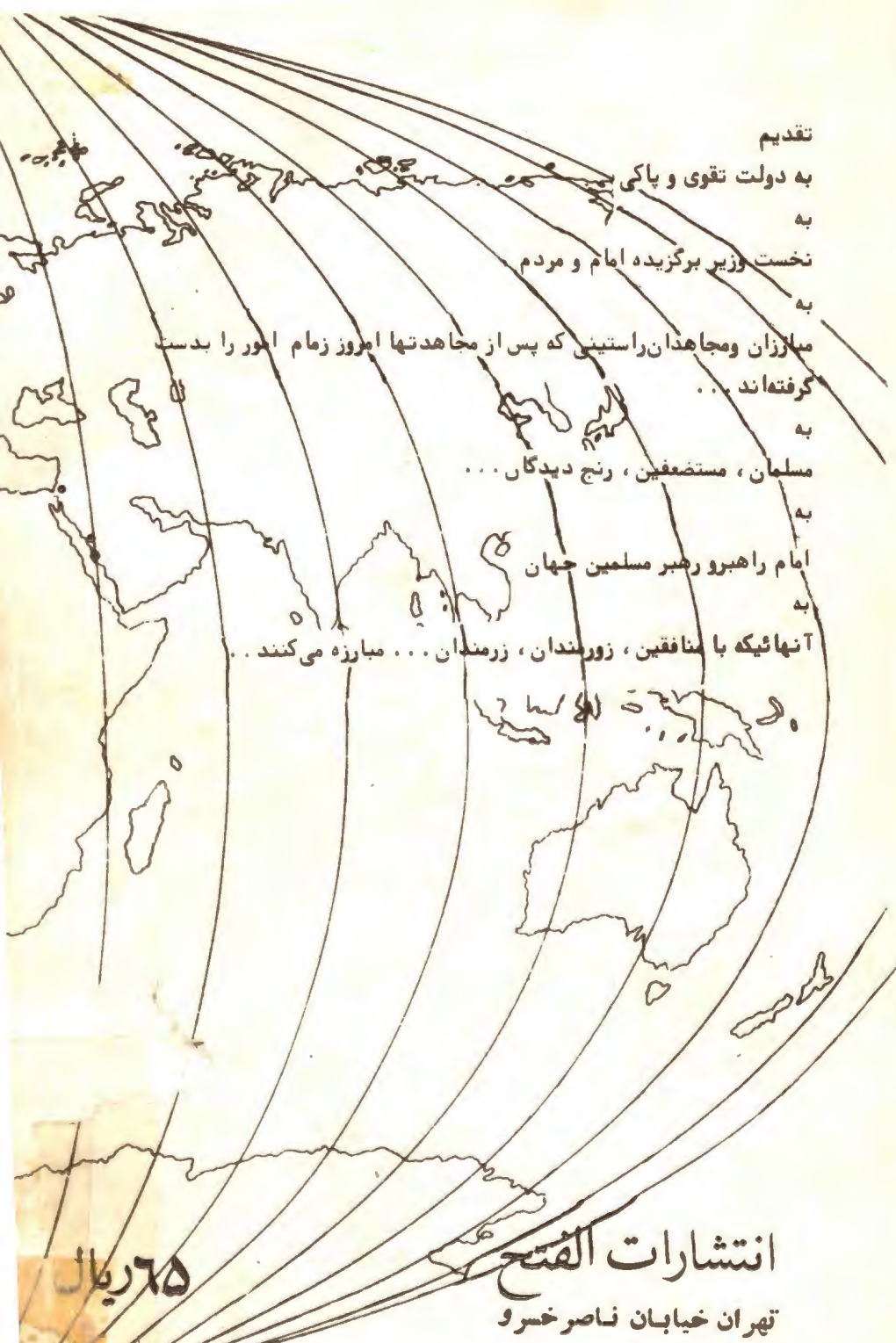
53

53

53

53

53



تقديم

به دولت تقوی و پاکی

به

نخست وزير برگزیده امام و مردم

به

مبارزان و مجاهدان راستینی که پس از مجاهدتها امروز زمام امور را بدست گرفته اند ...

به

مسلمان ، مستضعفین ، رنج دیدگان ...

به

امام راهبرو رهبر مسلمین جهان

به

آنهايکه با منافقین ، زوربندان ، زرمندان ... مبارزه می کنند ...

و ...

۶۵ ریال

انتشارات الفتح

تهران خیابان ناصر خسرو

کوچه خدا بنده لو

دردوران اختناق و استبداد رژیم فاسد و ضدانسانی پهلوی، زبان ها یا بسته بزور شد یا قلم ها شکسته... اندیشمندان و متفکران در بند درخیمان بزیر شکنجه جان دادند یا جیبهای خود را یا به انواع اقسام مرضهای روحی و جسمی دچار گشتند... گروهی دیگر همچون قطب زاده ها یزدی ها، بنی صدرها... راهی دیار غرب شد و به تشکل گروههای اسلامی پرداختند و با نشر کتب، مجلات، روزنامهها... ندای اسلام و آزادیخواهان ایران را بگوش ساکنان غرب رسانده و بد جمع آوری استاد و مدارک انقلاب پرداختند... روشنفکران رستاخیزی یا روشنفکران پهلوی انقلابی سرگرم کارهای ادبی و شعرهای بی محتوا و جشنواره های ضد انقلابی در داخل شدند. صفحات روزنامه و مجلات پر از ستایش و تجلیل از اشخاص، چهره های ضد مردمی، ضد اسلامی یا ترجمه های غریب از شرقیان نمک نشناس... اگر امروز جامعه ای ما اسلام را نمی شناسد. یا بمعانی اش آگاهی ندارد یا از شناخت چهره های واقعی و انقلابی محروم مانده. مسلماً "گناه اش بگردن حضرات مطبوعاتچی است. آنهایی که در دوران حکومت پهلوی یا با ستایش از رژیم یا سکوت خود به اسلام و ایران خیانت کردند، است. و اما امروز

چون می بینند گذشته سیاه و ننگینی دارند با هیاهو و عربده های مستانه می خواهند انقلاب را خدشه دار و چهره های اصیل انقلابی را لجن مال نمایند ولی باید بدانند که جامعه ایران دیگر فریب این یاوه سرایان ضد انقلابی را نمی خورد باید آگاه باشند که در جنبش ضد امپریالیستی ایران هیچگونه فرصتی برای ایادی شرق و غرب وجود ندارد. هم رهبری انقلاب دقیقاً "جریانات را زیر نظر دارد و هم جامعه هر شیاری انقلابی اش را از دست نداده است با امید روزی که ما بتوانیم خود مطبوعات بی سالم و مفید و در جهت کمال و تکامل جامعه عرضه نمائیم. و اسلام من تبع الهدی.

محسن دوان

۱۳۵۷/۱۲/۱۹



خدمت دوستجویان مسلمان مقیم امریکا و کانادا ایتریم کمالی مرقوم محترم نهاد اصل رسد ^{و این} کرم
 مجاهدات و کوششها و جنگ ناپذیر بر سرش جوانان روشن همگی مسلمان در راه درک صحیح اسلام و شناسایی حقیقت
 موجب امیدوار و در فتنه مسلمانان پدیدار است. اینجانب با قدر و ادب از روح اسلامی و حقیقت جوئی شما
 جوانان عزیز با ایمان لازم است قدردانیم که در پیچیدن این راه مقدس بس با مشکلات و خطرات
 مواجه هستید و دست بار مرفوز دشمنان اسلام از هر طرف جهت بازداشتن شما از منزل مقصود کوشش
 خواهد کرد، عوام و ایدر استمداد که میدانند با آشنایان ملتها بخصوص در میان کسب کرده
 با اصول مقدسه اسلام مغرور و نابود در استمدادگران و قطع دست آنان از صنایع ملتها و
 کشورها را استمدادش قطعی خواهد بود بکارشکنی پرداخته و میکوشند که با همه شیوهها و شوب
 سخن اذعان و اظهار جوانان از جلوه گزینن جمله مانع است اسلام جلوه گزینن نمایند و با عیان و خفیه
 و مکتبها را تخریب کرده جوانان ما را منحرف سازند. بر سرش جوانان مسلمان لازم است که در تحقیق و
 بررسی عقاید اسلام در زمینه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و غیره اصالتها را کلامی زود نظر
 گرفته و امتیاز آن که اسلام را از همه مذاهب دیگر جدا میسازد فراموش نکنند، مباد او را
 قدرتر آئین نباشد بجز اسلام را با مکتبها مخلوط و منحرف کنند از فکر بیشتر از آن کرده است
 خلافت نمایند. با پیرو فقه داشته باشید تا روزی که ملت اسلام با بنده این مکتبها را استمدادی
 میسازد یا فو این الهی را با ان عقاید میکند در کنار هم قرار میدهد مدرن استمدادی
 آزار نرسانند و در این مکتبها که از هیچ در است محبت اسلام عرفیه میشود فقط برای
 گمراهی جاهل و نادان است و میخواهند مسلمانان را بر این همه خوار و ذلیل و عقب مانده
 و آسیر نگهدارند و از تسلیم آنان را بجز قرآن کرم دور سازند. استمداد هیچ دست
 بسته بهم داده بر سرش بود ملت اسلام و کشورها و اسلامی کوشش میکنند در راه اسیر کردن
 بیشتر ملتها مسلمان و غارت سر قایم بر سرش و صنایع طبیعی آنان با یکدیگر میسازند که آید
 امرایر باستانی و مکتبهای دولتها را استمداد غرب و شرقی زایش شده در جهان سرگردان استمداد



ملی اسلامی برپا آمد و امروز از طرف همه استعمارگران حمایت و پشتیبانی می‌شود. انگلیس و آمریکا با بقوت نظامی و سیاسی و با کذا داشتن مسلمانی هر کجا در اختیار اسرائیل آرزای آنها در ذات بی درج علیه اعراب و مسلمین و ادامه اشغال فلسطین و دیگر سرزمینهای اسلامی مکه و مدینه و یمن و یازده و شصت و در آنجا حکومت می‌کنند و با فریب و حیانت و سیاست سازشکارانه موجودیت اسرائیل را تضمین می‌نمایند. اگر دول اسلامی و ملل مسلمان بجا نمانند بی شک شرق و غرب با اسلام تکیه می‌کنند و مقابل فرزانگی و روانی بجز قرآن کریم را نصیب عین خود قرار داده و بجای مسیحتی امروز اسرائیل را در گمان می‌نمایند و در عرب فاشیسم امریکا و عقیده آزاده سازشکارانه و نیز تکلیف از بیار شیطانی نمودن واقع می‌شوند. دور دول اسلامی از قرآن کریم ملت اسلام را با این وضع سیاه نمایی با عنوان سافته و مرفوفت ملت مسلمان و کشور اسلام را در دست فرستادگان سازشکارانه استعمار هیچ درایت قرار داده است. بر شا جوانان از نژاد اسلام که با امید مسلمین هستند لانتم می‌باید که ملت را آگاه سازید و نقشه با سرشوها فاشیسم استعمار را بر ملا نمائید. در دانشگاه اسلام همیشه هدایت کنید، تسالیم مقدسه قرآن را با یاد فرموده کنید. با بحالی خود هر در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام مجمل دیگر و بیشتر آراهای اسلام را بگویند، بر این پیاده کردن طمع حکومت اسلامی در بررسی مسائل آن اهتمام بیشتر بکنند. معذب و محترم شوید، متحد و متشکل شو و صفوف خود را فشرده تر سازید. هر چه بیشتر هم فکر و استقامت کار سازید، از بر ملا کردن نقشه با سر و دستگاه جبار ایران علیه اسلام و مسلمین سخت تر فرزند، صد ار برادران رنجور و مسلمان ایران را جریبا برسانید و با آنان هم در می‌کنید. پوختگیها، آذینگیها، مانوشکنیها و دیگر جنایاتی که می‌رسد در ایران جریان دارد هرگز فرستاد با کسی که بیار فرزند و حیانت استقلال و آزادی ملت اسلام و دفع ظلم مسئله با سر و فرزند استعمار فرایم آید و حفظ اینکه امروز متوجه اسلام و مسلمین می‌باید بر طرف گردد. سلام بر همه کسانی که بر این اسلام و در راه اسلام کفایت میکنند ابداع نمائید و اسلام کیم در جهت راه بر این است.

است و محدود جز خدا که تنها مطلق است بنابراین ایمان بهر چیز جز او محدودیت هدف و الزاماً زمینه عمل را برای رسیدن به هدف - که همان ثبوت و تجلی صفات الهی در زندگی انسانی است - محدود می نماید و بلا تردید مانعی بزرگ در تعالی انسان بسوی کمال مطلق خواهد بود .

ایمان بخدا برخلاف استنباط های کوتاه فکری و جاهلانه یک امر مجرد یا طرز تفکر ذهنی نبوده و نمی تواند بود . همانطور که در بالا گذشت عمل و تنها عمل است که وجه تمایز انسان با ایمان از بی ایمان است . عمل به اوامر این خدا به معنی خلاصه و هم اجمالی بیسان تحقق و تجلی صفات الهی است . همانطور که خداوند را از صفات او باید شناخت ایمان با و نیز انطباق آن صفات در زندگی و حرکت بسوی آرمانهای انسانی باید باشد . در عین حال باید توجه داشت که اندیشیدن یا خلاص نمودن عقل انسان بیک یا چند صفت الهی انسانی را به کمال مطلوب نتواند رسانید افتوه منون ببعض الکتاب و تکفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منکم الا خزی فی الحیوة الدنیا و یوم القیمة یردون الی اشد العذاب و ما الله بغافل عما تعملون (۱) (بقره ۸۵) . مثلاً تنها کافی نیست که به رحمت خدا متوجه بود و ایمان را تنها بدان خلاصه نمود و از توجه به کوشش در تحقق بقیه صفات صرف نظر و یا در آنها مسامحه نمود و یا تنها ترس از قهر الهی موجب کمال نتواند شد .

حال با توجه به مقدمه فوق ذیلا به بیان یک صفت از صفات الهی، عدالت . می پردازیم و وجهه های این صفت و هم طرز تحقق آنرا در زمان و مکان معین مثلاً فعلی باختصار شرح خواهیم داد .
تحقق و اجرای امر عدالت را در وجوه مختلف : خویشتن خویشش .

(۱) آیا ببخشی از ثواب ایمان میا آورید و ببخشی کافر میشوید ؟ پس یاد ایش کسی که چنین کند چیست ؟ جز خواری در دنیا، و روز قیامت بسوی سختترین عذاب راند میگردند، و خداوند هیچ غافل نیست از آنچه بجا می آورید .

نمؤء یگان و جامعہ میتوان خلاصہ نمود با توجه باین نکته کہ تفکیک امر عدالت بہ مراحل فوق مطلقا بد ان منظور نیست کہ مرزبندی مجزا و منقطع را بتوان عرضہ نمود . ہر یک از سہ مرحلہ فوق با یکدیگر روابطی جبری و لاینجزاؤ ہم ناکمستنی دارند . فعل و انفعالاتی کہ در ہر مرحلہ بوجود می آید بلادرنگ در مراحل دیگر موثر خواہد بود و اثرات ناشی از آن فعل و انفعالات در دیگر مراحل بخودی خود مرحلہ مبدا فعل و انفعال را متاثر خواہد نمود و سیر تفاعلی همچنان ادامه خواہد یافت . مثلا اثر انسانی بہ نیازهای طبیعی و فکری خود در حد معقول توجہ نماید و از استعداد و نیروی بالقوہ خود بہرہ نگیرد . طبیعی است کہ در جہت دانشاندوزی کام برنخواہد داشت و در جہل غوطہ خواہد خورد و این امر در ہر لحظہ در روابط او با نزدیکان و الزاما در مقام اجتماع موثر خواہد افتاد و حرکت گروہ و ہم اجتماع را بسوی تکامل و استقرار عدالت محال و یا لااقل کند خواہد نمود . بدبہسی است کہ فرد باید بدانشاندوزی و ہم تامین حداقل و معقول نیازهای طبیعی خود توجہ کامل مبذول دارد ولی ہرگز نیاید و نمیتواند از تحقق عدالت در دایرہ ایکہ در مقیاس گروہ خانوادہ اقوام دوستان یا ہمہ با ہم محدود است غفلت ورزد بلکہ باید در عین حال ناظر اجرای این خصیصہ و مصونیت آن نیز باشد و باید برای ایجاد محیطی آزاد و فارغ از وابستگی ہا تلاش نمود .

تنہا از این رہگذر و ہمگام با کوشش در زمینہ تکامل "خود" است کہ تلاش در بسط عدالت اجتماعی مصداق پیدا می کند . از آنجا کہ انسان در جمع و جماعت انسان مینماید یعنی بہ کمال وصول می یابد اگر ہم بفرض محال فردی بخواہد گنیم خود را از آب بیرون کشد و بفرض محال اجرای عدالت را فقط در مورد خود بداند و بخواہد ، آن ہنسگام کہ برای رسیدن بہ کمال کہ فقط برای جمع ممکن است بہ محیط رشد و تبلور فضایل خود نیاز دارد . حال اگر محیط رشد او در بیعدالتی و ظلم و ستم غوطہ خورد ، امکان رشد و یا سیر بطرف کمال' منطقا تعلیق بہ محال خواہد شد .

اصولا اجرای عدالت در مفهوم عام خود نمی تواند مرحله فردی را پیش از حدی معین از مراحل دیگر متمایز گرداند. اجرای عدالت حکم می شد تا هر آنچه دانسته می آید و کسب می شود بلادرنگ در خدمت دیگران قرار گیرد تا بدینوسیله حرکت جمع را در دانستن و عمل نمودن تسریع گرداند.

تحقق امر فوق در جامعه ای که در جهت پیشرفت بسوی کمال انسانی است و عوامل مخرب و ترمزکننده در آن سیطره ای ندارند، حالت طبیعی خود را خواهد داشت و هر حرکت و دانستنی فردی یا گروهی بلادرنگ در اجتماع اثر مثبت خواهد داشت و تکامل را تسریع خواهد نمود. ولی در جوامعی که عوامل ترمزکننده مخرب کم و بیش وجود دارند تلاش اساسی باید در زمینه از بین بردن موانع رشد و تکامل صورت پذیرد. بدیهی است که این تلاش در جهت تکامل فردی و هم گروهی انسانها خواهد بود که آثار آن عموماً در رفتار و اعمال و روابط درون اجتماع متجلی خواهد شد.

یک انسان مسلمان هرگاه منکری را ببیند باید در مقام مقابله با آن قیام کند. همچنان است تهیه و تدارک وسائل و امکاناتی که پیشگیری از منکرات دیگر را تضمین نمایند و این هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند و مکمل و موجب قوام یکدیگر نیز هم.

سرتاسر تاریخ بشری مملو از مبارزه با از بین بردن عوامل منفی مخرب (ظلم و ستم) در راه بسط عدالت در جوامع بشری بوده است. نهضت ها و انقلابهای در طول تاریخ برای تحقق این امر مقدس بوجود آمده اند و چه بسا بعزل کوناگون نتوانسته اند عوامل منفی رشد را چه داخلی و چه خارجی منکوب نمود. مو جامعه را - آزاد از آن موانع - بسوی کمال رهنمود شوند. اینک ما را نیز بعنوان نسل مسوول فعلی جز این راهی و وظیفه ای نیست که در تلاش حذف عوامل منفی رشد بپا خیزیم و تلاش کنیم.

در این رابطه است که حرکت عظیم و حماسه ای جوانان مسلمان نسل

جدید در جوامع مسلمان نشین بخصوص ایران معنی و مفهوم خاص پیدا می‌کند. بخوبی میتوان از احوال کسانی که در این حرکت اجتماعی شرکت نموده‌اند مفاهیم فوق را دریافت. از شرح حال کسانی که با بحال بوسیله اعمال ظلمه دستگیر شده‌اند و یا بشهادت رسیده‌اند بخوبی معلوم می‌گردد که آنان تا چه درجه با جوابگوئی به نیازهای فکری خود در مقام دانش‌اندوزی و پژوهش و بالا بردن سطح دانش اسلامی خود کوشیده و هم در محیط خود تا چه درجه‌ای به صفات ممتاز و فضائل اخلاقی و انسانی مشهور بودند. همچنین درست در مقام انتقال دانسته‌های خود به متن جامعه با اجرای اصل وحدت فکر و عمل در راه پسر افتخار جهاد در حذف ظلم و ستم کوشیدند و در این راه جان خود را همانند کسانی که علی علیه السلام در مقام و موقع آنها بیان داشت. "آن بخشنده‌گان ابرصفت که عالمی از فیض وجودشان سر سبز و خرم بود. . . ."

نثار کردند. حماسه‌ای که نامل مسلمان فعلی با انتخاب بموقع راه صحیح خود ساخته است که تا حدودی به کونه نظران و از خویشگانگان که همصد با اعمال ظلمه مذهب را ارتجاع می‌نامیده و می‌نامند و عقاید مجاهدین را تحریف کرده و می‌کنند جواب‌دهندگان شکن داد در عمل اثبات نمود که تحت تعالیم عالی قرآن و اجرای عدالت الهی میتوان بیش از همگان و هم به از همگان بوجد حرکت بود (۱). در عین حال هدف اصلی و اساسی که مجاهدین در جهت مثبت که جهت اصلی هر حرکت اصیلی می‌باشد تعقیب می‌کردند، ارائه طریقی است به همه مسلمانان خصوص به جوانان مسلمان که باید از هرگونه تردید و تزلزل و هم وابستگی خلاصی یابند و راه مقدسی را که مراحل اولیه آن به یمن حرکت خمینی پیموه شده است ادامه دهند و از بین بردن ظلم و ستم

(۱) پیدایش گروه‌های انقلابی در دهسال اخیر (از ۱۲ محرم ۱۳۸۳ - ۱۵ خرداد ۱۳۹۲) خود نمونه بارزی از مظاهر پیشقراولی جوانان مسلمان است که مسافانه تا کون آنگونه که شاید و باید در معرض انکار عمومی قرار نرفته‌اند.

و عوامل آنها با بودیعه گذاشتن جان خود تضمین نمایند .

دفاع از جان و عقاید مجاهدین که بطور عمده و تردید ناپذیر بر سر عهده مسلمانان چه در داخل و چه در خارج از کشور بوده است گرجه در مقام خود و بعنوان اولین گام بسیار قابل ارزش است ولی دفاع واقعی از مجاهدین، شرکت در جهاد آنان است با وابستگی کامل به آنها و اعلام صریح عقاید اسلامی خود . این امر از یکسویه تردیده‌ها و تزلزل‌ها پایان خواهد بخشید و هم خورده‌اندوزان را که پیس از شهادت هر مجاهدی به تحریف عقایدش برای توجیه بی‌حاصلی خود می‌پرد ازنده خاتمه خواهد داد و از سوی دیگر بعنوان تنها حرکت اصیل در جوامع اسلامی موجبات شرکت هرچه بیشتر مردم را در مبارزه نهائی تضمین خواهد نمود . آری وعده الهی در پیروزی مجاهدینی که در راه او جهاد می‌کنند وعده‌ای است قطعی و برانگیزنده مردم مسلمان "وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض" (نور ۵۵)

خدا به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح می‌کنند وعده داده است که در این زمین آنها را جانشین خود سازد .

* * * * *

" در برابر هر تیری که استبداد بر سینه ملت "

" میزند و هر گیزی که بسرها میگوید سینه‌ها فراخ "

" تر و سرها بلندتر میشود ، ضربات سوزناکتر "

" و شدیدتر بخودش بر میگردد . . . "

" از مدافعات مهندس بازرگان "

" در ادگاه تجدید نظر نظامی "

توبه

شیوهٔ پیشیهای اسلام برای بازگشت بحق

وانسى لغفار لمن تاب و آمن و عمل صالحا ثم اهتدى
والذین اجتنبوا الطاغوت ان یعبدها و انابوا الی الله
لهم البشرى فبشر عباد

سوره ۲۰- آیه ۸۲

و من آمرزنده آنکسانم که توبه میکنند و ایمان می آورند و
به عمل صالح می پردازند و هدایت میگیرند .

۱۷-۳۹ : آنانکه از پرستش طاغوت - گردنکشان طغیانگر-

سرباز زدند و بسوی خدا ای خویش بازگشتند ، براسنی

بشارت مخصوص آنها است . پس بندگان مرا بشارت ده!

قبل از پرداختن به اصل بحث ناگزیریم بیک نکته اشاره کنیم و آن اینکه

چرا اصولا جنین بحثی را طرح میکنیم ؟ در دنیا و در روزگاری که

هراران مشکل اساسی و اصولی و حسن ناشده برای جامعه ها وجود دارد

آیا طرح مسأله‌ای بنام توبه بدلیل چه ضرورتی عنوان شده است؟

در پاسخ به این سؤال باید بیک واقعیت تلخ اشاره کنیم که وارونگی

هائیکه در مفاهیم و معیارهای اسلامی بوجود آمده است این گونه سوالات

را تقریباً در مقام طرح اغلب مسائل و مفاهیم اسلامی بوجود میآورد.

بزیان دیگر:

از آنجا که مفاهیم و معیارهای موجود در جوامع اسلامی اکثراً دچار وارونگی و انحراف شده و در نتیجه، بجای مفهوم حقیقی، معنایی مبتذل و مجرد از آن‌ها برداشت میشود، همواره موجب آن میگردد که در نظر اول طرح بحث در باره آن مفاهیم را عطلی مبتذل و غیر ضروری بینیم. بیماری ابتدال و حرکت وارونه مفاهیم در یک جهان بینی را میتوان یکی از مهمترین عوامل مزاحم و مانع، در راه شناخت حقیقی و جامع آن جهان بینی شمرد.

جهان بینی اسلام متأسفانه در طول تاریخ سخت دچار این حرکت وارونه مفاهیم شده است و بهمین دلیل هر وقت کوششی در زمینه بساز شناسی جامع ارزشهای اسلامی ضروری بنظر میرسیده است در کنار این احساس ضرورت موجی از وسوسه تردید از دچار شدن به استبدال در حرکت بوده است.

هر چه هست عنوان توبه هم یکی از مفاهیمی است که انسان در طرح آن با این وسوسه روبرو میشود. وسوسه پرداختن بمسأله‌ای که ضرورت طرح آن از طرف عده‌ای - و لا اقل عده‌ای - سخت مورد تردید است حقیقت را باید گفت: اگر مفهوم توبه همان است که امروزه در عرف مسلمانی - و نه اسلامی - از آن در نظر می‌آید چه ابتدالی و چه حماقتی از آن باوتر که در باره آن به گفتگو و بحث بپردازیم. که توبه در عرف مسلمانی عبارت از عکس العمل زبانی و رضایت آوردن مجرم بعد از ارتکاب بگناه است. تا اگر احیاناً در اثر ارتکاب بگناه توبه‌ای از وجدانش بی‌آرام شده باشد، تنها با گفتن یکی دو کلمه و بسی هیچ مسوولیت و تعهد عطلی، آرامش از دست رفته را باز یابد. و چون مراسم توبه بهمین سادگی و بی درد سر و بی تعهد انجام میشود، پس - بنظرش - هم میتوان مرتکب گناه شد و هم از آزار وجدان خلاص! دید هاید که حتی گناه بعضی‌ها قبل از ارتکاب گناه بخودشان وعده میدهند که پس از اتمام گناه توبه خواهند کرد تا حتی یک لحظه هم دل‌پسره و بی‌آرامی وجدان در بیانیشان را نگیرند.

اینست نتیجه حرکت وارونه مفاهیم در يك مكتب و این وارونگی - انحصار به تئوسه ندارد، بلکه اکثر مفاهیم و ارزشهای اسلامی - اگر نگوییم همه - در همین وارونگی در حرکتند! و با همین شناخت، میتوان تناقضها و باصطلاح کوسه و ریش پهن های بسیاری را در جامعه فهمید. مثلاً این تناقض که جماعتی در عین اینکه از لحاظ عقلی مرتکب گنجهتترین و زلزلترین جنایات میشوند با این وجود، هیچ صدمه ای در وجدان اسلامی مورد ادعایشان احساس نمی کنند. چرا که در اثر حرکت وارونه مفاهیم همه چیز را بر وفق عمل و اندیشه خود می بینند. نه ایمانشان منافات با آنچه که می کنند دارد و نه اسلامیشان و نه توبه ای که می شناسند احتیاج به بیش از چند کلمه - نظیر استغفرالله - دارد.

گفتیم اثر مفهوم تئوسه و هر مفهوم اسلامی دیگر در این جریان حرکت وارونه نگاه شوند هرگز معقول نیست که تن به ابتداء بحث در باره این مفاهیم بدیم و فرصت و وقت خودمان و دیگران را بگیریم. ولی در همین آغاز صریحاً باید گفت که نگاهي که در این بحث به تئوسه و مفاهیم اسلامی دیگر میشود. بر مبنای این اعتقاد است که چون مفهوم تئوسه و بسیاری دیگر از مفاهیم اسلامی - که امروزه زیر بنا و خطوط اصلی تفکر جامعه مذهبی ما را تشکیل میدهند - از آسیب حرکت وارونه و فاجعه ابتداء بر کار نبوده اند، این وظیفه را بدوشمان احساس میکنیم که هر چه زودتر حسابان را با اسلام روشن کنیم و وارونگی های آنرا بشناسیم و معیارها و ضوابط و خطوط اصلیش را باز شناسیم. چه آنکه هرگونه اصلاح و تغییری در نظام اجتماعی يك جامعه فقط وقتی ممکن است که ابتداء شناخت و تغییری در زیربنایهای فکری و خطوط اصلی بینش آن جامعه صورت گیرد و بتعبیر قرآن

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم

بدون تردید تا جامعه ای در ضمیر خویش و در نهاد و نظام درونی خویش تغییری ندهد. هرگز خدا نظام آن جامعه را تغییر نخواهد داد.

هرچه هست در خلال این بازشناسی به تئوسه برخوردیم ایم که هم

که هم نجات و جرات بازگشت بدلهامان می‌دهد و هم امکان پیوستن به راه اصلی و اصلاح فرد و جمعمان را پیش پایمان میگذارد .

توبه چیست؟

توبه در اصطلاح قرآن به بازگشت آگاهانه و ارادی فرد یا جامعه از راه گناه و پیوستن بصراط مستقیم و ادامه این راه اطلاق میشود . در این تعریف بیش از هر چیز روی چند عنصر تکیه میشود :

الف : انسان در مقام فرد و در مقام جمع

ب : اراده

در اینجا قبل از اینکه کاملاً در جریان اصلی بحث بیفتیم مطلبی را لزوماً عنوان میکنیم :

بدون استثنا و بر مبنای تجربه علمی تاریخی، در باره تمام مکاتب و جهان بینی‌ها - چه فلسفی، چه اجتماعی، چه مذهبی، چه حق و چه باطل - که در طول تاریخ تا همین لحظه در صحنه زندگی بشر بعرضه وجود آمده‌اند، این ادعا را بصراحت میتوان کرد که تمام مکاتب با همه اختلافات سرشتی و ذاتی یا عرضی و عارضی که با یکدیگر داشته‌اند، در یک ادعا با هم کاملاً مشترک بوده‌اند و جالب اینکه اختلافات ذاتی یا عرضی این مکاتب هم درست از همین نقطه مشترک - منتهی از بعد دیگرش سرچشمه گرفته است .

توضیح مطلب اینکه : یکایک ماتب - حق یا باطل - تماماً مدعی این بوده‌اند که طرخی خوشبخت و سعادت بخش برای انسان آورده‌اند . این ادعا را یا بصورت انحصارطلبی و باصطلاح " این است و جز این نیست " مطرح میکردند و مدعی میشدند که تنها و منحصرأطرح آنان ضامن سعادت انسان بوده‌ر سایر پیشنهادها مایه بدبختی اوست. یا با کسی گذشت و حسن نیست نسبت بمکاتب دیگر چنین مدعی میشدند که با طرح آنان هم انسان سعادت بخش و خوشبخت میشود .

از این مطلب هیچ مکتبی را نمیتوانیم استثنا کنیم و همه در این مورد اتفاق دارند . پس اختلاف از کجا است؟ وهمانطور که

قبلا هم اشاره کردیم جالب اینکه بیشتر اینهمه اختلافها میان طرحهای این مکاتب هم، همه از همین نقطه ناشی میشود، یعنی اختلاف در باره خود انسان .

همه در ادعای خوشبخت کردن انسان بوده و هستند ولی پاسخ همه باین سوال که: انسان چیست یا کیست؟ یکی نبود . هر کدام بینشی از انسان داشت و بر مبنای همان بینش طرحش را ارائه میداد و طبیعا این طرح با طرح مکتب دیگر که دارای بینشی دیگر در باره انسان است، تفاوت میکرد .

طبیعی است وظایفی که انجام آنرا بعهده یک موجود میگذاریم بستگی به اعتقادی است که به نیروها و استعدادها و لیاقتهای آن موجود داریم . بتعبیر دیگر هر وظیفه ای که بدوش یک انسان میگذاریم اعتزرافی است ضمنی به توانایی او در انجام آن وظیفه . بنابراین میتوان از نوع وظایف و تکالیفی که هر مکتب بدوش انسان - بادعای خوشبخت کردن او میگذارد به ارزشی که همان مکتب بر انسان می نهد پی برد . و این جریان را از طرف دیگر هم بهمین کیفیت و بداعت میتوان ادعا کرد . یعنی هرچه میزان ارج و مقام انسان در یک مکتب بالاتر باشد بهمان نسبت طرحها و وظایفی که آن مکتب به انسان ارائه میدهد مهتمتر و سنگین تر خواهد بود .

مکتبی که تصویر انمانش همچون موجودی است اسیر و تسلیم بی اراده و بی قیود و شرط در برابر تمایلات که تمام جنب و جوش و حرکت و سکونش و شادی و غمش بر گرد او گرد شکم و زیر شکم دور می زند و هنری جز تامل آذوقه این دو عضو و تماشای ساده لوحانه و ملال آور ابتدال و تکرار طلوع و غروب خورشید در خود نمی شناسد و قدرت یا فراتر نهادن حتی باندازه یک گام - از مرزهای جبری - چه آگاه و چه ناخود آگاه - در خود نمی بیند البته که حرفها و طرحهای چنین مکتبی با مکتب دیگری که بانسان ارجی دیگر می نهد و او را رسالتی بزرگی خلافت خدایی میدهد تفاوت باید بکند . در این

مکتب انسان نه اسیر مرزهای جبر است و نه تا سرحد تا مین منحصر
نیارهای موقتی تمایلات - آگاه و ناخود آگاه - خویشی غیر میشود . در
اینجا خلاقیت و آزادی او تا سرحد ابدیت و خداگونه گسترش یافته
است . يك موجود يك بعدی و بسیط نیست يك نظام چند بعدی و مرکب
است و بتعبیر زیبایی علمی :

اتزعم انك جرم صغير وفيك الظوى العالم الاكبر
وانت الكتاب المبين الذى با حرفه تظهر المضممر

ای انسان تو پنداشته‌ای که تنها يك جرم بسیط و کوچکی هستی

با اینکه جهانی بزرگ در تو پیچیده است ؟

تو آن کتاب خوانا و روشنی هستی

که بتك تك حرفهای آن اسرار و رمزها شناخته میشود .

سرنوشت چنین انسانی را در قالب‌های جبری و از قبل ساخته شده

نریخته‌اند، بلکه این خود او است که سرنوشتش را تعیین میکند : نی

(۱۲-۱۳) وکل انسان الزمناه طائره فی عنقه - و سرنوشت هر انسا
را به گردن و بدوش او نهاد ایم .

(۲۴-۲۸) وکل نفس بما کسبت رهنیه - و هر نفسی در کارو اعمال
خویش است .

(۱۷-۱۵) من اهتدی فانما بهتدی لنفسه و من ضل فانما

یضل علیها ولا تزر وازرة وزر اخری و ما کنا معذبین حتی

نیعث رسولا - هر که هدایت گرفت برای خود گرفت و هر که ضلالت

یافت بزبان خود یافت و هرگز کسی گناه دیگری را بدوش نمی‌گیرد و

شیوه ما هم بر این بوده است که تا پیامبری را جهت آگاهی مردم نفرستیم ،
آهنک عذاب نکشیم .

(۱۷-۸) قل کل يعمل علی شاکته - بگو هر کس بر طبق تشخیص و

ظمیر خویش عمل میکند .

(۱۸-۲۹) وقل الحق من ربکم فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليکفر

بگو که حق از پروردگارتان است، پس هر که خواهد - بدخواه خویش -

ایمان آورد و هر که خواهد کفر ورزد .

این انسان قرآن است و این قلمرو حیات و حرکت او است . از چنین انسانی هر چند در خطرناکترین مراحل سقوط و سراسیمه‌ترین پرتگاههای انحطاط باشد بسیار دیر و بسیار بسختی و بدشواری میتوان قطع امید کرد و قلم بطلان بر نامش کشید . هر کجا و در هر حال که باشد میتوان از او این توقع را داشت که اراده بازگشت کند و بنیروی خلاق خویش بسه آفرینش سرنوشت خویش از نو برخیزد و براه آید و بصالحان پیبوند . بر مبنای چنین بینشی از انسان اسلام توبه را پیش پای مسلمان میگذارد .

بنابراین با شناخت اجمالی این معیار اسلامی - یعنی مقام و موقعیت انسان در جهان - بهتر میتوان مفاهیم اسلامی تدبیر توبه را مطالعه کرد . در اوایل این بحث گفتیم که عناصر اصلی در نظام ترکیبی مفهوم توبه ، انسان ، اراده و آگاهی است . انسان در این نظام مرکب بعنوان عنصر اصلی و دو عنصر دیگر - اراده و آگاهی - از لوازم وجودی او شمرده میشوند . چرا که در اینجا و در این بینش صحبت از انسانی است که در قلمرو وجودی خویش مسولیت تمام اعمال و جنب و جوشش را بگردن گرفته است و مسولیت بدون اراده و آگاهی چه معنی میتواند داشته باشد . تا آگاهانه اراده عملی را نکشیم کدام خردی و منطقی توقع مسولیت خوب و بد آن عمل را از ما دارد ؟ . بنابراین در این بینش پیوند دو عنصر اراده و آگاهی با عنصر اصلی - انسان - ناگسستنسی دیده میشود .

در این جا بر مبنای همین بینش اسلامی از انسان بیک مساله بسیار مهم اجتماعی دیگر میرسیم و آن اینکه :

” آیا بالاخره برای نجات انسان از سقوط و انحطاط - چه در مقام فرد و چه در مقام جمع - چه راهی در پیش داریم ؟ آیا بالاخره دستی که به نجات انسان دراز میشود از کدامین استین باید بدر آید ؟

آیا چشم براه گردش چرخ گردون و یا بتعبیر نوسری جبر تاریخ باید نشست یا چشم انتظار غیب و عوالم نامرئی دیده بر افق دوخت و تا دستی از غیب برون آید و کاری بکند یا آنکه برخلاف آنچه که از اسلام یادمان داده اند این دست باید از آستین خود انسان بدر آید و این کسره باید بدست خود انسان بار شود؟^۴ ” اگر صمیمانه و بی پیش‌دوری بخواهیم عقیده اسلام را در این زمینه بدانیم ناگزیر بهمین پاسخ آخری میرسیم که اسلام حل مشکلات جامعه انسانی را نه بدست چرخ گردون و نه در لرو حرکت جبری تاریخ و نه در انحصار عوالم پشت پرده و تقدیرات آسمانی میدانند . در جهان بینی اسلام مسوولیت فساد و سقوط جامعه انسانی تنها بعهده خود انسان گذاشته شده است و بهمین دلیل مسوولیت اصلاح هم بعهده خود اوست :

(۸-۵۳) ذلك بان الله لم يك مغيرا نعمة انعمها على قوم حتى يغيروا ما بانفسهم - حقیقت اینست که خدا هرگز نعمتی را که به قومی ارزانی داشته در گزین نکرده است مگر آنکه خود آن قوم در اوضاع و نفوس و نظام خویش تغییر و در گزینی ایجاد کنند .

(۳۰-۴۱) ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس در نتیجه آنچه که بدست مردم صورت گرفت فساد و تباهی در صحرا و دریا ظاهر شد .

مطلب دیگری که باز هم بموضوع توبه و سایر مفاهیم اسلامی نظیر آن مربوط میشود اینست که کسی که در جهان بینی اسلامی جستجو و دقت میکند خیلی زود باین مطلب میرسد که در این جهان بینی ، کوششی سخت میشود که ضمانت اجرایی طرحهای اجتماعی بر مبنای بنیانهای اخلاقی استوار شود . اینستکه با قرار دادن انسان در يك نظام و بنیان اخلاقی خود او را مراقب و نگهبان دنیای خودش می‌کند تا گناه و انحراف قبل از ایجاد هر اثری در دنیای خارج ، در دنیای درون و در وجدان اخلاقی او طوفان براه اندازد . لذا يك مسلمان

قرآنی، همواره این وظیفه را بدوش می‌کشد که زودتر از هر کس دیگر در موقع خطا و انحراف خویش در مقام اعتراض و انتقاد برآید .
تسویه عملی است که درست در همین لحظه برای فرونشاندن این طوفان صورت میگیرد . نتیجه انتقاد بحق و بجایی است که انسان از خودش میکند نشانه پیروزی انسان در میدان کارزار و نبرد با خویشتن است . آغاز کوچ و هجرتی است بدیار صالحان و بندگان رستگان .

در قرآن مجموعاً بیش از ۱۰۰ آیه بموضوع توبه اختصاص دارد . که بیش از سه چهارم این آیات در موضع نهیب به انسان در مقام جمع و جامعه است . از این گونه خطابه‌ها میتوان فهمید که اسلام با همه ارجی که بکوشش و تلاش اصلاحی یک فرد می‌نهد، توبه را بیشتر بصورت یک بسیج دستجمعی در راه اصلاح ریشه‌ای جامعه انسانی در حال سقوط پیشنهاد میکند .

چرا که حرکت اصلاحی فرد در یک نظام فاسد و منحط - بدون شورش علیه آن نظام - نمیتواند مفهوم حقیقی صلاح را بخود بگیرد . بتعبیر دیگر در آنجا که بنیان‌های جامعه را سیل فساد تهدید به ویرانی میکند تلاش فردی برای بیرون کشیدن گلیم شخصی از سیلاب - بی اندیشه نجات‌غریق - کاری سازگار با بنیانهای جهان بینی اسلام نمیتواند باشد .

مشخص‌ترین نمونه توبه دستجمعی در قرآن بد استان یونس مربوط است . برجسته‌ترین فراز این داستان: اینست که یونس پیامبر خدا پس از ابلاغ مکرر رسالت خویش و آگاهانید مردم جز یکی دوتن بدعوتش پاسخ مثبت ندادند . اینست که یونس از لجاجت و مقاومت مردم حوصله‌اش سررفته از میان آنان خشمگین بیرون مرود . پس از رفتن او یکباره جریان عوض میشود . یکی از پیروانش در نبال کار یونس رامیگیرد و به اخطار و نهیب مردم دست میزند . گویی مردم هم چون یونس را نمی‌بینند در وجدان خویش از آزردن او

احساس گشام کرده بانحراف خویش پی میبرند . بدنبال این توجه در مقام اصلاح برآمده بیک بسیج اصلاحی عام دست میزنند و در غیاب پیامبر خدا، یونس بی آنکه چشم انتظار او بنشینند و اصلاحات را تا آمدن او بعقب بیاورد ازنده خودشان بتلاش و توبه برمی خیزند و بکوشش صمیمی خویش سرنوشت دردناکشان را تغییر میدهند .

در پایان این سخن ها - بقول مرحوم جلال آل احمد - قلم را بچند آیه زیر در مورد توبه تطهیر میکنم :

(۲-۱۱۶) الذین تابوا و اصلحوا و بینوا فاولئك علیهم وانا التواب الرحیم - آنان که توبه کردند و به اصلاح دست زدند، بر چنین کسانی خواهم بخشید و منم که بخشاینده و مهربانم .

(۸-۶۶) یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبة نصوحا عسی ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم - شماها که ایمان آورده اید صمیمانه بدرگاه خدا توبه کنید باشد که خدا گناهانتانرا محوگرداند .

(۹-۷۵و۷۴) یحلفون بالله ما قالوا ولقد قالوا کلمة الکفر وکفروا بعد اسلامهم وهم ابا لم نیالوا وما نقصوا الا ان اغنیهم الله ورسوله من فضلہ . فان یتوبوا یک خیرا لهم و ان یتولوا یعد بهم الله عذابا الیما فی الدنیا و الاخرة و ما لهم فی الارض من ولی و لا نصیر - آنان بخدا سوگند میخورند که کفر بر زبان نیاورده اند . با اینکه آنان چنین گفتاری را بر زبان آورده اند آنان پس از مسلمانی کافر شده اند و در راه آنچه که بدان نرسیده تلاش کرد ند گله ای نداشتند جز آنکه خدا و پیامبرش از کرم خویش بی نیازشان کرده اند . اگر توبه کنند بحالشان بهتر خواهد بود ولی اگر روی بگردانند و خدا در دنیا و آخرت عذاب دردناکشان خواهد کرد . از آن پس در روی زمین نه یابری و نه دوستی خواهند داشت .

هیهاموی آسی ملی در چاد -۱۸-

کشور آفریقائی چاد در سال ۱۹۶۰ ظاهراً استقلال یافت. دولت آزاد یخواه؟! فرانسه با بروی کار آوردن تومبلبای (رئیس جمهور مسیحی و غرب پرورده چاد بود و در دسته اش برای تثبیت منافع خود در آفریقا با اشکالات تازه ای مواجه شد. مسلمانان عرب زبان که اکثریت مردم چاد را تشکیل می دهند برای بدست آوردن حقوق مسلمة خود ناچار بمبارزه مسلحانه برخاستند. جبهه آزاد بیخس ملی چاد (فرولینا) با مبارزه بیگیر خود عرصه را بر دولت و قوای فرانسه تنگ کرد بطوریکه دولت فرانسه در چهار چوبه کسکهای دفاعی و تسلیحاتی ناتواز دولت آلمان یاری خواست و دولت آلمان فدرال با تسلیم ماشینهای جنگی بارزش شش میلیون مارک به حکومت چاد و ارسال گروه شماره ۲ چتربازان لژیون های خارجی، بکمک دولت فرانسه برخاست ولی با تمام اینها و کشت و کشتارهای بیرحمانه، استعمارگران و قوای دولتی (۲) نتوانستند که جنبش فرولینا را خاموش نمایند لذا دست بدامن حيله شده و بسا آزادی زندانیان سیاسی و دعوت به سازش و آشتی ملی (التصالح الوطنی) خواستند که آتش انقلاب را فرو نشانند ولی این نیرنگ نیز نتوانست مفید واقع شود لذا مجدداً دست به بازداشت مبارزین برداشته و همان محیط ترس و اختناق برقرار شد. اخیراً اعلامیه ای از فرولینا منتشر شده و به دست ما رسیده که ترجمه آن از نظر تان میگذرد.

هیهاموی آشتی ملی (التصالح الوطنی)

رژیم فورلامی در سالهای ۱۹۶۹ و ۱۹۷۱ زندانیان سیاسی را که از سال ۱۹۶۳ زندانی و یا مدت زندانشان تهدید شده بود آزاد کرد. هدف از این آزاد کردن ها چیزی جز زمینه سازی برای اعلام آشتی ملی (۱) در مکتب مبارز شماره ۱۱ شرحی در باره جبهه چاد آمده است. (۲) بطوریکه تنها تا تاریخ نوامبر ۱۹۷۰، ۱۲۲، دهکده به آتش کشیده شد و ویران گردید.

نبود تا با اعلام آن افکار عمومی را در داخل و خارج منحرف کرده و حقایق رویدادهای چاد را مخفی کنند، از این جهت دست نشاندهگان استعمار جدید در فورلای صد ا به آنتنی ملی بلند کردند. ولی چه موقع حملات خفقان آور بعدی آغاز میگردد؟ این همان سؤالی است که ما در اعلامیه مورخه اول ژوئیه ۱۹۷۱ تحت عنوان (سازش ملی نیرنگی بیش نیست) طرح کردیم. این سؤال را تومبلیای دست نشانده و همکارانش با معارستشان به بازداشتهای کوبنده جواب دادند.

فرولینا سازمان آزاد بیخس ملی چاد این بازداشتهای دامنه دار را که اخیراً پایتخت (فورلای) شاهد آنها بوده با تلخی فراوانش تحمل کرد و در نتیجه صدها تن از فرزندان خلق که در بین آنان رقم بزرگی از زندانیان سیاسی سابق نیز بودند قربانی شدند و لذا مجدداً موج فشار و اختناق بازگشت کرده، علیرغم تبلیغات پرسروصدای سازش ملی اوضاع بحال اول در آمد.

در حقیقت تومبلیای مزدور و اربابانش با ادامه این بازداشتها و قلدیها، کاری جز پیاده کردن یک دور از مانورهای خیانتکارانه ای که برای آنان بصورت یک عادت در آمده است انجام ندادند. جالب اینجاست که همین مانورها و خیمه شب بازیها موجب شد که ماسکها پاره شود و پوشش از چهره حقیقی این ارمغان سیاسی آنها که بنام دروغین و خیالی سازی ملی نامگذاری شده بود برداشته شود.

دستگاه حاکم در فورلای بخیال خود توانسته است تناقضات اجتماعی و سیاسی را بواسطه این مانور و نیرنگ سیاسی بهم در آمیزد. خوب بود که دست نشاندهگان استعمار و اربابانشان در می یافتند که کوشش آنان برای در هم کوبیدن اراده ملت به زور، و ایجاد جو پلیسی و ترسناک، چه نتایج وخیمی به بار خواهد آورد. ولی وقایع دلالت دارد بر اینکه این نوکران استعمار به هیچ چیز جز از یاد و خامت اوضاع که در سرتاسر چاد و بالاخص در پایتخت (فورلای) روز افزون است توجه ندارند.

اگر منظوز از تمام این فشارها و بازداشتهای دسته جمعی در هم

کوبیدن فرولینا است؛ پس باید بدانند که هم اکنون تیره های نیروی آزاد بیخش ملی، در میدان مبارزه، به قوای مزدور و فرانسویان تجاوزکار درسهائی سخت عبرت انگیز می دهند. زیرا در تمام جبهه ها بخصوص در دو جبهه منطقه شرقی و میانه، عرصه را بر آنان تنگ کرده، آنان را به ستوه آورده اند. و این اعمال مذبحخانه قوای مزدور فرولامی، دلیل قاطعی بر شکست آنان در تمام جبهه های سیاسی، اقتصادی و نظامی بوده، روشنگر آنستکه سرانجام آنان نابودی است.

استعمارگران و دست نشانده گانشان بدانند که فرولینا به تنهائی مسؤولیت مبارزه انقلابی مسلحانه ای را که از چند سال پیش شروع کرده است پذیرفته و اعلام میدارد که: این مبارزه پیگیر و همه جانبه را تنها نابودی کامل امپریالیسم جهانی بتمام اشکالش، در تمام جبهه ها و علیرغم خیمه شب بازیها و مانورهای که بکمک مزدوران و دست نشانده گانشان بکار می بندد ادامه میدهد.

جبهه آزاد بیخش ملی چاد این اعمال زور و اختناق وحشیانه و بازداشت های دسته جمعی را که دست نشانده گان فرولامی ضد هموطنان غیر نظامی و بیگناه ما، زنان و کودکان، پیرمردان و نوجوانان معمول می دارند بشدت استنکار میکند.

جبهه آزاد بیخش ملی چاد از افکار عمومی جهانیان میخواهد که برای بر ملا کردن این اعمال ضد انسانی دار و دسته توملبای دست نشانده که با بازگذاشتن دستهاییکه برای ایجاد جو پلیسی کار میکنند، برای خلق چاد محیطی اختناق آور پدید آورده اند دخالت کرده، آزادی فوری تمام زندانیان را بخواهند.

زنده باد همبستگی ملتهای مبارز بر ضد استعمار و امپریالیسم

پیرروزی، همیشه هم پیمان ملتهای مبارز است

جبهه آزاد بیخش ملی چاد (فرولینا)

دفتر تبلیغات - نوشته ۱۹۷۲/۷/۲۴

مسلمین در آفریقای جنوبی

اسلام توسط کارگران مهاجر آسیائی، عرب و آفریقای شرقی وارد آفریقای جنوبی شد. امروز میتوان در حدود ۲۰۰ هزار مسلمان را در این کشور شمرد. مهاجرت این کارگران که در ابتدا پاسخی به احتیاجات فوری استعمارگران اروپائی در رابطه با جاد و جهد شان برای تقویت تسلطشان بر روی خلقهای آفریقائی بود، بعد از اندک زمانی، شروع به بار آوردن نتایج منفی نمود. مسلمانان نمی توانستند سیستم سیاسی و اجتماعی را که بر اساس امتیازات نژادی و رنگ پوست بنیان گذاری شده بود بپذیرند. بنابراین اقلیت سفید پوست حاکم برای ضعیف کردن آنها موانعی در جلوی راه آنها انداخت. ولی این توطئه ها نتایج معکوسی برخلاف پیش بینی هایشان بیار آورد: جمعیتهای مسلمان در مبارزه شان برای زندگی ای نوین از نوسازمان داده شدند و میادلات و ادوستد شان را با خلقهای سیاه پوست افزودند، بطوریکه اسلام باستواری در کشور مستقر شد. در این دوره اسلام نه تنها جوابگوی يك ارشاد معنوی بود بلکه همچنان با يك ارشاد سیاسی قهر انقلابی ایشان را علیه سیستم حاکم رهبری میکرد.

ضعیف کردن مسلمانان

مسلمین در مقابل امتناعشان از حل شدن در نقشه جغرافیائی، نژادی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تدوین شده بوسیله حکومت در سیاست " تبعیض نژادی " موانع زیادی را در اجرای مراسم مذهبی و زندگی اجتماعی شان مشاهده کردند. ابتدا سیاست رسمی برای ضعیف کردن مسلمانان به جدائی ایشان از یکدیگر پرداخت. همچنین مسلمانان برای ادامه زندگی شان میبایست... محلههایی را که نسل اندر نسل در آنجا زندگی میکردند ترک کنند. وقتی محلهای راترک میکردند حکومت آنها را در نواحی ای پراکنده میکرد که بجزیک اقلیت است

ضعیفی را تشکیل نمیدادند. این سیاست تحت عنوان امتیازات نژادی و اختلاف رنگ رسماً تبرئه میشد؛ تحت این عنوان به نابودی اسلام پرداختند، زیرا که مسلمانان را محکوم به نابودی تصور میکردند، چون آنها را در از مسجد و هم مذهبیهایشان مشاهده مینمودند. وقتیکه مسلمانان بدین وسیله ضعیف شدند حکومت به تشدید فشارش بر روی آنها ادامه داد. این فشار شکل اقتصادی بخود گرفته بود، کارمندان که اکثریت بسیار بزرگشان از اقلیت سفید پوست حاکمانی شده بودند شروع کردند به رد کردن استخدام اشخاصی که اظهار مسلمانسی نمودند، همچنین آنها فشارشان را برای از بین بردن و خاموش کردن پیشهوران مسلمان چه بوسیله موانع اداری و چه بوسیله نفی پذیرششان و چه بوسیله دور کردن مشتریانشان تشدید نمودند. بی شک نتیجه این سیاست بود که مسلمانان شروع کردند به پنهان شدن. آنها جرئت نداشتند با آزادی اظهار کنند که مسلمانند، از جامعه جدا و از نظر اخلاقی درمانده شده بودند و در آنها آمادگی به پذیرش این خواسته های اربابان سفید وجود آمد.

تشدید سیاهت امتیازات نژادی

هیئت حاکمه به تشدید جدائی مسلمانان آسیائی نژاد و عرب از جمعیت سیاه پرداخت. در حالیکه حمیت بومی اکثریت بزرگی را تشکیل میدهند، حکومت سفید پوست میخواهد آنها را در خفقان نگه دارد و زندانی ایدئولوژی طبقاتی خویش کند. بمنظور جلوگیری از گسترش عقیده های غیر از عقیده ای که اقلیت سفید پوست تبلیغ میکند، جمعیت سیاه پوست باید همیشه برتری اقلیت سفید پوست را رعایت کند و قانون پاک او را که بر قسمت بزرگی از زمین حکمفرما شده - همچنان که بر بسیاری از کشورهای - مقدس شمرد. رژیم پلیسی خونخوار به انتشار ایدئولوژی ناسیونالیستهای آفریقائی خاتمه میبخشد. بوسیله ایجاد کردن ایستانسز (Islands) از تشکل آفریقائیها روی برنامه های سیاسی جلوگیری میکند و باین وسیله به از فعالیت انداختن نیروهای انقلابی اهالی بومی میردازد. با انتشار عقیده (Islands) حکومت بایک تیر و نشان زده است یکی اینکه بوسیله براننده کردن اکثریت جمعیت به فئال مختلف حسن همکاری و هویت ملی آنها را از بین میرد و دیگر اینکه از راه موافقت با استقلال جمعیتها یک

در محدوده‌های زندگی می‌کنند حکومت می‌تواند به مخالفان امتیازات نژادی جو^ب بگوید که هر جمعیتی آزاد است در قلمرو خود شرکت کند. آنها فراموش می‌کنند اضافه کنند که اقلیت سفید پوست مالک تقریباً ۸۰٪ این زمینهاست و به هیچ وجه اجازه نمی‌دهد هیچگونه نیروی مخالفی (ابوریسیونی) به امتیازاتش صدمه‌ای وارد آورد.

اسلام که تا اینجا بغرور آمدن مهاجرین آسیائی، عرب و آفریقای شرقی محدود می‌شد، در این زمان جلساتی برای اهالی بومی تشکیل می‌دهد. فهم این مسئله مشکل است که کلیسای رسمی برابری مردم را بدون امتیاز رنگی تبلیغ میکند. در همان زمان که در زندگی روزمره اهالی بومی حق ندارند در محلی که سفید پوستها عبادت میکنند مشغول عبادت شوند و نه از امتیازاتی که به این اقلیت سفید داده شده بهره‌مند گردند. در مقابل، امت مسلمان درهای مساجد شرا بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های رنگی و امتیازهای اجتماعی بر روی همه باز کرده و با این عمل نمونه‌ای از یک همزیستی را ارائه می‌دهد که خدش‌های به حقوق دیگری وارد نمی‌سازد و نتیجتاً بعضی همکاری‌ها بین مسلمانان و اهالی سیامپوست بوجود آمده است زیرا که هر دو باید با فشارهایی که بوسیله حکومت سفید پوست بعمل می‌آید بیکار کنند. با توجه به احساس خطر همین همکاری بود که حکومت بلافاصله تماس مسلمانان آفریقائی را با اهالی بومی ممنوع کرد. بعد از اعتراضات مردم مسلمان و اهالی سیامپوست حکومت اجازه داد که مسلمانان غیر آفریقائی بتوانند چهار ساعت در هفته بعد از ظهرهای یکشنبه به هم مذهبیهای سیامپوستشان خدمت کنند. در حالیکه کلیسای رسمی آزادی کامل برای انجام هر عملی را داشت و ازیشتیانی مالی حکومت بهره‌مند میشد، مسلمانان بجز چهار ساعت در هفته دیگر فرصتی برای انجام کارهایشان نداشتند! با اضافه حکومت با شرکت مسلمانان سیاه در همان مساجدی که هم مذهبیهای غیرسیاهشان اجتماع میکردند مخالفت مینمود. بنابراین مسلمانان با کمی تعداد و کمبود درآمد مالی بزحمت می‌توانستند مسجدشان را بسازند. همچنین نمی‌توانستند مانند سایر هم‌مذهبیهایشان از یک زندگی اجتماعی در اطراف مسجدشان بهره‌مند گردند لکن علی‌رغم تمام

این کارشکنیها و مخالفت‌های طبقات حاکمه، جمعیت‌های مسلمان پشتیبانی اخلاقی و مالی خود را نسبت به خلق آفریقا افزایش دادند .

متشکل شدن گروه‌های اسلامی

مسلمانان آفریقای جنوبی با خطر نابودی مقابله میکردند و به همین جهت، مترقیانه بر مبنی مسائل اجتماعی و همچنین مسائل عقیدتی متشکل شده بودند . مسجد، مرکز زندگی اجتماعی ایشان شده بود و از لحاظ مادی و معنوی از اعضایش حمایت میکرد . از طرف دیگر مورد بهره‌برداری انجام امور مذهبی و انجام آداب و رسوم و تشریفات تولد، مرگ، طلاق، رفع اختلافات و غیره توسط پیشوای مذهبی قرار میگرفت . هرگاه مسجد نمی‌توانست به خشنودی درخواست کمک مادی یکی از اعضایش را برآورد، او را در رابطه با سایر اعضای جامعه اسلامی قرار میداد که افکار همکاری با شخص نیازمند را داشتند . خانواد‌های اعضای مسجد سهمیه‌ای در حدود شش فرانک در ماه به مسجد میبرد ازند که مصروف خدمات مسجد میشود .

در قلمرو تعلیم و تربیت، گروه‌های اسلامی موسسه‌هایی با خصوصیات " مدرسه " ایجاد کرده‌اند . صبحها دانش‌آموزان در مدرسه‌های دولتی مشغول تحصیلند و بعد از ظهر از ساعت ۱۵ تا ۱۸ مدت یک دوره پنج ساله را در کلاسهای مخصوصی مجانا میگذرانند . این مسجد است که معمولاً کارهای این مدرسه را اداره میکند . برنامه این مدارس شامل فرهنگ، سنت و تاریخ اسلام است، همچنانکه تعلیمات زبان عربی . دانشجویان کلاسهای عالی با شهری انقلابی به تعلیم دانش‌آموزان کلاسهای ابتدائی میپردازند . معلمین توسط " شورای قضائی مسلم " استخدام میشوند و بعد ها تحت نظر ایشان از یک تعلیمات مجانی برخوردارند .

وجود تشکیلات مختلفی که ظاهراً به خدمات انسانی و معنوی اشتغال داشتند به ضعیف کردن افکار امت مسلمان در آفریقای جنوبی کمک نمودند . همچنانکه توطئه‌های گوناگونی برای انشعاب در سازمانها و احزاب اسلامی علناً دیده میشود . امروز در میان تشکیلات

و احزاب اسلامی از سه گروه مهم میتوان اسم برد که بترتیب بدین قرارند :
انقلاب اسلامی *Assembly Cape* و الجبهه سومین گروه (الجبهه)
اعتبار جهانی را در زیر بوسیله ۴۸ ملکت شناخته شده است. همین
گروه است که دانشجویانی را که از خانواده های بی بضاعت اهالی آفریقا
جنوبی میباشند با مخارج خود برای ادامه تحصیلات به کشورهای دیگر
اعزام میدارد. تمامی این تشکیلات در آمد مالی خود را از راه گرفتن سهمیه
از اعضا و اعانات مختلف تامین میکند. ضعف درآمد مالی یکی از عوامل مهم
جلوگیری از فعالیت وسیع گروه های مزبور میباشد ولیکن بعلت زند شدن
روحیه اتکا بخود که از اسلام عزیز دارند با خشنودی با مسائل مختلف
بمقابله میپردازند .

تجدید حیات اسلام در آفریقای جنوبی نمونه ایست از تجدید حیات
جمعیت های اسلامی در جهان که بر روی این اصل استوار است که انسان
میتواند مشاهدات عینی خود را که قسمتی از مسائل عینی جاری در جامعه
است مشخص سازد و آنها را از یکدیگر تمیز دهد و قانونمندیش را کشف
کند. تا به شناخت صحیحی از مسائل برسد .

برای درگرفتنی روابط حاکم در جهت مثبت ، مسلمانان آفریقای جنوبی
علی رغم موانع بیشماری که با آن برخورد میکردند بعلت فعالیت های مستمر
و انقلابییشان نه تنها موفق به ادا انجام وظائف مذهبی میشوند بلکه
تماس خود را با اکثریت بومی نیز افزوده اند زیرا هر دو باید از این به بعد
در رهائی از اسارتی که اقلیت حاکم سفید پوست بر ایشان ایجاد کرده با
هم شرکت کنند . چه در نظام کمونی هیچکس اجازه ندارد که حتی
انتظار تلاسی رژیم نژاد پرست مسلط آفریقای جنوبی را داشته باشد .
همچنین عدم آزادی اکثریت محروم و ستمدیده در شرائط نشان میدهد که
این سیستم از طرف قدرتهای بین المللی تقویت میشود .

اگر انسان بخواهد با پیروزی از این آزمایش کینه جوینانسه و
نژاد پرستانه خارج شود باید حاضر شود به همکاری با

تمام افرادی که علیه تبعیض نژادی مبارزه میکنند . در ایمن قلمرو وظیفه مسلمانان جهان است که در زمینه های سیاسی ، اخلاقی ، روانی و اقتصادی از برادران مسلمان خود که تحت شکنجه های رژیم حاکم یژاد پرست آفریقای جنوبی قرار دارند پشتیبانی کنند .

* * * * *

" . . . در نظریه اسلام فرد در جمع و با جمع آزاد "

" میشود و بر خلاف تصور وقتی از جمع جدا میشود "

" خواه بصورت انفراد و خواه بصورت "بازگشت به "

" طبیعت و چشم پوشی از قرارداد اجتماعی " کاربند پرو "

" از خود بیگانه میکرد و میمیرد . . . "

" . . . اساس مطلق العنانی بر تفرقه و منفرد کردن "

" است زیرا نتیجه فرد صفر است . فرد خارج از "

" جمع نه ابتکار دارد ، نه فعال است و نه میتواند "

" صاحب اندیشه و عمل باشد . فرد گرایی . . . حاصل "

" استمرار سلطه مطلق العنانها و نتیجه حذف نیروی "

" مخالف منفی است . خودکامگی با جمع و جماعت "

" تضاد ذاتی دارد . خودکامگی با فعال بودن در "

" جمع و نیز تجمع تضاد ذاتی دارد و حال آنکه "

" هدف اسلام . . . ایجاد جمع و جماعت است . . . "

" . . . تنها با از پایه ویران کردن دستگاه مطلق تراشی "

" است که راه بر اندیشه و عمل انسانی گشوده میشود . "

" از مقاله بعثت دائمی مکتب مبارز شماره ۱۳ "

مقاله‌ای از یک واحد اتحادیه

اسلام و ایران

« ۳ »

در شماره گذشته پس از ذکر مقدمه‌ای در تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی که "چگونگی پیدایش علوم و معارف آن از عجیب‌ترین وقایع تاریخ عقلی بشر است" در این زمینه گفتگو کردیم که "فرهنگ اسلامی ایران مجموعه‌ای است از دانش‌های الهی و بشری که طی قرون متمادی از منابع مختلف، قرآن، احادیث، گفتار و راهنمایی‌های ائمه و همچنین از یونان، اسکندریه و روم گرفته تا هند و چین بهره‌ها گوناگون برده" و بصورت مجموعه‌ای غنی و حرکت‌آفرین درآمد و یکی از زوئنه‌های اساسی بلکه "مهمترین وزنه" در فرهنگ و تمدن عظیم اسلامی بشمار می‌آید. باین مطلب نیز گذرا اشاره کردیم که "گسترش سریع اسلام، تمام مراکز بزرگ علمی جهان قدیم غرب آسیا و دریای مدیترانه را در داخل اسلام قرار داد و مدتی بعد هنگامی که مسلمانان متوجه علوم تمدن‌های پیشین شدند، دست به ترجمه و اخذ فرهنگ و دانش‌های نقاط دیگر زدند و به عبارت دیگر به کسب معارف تمدن‌های دیگر پرداختند. و خود اقلیت‌های مذهبی در جامعه اسلامی، مانند مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان و مترجمین زبورستی که حاضر و آماده بین مسلمین بودند و هم به زبان‌های علوم قدیمه مانند یونانی و سریانی و حتی سنسکریت آشنائی داشتند و هم به عربی و هم به علوم مورد نظر در انتقال این دانش‌ها به جامعه اسلامی نقش بزرگی را بازی کرده است. اما این‌ها فقط یک جنبه از واقعیت امر است. چه صرف وجود داشتن کتاب و مترجم و آشنائی به زبان‌های دیگر، برای انتقال و استفاده از علوم و فرهنگ یک تمدن به تمدن دیگر کافی نیست. بلکه باید محرکی نیز در درون تمدنی که به کسب معارف

تمدنهای دیگر میرد از وجود داشته باشد. خاصه که اسلام در آن زمان بر تقریباً نیمی از جهان مستقر شده بود، و هیچ فشار اقتصادی و سیاسی آنرا مجبور به کسب علوم یونانی و هندی و چینی نمیکرد. (۱)

اگر امروز غرب بمعنی اعم باسلطه اقتصادی و سیاسی این برنامه‌های باصلاح فرهنگی خود را بزور بر کشورهای مشرق زمین تحمیل می‌کند و با انقلاب آموزشی و تشکیل سپاهها وارد و ههای مختلف استعماری، مبلغ فرهنگ و ارزشهای فرهنگی خود در جوامع اسلامی است و از عامل مساعد "ضعف علمی و سیاسی" و نیز "وابستگی" رهبران و حکمرانان این جوامع که خود نگاهدازنده بنای حکومتی آنان است حد اکثر بهره رامیبرد، در دوران اوج قدرت و عظمت کشورهای اسلامی هیچگونه سلطه‌ای اقتصادی، سیاسی و با فرهنگی در کار نبوده است. اگر امروز با وجود برنامه‌های عوام‌فریبانه و فرهنگ زدای نظیر "تلویزیون آموزشی" - البته فقط برای تلویزیون داران - و تغییر سیستم آموزشی و تطبیق آن با سیستم غربی، که منبعت از شرایط سرمایه‌داری همان جوامع است برای از بین بردن میانی اسلامی فرهنگی و محرک جوامع شرقی که در طول تاریخ عامل عمده مبارزه با سلطه بیگانه بوده است، دست به انقلاب می‌زنند - چه این نابودی جز از راه انقلاب‌های رنگارنگ اعلی نیست - در آن روزگار از تلویزیون آموزشی و برنامه‌هایی نظیر آن خبری نبوده و مسلمین خود با شوق و ذوق به کسب معارف می‌پرداختند و برای تعلیم آن نه بمنظور ایجاد بازارهای اقتصادی و پایگاه‌های نظامی جهت تثبیت سیاست تجاوزطلبانه بلکه بمنظور تقویت و توسعه علوم و دانشهای انسانی در سراسر جامعه بشری دست به یک انقلاب عظیم و جهانی فرهنگی زدند و در پرتو آن تمدنی را بنیان نهادند که قرن‌ها چراغ راه دانش‌پژوهان قرار داشت. این نکته را هم همینجا اضافه کنیم که "اسلام در اوج قدرت خود علوم و معارف تمدن نهایی را جذب کرد که بر آنها تفوق کامل نظامی و سیاسی داشت و اجباری در پذیرفتن علوم و حکمت آنان از خارج نداشت. لکن اگر به درون مطلب بنگریم می‌بینیم که این علوم ذاتاً با اسلام بیگانه نبوده و مقام و منزلتی برای آن در دید کلی

اسلامی وجود داشت . حتی این علوم جنبه‌ای از اسلام بمعنای وسیع آن بوده ، چنانکه از برخی از گفتار امامان شیعه در گفت و شنود های خود با صائبین و سایر اهل کتاب نیز برمی آید . به همین جهت اسلام در جذب علوم و معارف تمدنهای پیشین با نیروی تمییز پیشرفت و در جذب و هضم مطالب بی تفاوت نبود به این صورت توانست وارث علوم عقلی تقریباً تمام تمدنهای پیشین شود بدون اینکه از اصول خود منحرف گردد . در شماره گذشته ضمن اشاره به نقش توده مسلمان ایرانی در تدوین فرهنگ و تمدن اسلامی یاد آور شدیم که از آغاز قرن اخیر (خصوصاً) آشنائی با معارف اسلامی و فرهنگ و مبانی اسلامی آن در ایران و دیگر جوامع اسلامی بین گروهی از "فرنگ رفته" ها و سپس "غرب زده" ها تا آن حد ضعیف شد که عددهای از آنها جهت پنهان ساختن جهل خود و گروه دیگری در ایفای وظیفه محوله اولاً منکر وجود فرهنگ اسلامی و مردمی ایسران شدند و بعلاوه اهمیت آنرا که قرنهای رهبر فکرواندیشه نیمی از جهان بود ، های ارزشهای استعماری غرب کمتر دانستند . و دیدیم که خصوصاً این گروه هم معارف ارزنده فرهنگ اسلامی خود را از دست دادند و هم موفق به کسب علوم و فرهنگ غربی نشدند . مگر در چند مورد استثنائی و در یک یاد و مورد از علوم .

* * * * *

در شماره گذشته قول دادیم که سهم ایرانیان بعبارت دیگر خدمت ایرانیان به فلسفه اسلامی را در این شماره اجمالاً بیان داریم . این کاری بسا همه دشواری و ابعاد مختلفی که دارد نمیتواند بطور مفصل و جامع عرضه گردد ، لذا مطلب را به چند بیان و معرفی چند شخصیت خلاصه می کنیم .

سهم مسلمانان ایران در نهضت عالمگیر فلسفه اسلامی

" تاریخ فلسفه در ایران در واقع جریان اصلی فلسفه اسلامی است و حتی میتوان گفت که به استثنای نهضت فلسفی در مصر و در دوره فاطمی و مکتب بزرگ اندلس و تلاشهای کندی در عراق ، فلسفه اسلامی اصولاً همان

فلسفه‌ای است که توسط ایرانیان نضج گرفته و در قرون متعادی مشارب و مکاتب بسیاری را به ثمر و وسیع خود افزوده است .
اگر محقق با حوصله و نیز متعهد و دردمند هوای سیر در تاریخ فلسفه در ایران را داشته باشد و به منابع تحقیق درباره تاریخ فلسفه در ایران دست یازد صحت این مدعا را درمی یابد . در اینجا برای اطلاع و راهنمایی خواننده ، اهم این منابع را بانقل و اختصار از مقاله " برخی مسائل مربوط به تاریخ فلسفه در ایران اسلامی " از کتاب معارف اسلام ص ۴۷ ذکر می کنیم .

۱- تواریخ حکما و فلاسفه :

از قبیل : " صوان الحکمه " از ابوسلیمان سجستانی ، " تمه
صوان الحکمه " از بیهقی ، " الامد علی الابد " از ابوالحسن عامری ،
" نزهة الارواح " از سهروردی ، " محبوب القلوب " قطب الدین اشکوری ،
" روضات الجنه " میرزا محمد خوانساری ، " نامه دانشوران " و " ریحانه
الادب " تألیف محمد علی تبریزی و چند منبع دیگر از این قبیل است که
در آنها نتایج یک دوره پین از هزار سال آثار و افکار حکما و فلاسفه
اسلامی به طور کلی و ایران بالاخر درج و ضبط شده و در دسترس
دانشمندان امروز قرار گرفته است .

۲- کلمات قصار و گفته فلاسفه :

در حالیکه منابع ذکر شده در بالا بیشتر درباره شرح زندگی و آثار
حکیمان است ، این نوع از منابع که شامل گفتار های آنان است ، طریق
بهتری است جهت آشنائی با افکار فیلسوفان . این نوع کتب از قبیل
" مختار الحکم " تألیف ابن فاک آمری " سمر الفلاسفه " از عبد الستار
لاهوری که شامل گفتار حکمای یونان نیز هست ، تنها منبع مهمی
برای آشنائی با برخی مآخذ یونان است که اصل آن در دست نیست ،
بلکه بعضی از مسائل فلسفی مخصوصا مسائل متعلق به قرون اولیه
تمدن اسلامی را روشن میسازد .

۳ - فهرست کتب و مأخذ و اعلام :

فهرست نویسان اسلامی که در صدر ذکر نام و آثار دانشمندان اسلامی برآمد هاند ، ضمناً مطالب بسیار مهمی درباره این فلاسفه جمع آوری کرده اند ، از قبیل " کشف الظنون " " اعیان الشیعه " و " الذریعه "
فهرست مصنفات رازی که به دست ابوریحان بیرونی جمع آوری شده ، از ارزنده ترین منابع تاریخ فلسفه و علوم قرون چهارم است .

۴ - کتب تاریخی :

از آنجا که بسیاری از این کتب بزرگ تاریخی در دوره اسلامی با سایر انبیاء و حکما نیز سروکار داشته است . اکثر این کتب اطلاعات سودمندی درباره سیر فلسفه در بر دارد ، کتبی از قبیل تواریخ طبری و یعقوبی و ثعالبی و " التنبیه والاشراف " مسعودی و " تاریخ بیهق " در دوران بعدی " جامع التواریخ " و " ناسخ التواریخ " و غیره ، همگی فضولی درباره تاریخ فلسفه و علوم مخصوصاً علوم مربوط به عصر نگارنده در بر دارد . از منابع دیگر از قبیل " چهارمقاله " نظامی عروضی سمرقندی و تذکره ها و تواریخ ادبی نیز حاکی از مطالب فراوانی درباره تاریخ فلسفه است .

۵ - کتب کلامی و ملل و نحل و مباحثات و مناظرات دینی :

کتب از این قبیل همواره از مهمترین منابع تاریخ فلسفه در ایران میباشند ، از قبیل آثار جاحظ و بغدادی و ابوحنیفان توحیدی و شهرستانی و امام فخر رازی .

۶ - کتب عرفانی :

این منابع گرچه ظاهراً دور از مطالب فلسفه استدلالی است ، ولی رابطه مهمی با فلسفه داشته است . خصوصاً بعد از قرن ششم هجری هنگامی که سه رویدی باب نوینی در حکمت گشود و ابن عربی ، عرفان را به صورت علمی و نظری در آورد .

شرح‌هایی که بر " فصوص الحکم " ابن عربی نگاشته شده است از
مهمترین منابع سیر فلسفه و حکمت در ایران است .

۷ - متون فلسفی :

بالاخره مراجعه به خود متون فلسفی، نه تنها از لحاظ اینکه منبع
افکار فلسفی است بلکه به عنوان ماخذ تاریخ فلسفه در ایران باید
از کارهای اساسی در تحقیق سیر فلسفی در ایران مورد توجه قرار
گیرد .

بررسی دقیق رسائل کندی و فارابی و بوعلی، میتواند تحول افکار
مشائی (۱) را در این دوره ها روشن سازد . متن " شفا " خود از
تاریخ فلسفه در قرون قبل حکایت می‌کند و کتاب " تعلیقات " شیخ
الرئیس نیز مباحث فلاسفه و منطقیون قبل از خود را منعکس می‌سازد .
برخی کتب که زیاد شرح شده است مانند " اشارات " با شرح‌های
فخرالدین رازی و خواجه نصیرالدین طوسی و قطب‌الدین رازی، سیر
چند قرن فلسفه مشائی (۲) را در بر دارد . همچنین شرح‌های
متعددی که بر کتب کلامی " تجرید " از خواجه نصیر طوسی و
" فصوص الحکم " نوشته شده است، برخی از مهمترین تحولات فلسفی
قرون هفتم تا دهم را بیان می‌دارد .

" در بین متون فلسفی به عنوان منبع تاریخ فلسفه، هیچیک اهمیت
" اسفار " ملاصدرا را شیرازی را ندارد، که علاوه بر بحث مسائل حکمی،
سیر افکار رانیز ذکر کرده است . ملاصدرا با کتب و رسائل زیادی
آشنائی داشته است که اکنون در دست نیست . بنابراین در کاوشها
تاریخ فلسفه اسلامی از شاهکارهای فلسفی او یعنی کتاب " اسفار "
میتوان بهره‌های فراوان برد . و بالاخره در بحث راجع به مسائل، تاریخ
فلسفه، باید به سیر حکمت بعد از ملاصدرا تا با امروز توجه کرد،
مخصوصا از زمان شاگردان ملاصدرا تا احیای فلسفه او بدست ملاعلی
نوری و شاگرد وی، حاجی ملاهادی سبزواری ."

روشن ترین چهره‌های فلسفی

اکثریت قریب باتفاق چهره‌های فلسفی اسلام فلاسفه ایرانی هستند از قبیل: ابوالعباس سرخسی، فضل بن ابی سهل بن نوبخت، حسن بن موسی نوبختی، فارابی، ابوزید بلخی، ابوبکر رازی، ابن سینا، همدانی صنعانی ابن مسکویه، بیرونی، قطب الدین رازی، جلال الدین روانی، غیاث الدین کاشانی، فیض کاشانی، عبدالرزاق لاهیجی، میرداماد، صدرالمتالهیه (ملاصدرا)، سبزواری - صاحب منظومه فلسفی - که از ارکان فلسفه و از نوابغ فلسفی بشمار می‌آیند.

متأسفانه بررسی زندگانی و اثرات هر یک از این چهره‌ها، به اطلاع کلام می‌انجامد لذا به معرفی چند تن از آنان، به نقل از "فلاسفه شیعه" و برخی مدارک دیگر بسنده می‌کنیم.

حسن بن موسی نوبختی

این مرد بزرگترین شخصیت در فلسفه و کلام و ترجمه، در قرن سوم هجری است. حسن بن موسی عضوی از خاندان بزرگ نوبخت است. عبدالله نعمه در کتاب "فلاسفه شیعه" در مورد خاندان نوبخت چنین مینویسد:

"این خاندان حدود سه قرن به اشاعه و ترویج علم و فلسفه و فقه و حدیث و علم نجوم و طب و ادب اشتغال داشتند. تا اینکه در اوائل قرن پنجم هجری ستاره اقبال این خاندان رو بخاموشی نهاد. موسس این خانواده، نوبخت زرد تشتی بود که خود و پسرش ابوسهل و همسرش زرین مسلمان شدند و به عبدالله شهرت یافت. فرزندان او که چهره‌های تابناک علم و فلسفه بودند و در تاریخ علم و فرهنگ و فلسفه و علوم دیگر درخشیدند، از آن جمله بودند سهل سلمیان اسحاق، اسماعیل، هارون محمد، عبدالله و عبیدالله.

همچنین از این خاندان مردانی دانشمند بوجود آمدند که دارای شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی بودند و بطور کلی بنقل و ترجمه علوم و فرهنگ‌های خارجی

پاورقی ۱ و ۲ از صفحه قبل - به افکار و فلسفه مشائی و مشائون، آنجا که از ابن سینا سخن خواهیم گفت اشاره می‌کنیم.

توجه و عنایت مخصوصی داشتند .*

حسن بن موسی نوبختی از فیلسوفان برجسته اسلام است و او را باید یکی از ارکان ترقی فکری و علمی آن عصر دانست . نام او نامی است درخشان در میان نامهای بزرگان و متفکران که تاریخ از آنها یاد کرده است . آنهاست که در خدمت به علم و تعمیم و توسعه آن کوششها کردند . این دانشمند متجاوز از ۴۰ جلد تالیف از خود بجای گذاشته و شامل غالب علوم است که در عصر او رواج داشته است .

ابوالعباس سرخسی

سرخسی که بنام های احمد بن طیب و نیز " ابن الفرائقی " نیز معروف است از فلاسفه اسلام در قرن سوم هجری است . معلومات و اطلاعات و فرهنگ عمومی او بسیار متنوع بود زیرا او به فلسفه و ریاضیات و نجوم و طب و موسیقی و منطق و همچنین به شیمی و جغرافیا و تاریخ و حدیث و ادب و علوم شریعت میپرداخت . وی صاحب تالیفات گرانبهای در موسیقی و منطق و علوم دیگر است که با عباراتی شیرین و در کمال اختصار نوشته شده است . وی همزمان با معتضد ، خلیفه عباسی و از معلمان او بوده است . در روز پنجم جمادی الاول سال ۲۸۳ بدستور معتضد دستگیر و در روز ۲۳ جمادی الاول همان سال او را یکصد تازیانه زده و به زندانهای زیرزمینی و سیاه جال سپردند .

هنگامی که معتضد بقصد فتح " آمد " و جنگ با احمد بن عیسی بن شیخ بیرون میروید ، جمعی از خوارج و گروهی از دیگر زندانیان از زندان گریختند . مونس مصل که رئیس پلیس و جانشین معتضد در اداره پایتخت بود آنها را مجدداً دستگیر کرد و زندان افکند که احمد بن طیب جز فراریان نبود . بعد ها که معتضد به غاسم وزیر دستور داد تا صورتی از نامهای اشخاصی را که باید کشته شوند تهیه کند و بحضور بیاورد تا از فکر آنها آسوده خاطر شود . غاسم صورتی تهیه کرد و با مضای خلیفه رساند و سپس نام احمد بن طیب را به آنها افزود و همگی کشته شدند و هنگامی که معتضد از قتل احمد آگاه شد اعتراضی نکسرد . -

از آثار او کتابی است در اعداد وجبر و مقابله، کتابی در موسیقی، و کتابهایی در ماعیت خواب و رؤیا، مبحثی در باره قابلیت تقسیم جزء تا بینهایت و کتاب برجسته‌ای تحت عنوان "کتاب فی القوانین العامه الاولی فی الصناعات الدیالقیه" - دیالکتی - یعنی قوانین جدلی بنا بر مذهب ارسطو و کتابهای دیگری در این زمینه.

شیخ رئیس ابن سینا

یکی از درخشانترین شخصیت‌های تاریخ علم و فکر و طب و از بزرگترین فلاسفه اسلامی است. نام وی همزمان با ترجمه آثارش به زبانهای لاتین و غیر آن از حدود کشورهای اسلامی بخارج رفت و مداخل فلسفی و طبی تاهمین نزد یکیها بنظرات او تکیه میکردند. در شماره گذشته مکتب مبارز دیدیم که کتاب "قانون" او در طب تا قرن ۱۷ مرجع دانشجویان طب در اروپا بود. آنچه در این جا لازم بتذکر است این است که آراء ابن سینا در فلسفه بر متفکران و فلاسفه پس از او سیطره و غلبه داشت و ریشه‌های آن تا "توماس آکوئیناس" که فلسفه اش از ثمرات و نتایج تعالیم ابن سینا بود کشیده شد. در اطراف آثار و آراء او مطالعات و بحث‌های بسیار شده است و مکتب فکری او بر افکار فلاسفه پس از او از قبیل خواجه نصیر طوسی و دیگران تاثیر فراوانی داشته است و تا با امروز هم آثار آن در افکار متاخرین، خود نمائی می‌کند. ابن سینا در حالی که یک فیلسوف و دارای مکتبی مخصوص بود و آرا و نظرات خاصی در فلسفه داشت طبیی ماهر نیز بود که به کشف مطالبی مهم در علم طب نایل آمده بود، در عین حال از دانشمندان بزرگ منطق بشمار می‌آید که پرده از آراء منطقی ارسطو برداشت. بعلاوه در ریاضیات و علوم طبیعی مؤلفات گرانقدری از او بجای مانده است. ابن سینا هر چند دارای جنبه‌های علمی گوناگون و نیز دارای شخصیت اجتماعی و سیاسی نیز بود - در دوران سامانیان وزیر شد و رئیس لقب گرفت - ولی جنبه فلسفی و طبی او در نظر بیشتر خوانندگان آثارش بارزترین جنبه‌های علمی او محسوب میگردد. ابن سینا در دورانی پر آشوب و پراز حوادث و اتفاقات سیاسی می‌زیست و طبیعا

اکثر اوقات او از این نظر متفرق شده بود ولی با وجود این در هر فرصتی که بدست می‌آورد آثار گرانبهایی از خود بجای می‌گذاشت تا جائیکه توانست در حدود ۱۸۰ کتاب و رساله تالیف کند و هیچ موضوعی از موضوعات فلسفه از نظرش دور نماند بلکه در آن موضوع قلمفرسایی کرد .

شیخ رئیس درقریه‌ای از دهات بخارا بنام "افشنه" بدنیامد . تاریخ تولد این روستازاده دانشمند را بسال ۳۷۰ هجری و سال وفات او را در سال ۴۲۸ هجری در سن ۵۷ سالگی ذکر کرده‌اند .

این سیناد برابر هیچ یک از امیران خضوع نمی‌کرد و همین امر سبب شد که زمانی از عمرش را در رزند آن گذراند . بدنیست در این جا بد کرسی از زندگانی او بپردازیم آنطور که خودش بر شاگرد خود "جوزجانی" املاء کرده است :

- " پدرم از اهل بلخ بود و متولی امور قریه‌ای از دهکده‌های بخارا "
- " شد که نامش خدمتین بود . این دهکده از دهکده‌های مهم بخارا "
- " و نزد یک قریه افشنه بود من در اینجا بدنیامدم و آنگاه "
- " برادرم متولد شد . سپس به بخارا منتقل شدیم . پدرم معلمی برای "
- " تدريس قرآن و ادبیات برایم برگزید . ده ساله بودم که قرآن و بسیاری "
- " از ادبیات را چنان فرا گرفتم که مورد اعجاب دیگران قرار گرفته بودم . "
- " پدرم مرا نزد مردی بنام " محمود مساح " می‌فرستاد که حیوانات "
- " می‌فروخت و به حساب و هندسه و جبر و مقابله آشنا بود ، تا من این علوم "
- " را از او فراگیرم . من در آن وقت مشغول تحصیل فقه بودم و "
- " و چون ۱۲ ساله شدم فتوی میدادم در این خلال " ابو عبد اله "
- " نائلی " به بخارا آمد ، پدرم او را بخانه‌اش آورد باین امید که "
- " من در نزد او درس بخوانم . . . هر مسئله‌ای را که بمن می‌گفت ، من "
- " بهتر از او آنرا تشریح میکردم و بالاخره ظاهر منظر را نزد او خواندم ، "
- " چه از فایده علمی منطق آگاهی نداشتم . از آن پس شخصاً بیه "
- " مطالعه کتب پرداختم و شرحی را مورد بررسی قرار دادم تا آنکه علم "
- " منطق را خوب فرا گرفتم ، همچنین کتاب " اقلیدس " را پس "
- " بمطالعه " مجسطی " آغاز کردم و چون از مقدمات آن فارغ شدم و "

"باشکال هندسی رسیدم" نائلی " بمن گفت خودت بخوان و خودت"
"هم آنها را حل کن و نتیجه کار خود را بمن نشان بده تا اگر اشتباهی"
"در آن باشد تو را بر آن آگاه سازم، با آنکه او خود این کتاب را نمی فهمید"
"پس شروع بحل مشکلات آن کتاب کردم و چه بسا از اشکال هندسی را"
"که" نائلی " اصلاً آنها را نمی دانست تا وقتی که من آنها را با او فهماندم"
"در این موقع بود که نائلی از من جدا شد"

" پس شروع بخواندن و مطالعه متنون و شروع کتب علوم"
"طبیعی و الهی کردم و رفته رفته درهای علوم به روی من باز میشد . . ."
" پس از آن بعلم طب رغبت نمودم و کتابهایی را که در این"
"علم تصنیف شده بود مورد مطالعه قرار دادم پس مشغول"
"معالجه بیماران شدم و درهای این علم و طرق معالجه، از راه تجربه،"
"چنان بر من گنوده شد که قابل توصیف نیست و "قانون"
"را در سن شانزده سالگی تصنیف کردم (۱)"

همانطور که گفتیم این سیناد ارای مکتب فلسفی بود و می گفت " آنچه بسر
کتابهای قدما شرح نوشته اند ما را بس است و حالا وقت آن است که ما خود فلسفه
خاصی برای خود بوجود آوریم (۲)

از مطالعه احوال او چنین درمی یابیم که برخی از مؤلفات خود را در زندان
نوشت و بسیاری از کتابهای خود را در سنین جوانی و پیش از بیست سالگی برشته
تحریر در آورد . از جمله کتابهای فلسفی او عبارتند از : "کتاب شفا" در ۲۸ مجلد
که شامل فصلهایی در منطق و طبیعت و مابعد الطبیعه و الهیات و ریاضیات است .
این کتاب توسط "حنس" اسپانیائی و "کند یستانفیتس" به لاتین ترجمه شده
است . کتاب "نجاه" که خلاصه کتاب "شفا" است که خود وی آنرا تنظیم
کرده است . این کتاب توسط "کارام" به لاتین ترجمه شده است . این دو
کتاب از مؤلفات مشهور او است که مشتمل بر آراء، جدید در کلیه معارف و علوم است .

(۱) - این کتاب بزرگترین د اثره المعارف طب بوده که شامل ۱۶ جلد است
و تا همین اواخر مرجع دانش پژوهان در شرق و غرب بود .

(۲) - از کتاب "فلسفه شیعه" ص ۲۸۷ بنقل از تاریخ فلسفه در اسلام
صفحات ۱۵۰ - ۱۵۱ .

بهترین تالیف اودر فلسفه کتاب "اشارات" است که مورد توجه عموم دانشمندان از جمله خواجه نصیر طوسی و امام فخر رازی قرار گرفته است و شروح و حواشی زیادی بر آن نوشته اند. و نیز کتاب "الحاصل والمحصل" که در فلسفه است و مشتمل بر ۲۰ جلد میباشد.

برخی از تالیفات او به لاتین و دیگر زبانهای از قبیل انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و روسی نیز ترجمه شده است و مدتها نیز مرجع و دانشگاه و دانشکده های غرب بود و طالبان فلسفه و طب به آنها مراجعه میکردند. این سینه از زیستازان و رهبران فلسفه مشائی است.

مشائیان بدلیل آنکه در یونان قدیم مدرسه های سیار داشتند و جلسات خود را در نقاط گوناگون و در راه ادامه میدادند باین نام - راه روندگان - نامیده شدند در فلسفه اسلامی در کنار فلسفه مشائیان، فلسفه و مکتب "اشراقیان" نیز پدید میشود که بیشتر از روش فلسفی آنان "اشراق" سرچشمه میگردد. روش مشائیین، روشی است که بیشتر بر اساس استدلال تکیه می کند و با منطق ارسطو سروکار دارد و جزاین دو امر باوری ندارد و همانطور که گفتیم در بین فلاسفه اسلامی این سینه بارزترین چهره های این مکتب است. در مقابل آن اشراقیین هستند که به الهام روحی و رؤیت کشفی و ادراکات روشن بینانه حالات و تجلی آنها تکیه می کنند. این گروه عقیده دارند که استدلال از نظر مقدمات و از نظر محتوی زائیده ادراک عقلی بشر است و در نتیجه محدود است و قابل اطمینان نمیشد. جلال الدین رومی در مثنوی خود می گوید: پای استدلالیان چوبین بود، پای چوبین سخت بی تمکین بود، اشراقیون می افزایند که روش و مشرب مانتهای از همکاری و وحدت "عقل" و "قلب" و اتحاد "بصر و بصیرت" است و در نتیجه اطمینان بخش و آرامش دهنده است. از بزرگان علمای اشراق شیخ شهاب الدین سهروردی رامیتوان نام برد.

این سینه در تفسیر ادراکات بشری یکه تازاست. او "عقل" را به چند نوع تقسیم می کند تا بتواند کلیه معضلات ادراکات کلی و جزئی بشر را حل سازد و درباره ادراک کلیات، کلامی جالب و ابتکاری بدیع می آورد: "انسانیکه ادراک کلیات را می کند، در اثربیک لیاقت و یک ریاضت، نفسی متعالی میباشد که بسا

"عقل فعال" و کانون حقایق جهانی و با افق واقعیت‌های "شامل جهانی" متحد شده و قابلیت پذیرش و درک آنها را پیدا می‌کند. او "نفس انسانی" را به کمپیکه کردن برافراشته تا از مکانی مرتفع حقایقی را درک کند تشبیه مینماید. ابن سینا همچنین در مسائل طبیعی، فلسفه را توسعه‌ای شگفت‌انگیز می‌بخشد و درباره افلاک نظریاتی را لیدیر دارد و تا آنجا بابتکارات فلسفی خود ادامه می‌دهد که احساس خطر می‌کند و در آخر کتاب "اشارات" از شاگردان خود می‌خواهد تا این مسائل را در اختیار هر کسی قرار ندهند. ابن سینا در پایان فلسفه خود سعی می‌کند که به علم اخلاقی نیز نرسد فلسفی بخشد و حتی ذوق فلسفه مثالی را در تصوف نیز داخل نماید. ابن سینا را میتوان مجسمه استدلال و آئینه تمام‌نمای منطق نام نهاد.

صدرالمتألهین شیرازی

صدرالدین محمد بن ابراهیم بن یحیی شیرازی معروف به "ملاصدرا" و "صدرالمتألهین" در شیراز متولد شده و در سال ۱۰۵۰ در بصره در حالیکه عازم سفر حج بود وفات یافت. ملاصدرا از برجسته‌ترین، و بقول بزرگترین فیلسوف اسلامی است که در قرن یازدهم هجری میزیسته است. اهمیت نظرات ملاصدرا در زمان حیاتش کم‌کم ماند و حتی مورد بیمهری و طعن قرار گرفت ولی پس از مرگش حیات او آغاز شد و شیفتگان به فلسفه به آثار او روی آوردند و در نزد اساتید فلسفه به فراگرفتن تألیفات او پرداختند. مکتب فلسفی او و نیز آثارش در بین مکتبها و تألیفات فلسفی، جلوه و بروز خاصی یافته است.

دیدیم که مکتب اشراقیون و افکار و فلسفه مشائیین در روشن‌رادی فلسفه اسلامی تشکیل می‌دهند. صدرالدین شیرازی در کتاب "اسفار" از این مبارزه داخلی نجات یافت و به روشی که "حکمت متعالیه" نامیده شد، تکامل همه‌جانبه فلسفه خود را شروع نمود. این روش در جنبه در عمه آثار او و چشم می‌خورد. او نخست به ریاضت میرد اخت و در مسائل مربوطه تامل و در حالات خاصی تفکر مینمود. حالاتی که به اعتسکاف و تجرد بیشتر سببه بود. سپس به کلمات گشتگان و خلاصه‌گیری آراء فلاسفه میرد اخت و آنگاه در لائلی برای مدعای

• و زمان را نمیتوانیم خارج از حقیقت و واقعیت امور مادی و طبیعی بدانیم (۱) .
به تعبیر ملاصدرا یکی از مشخصات هر موجود مادی همان زمانی است که در
آن زمان بوجود آمده و تغییرات پدید آمده و به تعبیر انشمنده ان امروز هر
چیز برادر چهار بعد مختص میتوان نشان داد طول عرض عمق و زمان -
بنابراین اگر در موجودی اثبات شد که تغییرندارد ضمناً معلوم میشود که زمانی
و مادی نیست .

باز از افکار فلسفی او است که " روح ، خود عالیترین محصول ماده است یعنی
مولود یک سلسله ترقی و تکاملی ذاتی طبیعت است و طبق نظریه اوهیچگونگی
دیواری بین عالم طبیعت و ماورا الطبیعه وجود ندارد " . (۲)
و نیز معتقد بود که " قوه خیال بلکه همه قوای باطنه از ماده مجرد هستند و تجرد
آنها را نیز از راه عدم تطبیق خواص آنها با خواص عمومی ماده باثبات رسانید " . (۳)
قدرت افکار ملاصدرا ، مخصوصاً در مبحث وجود نفس آنچنان بود که بعد از او اکثر
متفکران ایران پیرو اصول فلسفه او شدند .

* * * * *

در این مقاله فرصت آن نیست که به تشریح نظریات فلاسفه و حتی بیان
زندگی پیراثر آنان و تاثیر افکار آنان بر فلسفه جدید بپردازیم چه این کار همانطور
که در اول این مقال گفتیم نیازمند یک تحقیق عمیق در " سیر فلسفه در ایران " .
میباشد . بدون اغراق باید اذعان داشت که مکتب بزرگ فلسفی در ایران از
فارابی آغاز شده و بدست شیخ الرئیس (بوعلی سینا) به اولین مرحله کمال خود
رسید و سپس با شیخ اشراق ، قدم به عالم ذوق نهاد و با صدراالدین شیرازی ،
معروف به ملاصدرا به تلفیق بین شرع و استدلال و عرفان برآمده است و به
دست استادان بزرگ در دوران اخیر نظیر ملاعلی نوری و حاجی ملاهادی سبزواری
تا عصر حاضر استمرار داشته و یکی از درخشانترین خدمات ایرانیان به تمدن
اسلامی و فرهنگ جهانی است " . (۴)

(۱) - اصول فلسفه و روش رئالیسم - علامه طباطبائی . ص ۸۴ پاورقی مرتضی مطهری

(۲) - اصول فلسفه و روش رئالیسم - ص ۶۰ پاورقی مرتضی مطهری

(۳) - همان مدرک ص ۵۶

(۴) - معارف اسلامی در جهان معاصر ص ۵۴

جنبه های دیگر

خدمات ایرانیان به اسلام و تدوین فرهنگ و تمدن اسلامی به بحث و گسترش علمی که صرف به اسلام اختصاص دادند و مبین نظام و قوانین و معرفی آن هستند، ختم نمیگردد، بلکه این دانشمندان در جنبه های دیگر علوم نیز به مجاهدتها و تلاشهایی همت گماشتند که در برخی موارد برای اولین بار صورت میگرفت و در دیگر موارد سهم عظیمی در تکمیل و گسترش آن داشتند. در شماره گذشته آنجا که درباره تمدن و فرهنگ اسلامی سخن گفتیم در ضمن آن اشاره ای به پاره ای از این خدمات نمودیم و ذکر مشروح تدریس و مجد در آنها در این رابطه عریضه بجاست ولی موجب اطاله مطلب خواهد شد لذا خواننده عزیز را مجدداً مطالب گذشته ارجاع میدهیم و در این جا فقط بذکر چند نکته و یکی در نمونه اکتفای کنیم. ذکر این مطلب برای دریافت علل تلاش علمی ایرانیان بعد از قبول اسلام ضروری است که علم و روح کاوش و تحقیق، هیچگاه در خلا پدید نمی آید، بلکه همواره رابطه عمیقی با فرهنگ و تمدن آن دارد که در آغوش آن، علم بوجود آمده و نشوونما میکند. این امر خصوصاً در مورد تمدن نهائی صدق می کند که سوابق و ریشه های تاریخی دارد و تاریخ علم فصلی از حیات تاریخی آنها را تشکیل میدهد. ایران همیشه یکی از مراکز تمدن اسلامی و شاید پرهیجان ترین آنها بوده و در طی هفت قرن، صحنه مهمترین فعالیت های علمی جهان به شمار بوده، که همان عصر علوم اسلامی است. علم و تحقیق و کاوش و پژوهش علمی و استدلالی بطور عمیق در تاریخ و معارف اسلامی و ایرانی تنیده است و امروزه نیز بحث درباره علم و تحقیق، که تا این حد مورد توجه همگان است بدون بررسی دقیق عوامل عمیق تر فرهنگی و تاریخی امکان پذیر نیست و فعالیت علمی و تحقیقی نمیتواند بلکسی از مسائل معارف اسلامی و ایرانی و ارزشهای دینی این تمدن، جداگانه محسوب شود. عوامل فرهنگی بمعنای کلی آن، مانند افکار فلسفی و دینی و اجتماعی، چه در گذشته و چه در زمان حاضر، سازنده دید افراد ایرانی درباره جهان و هدف حیات انسانی و اهمیت علم و توجه یا عدم توجه به پژوهش و تحقیق بوده و میباشد. عوامل اقتصادی و اجتماعی که زندگی روزانه افراد را تحت تاثیر قرار می دهد نیز در

توسعه و یارکود فعالیت‌های علمی دارای اهمیت فراوان است. (۱)
در شماره گذشته به تفصیل در این مورد سخن گفتیم که جهان بینی اسلام مقام
و منزلتی بی مانند برای تحقیق و علم قائل شده است و این امر از مهمترین عوامل
بوده است که ایرانی را یک مرتبه به آن همه تلاش و مجاهدت ترغیب نموده است
و امروز هر چند آثار فرهنگ غربی و ارزشهای غربی را در جوامع اسلامی بیشتر
مشاهده می‌کنیم اثرات علمی و شوق و ذوق علمی و تحقیق را کمتر می‌یابیم. فرهنگ
استعماری شاخ و دم ندارد و اصولاً " فرهنگ " نیست بلکه " بی فرهنگی " است
و لازمه " بی فرهنگی " هم گسستگی و نداشتن مبانی فکری و عقیدتی و فقدان عوامل
مساعده رشد و ترقی است. فعالیت‌های بسته و گریخته - هر چند ظاهر آ -
علمی اگر مبتنی بر هدف و یک نظام خاص و هماهنگ با سایر جنبه‌های نیازمند یهای
مادی و معنوی جامعه نباشد، ارزش علمی " که ندارد هیچ، اثری هم نخواهد
داشت. طالب علم اگر محیط آزاد اندیشه و تضمین شرایط آزاد برای تفکر و تحقیق
راند داشته باشد و نداند که برای چه می‌اندیشد و هدفش چیست، فحراً خلایقیت
نخواهد داشت و لذت‌مند و فرهنگ و منشا، اثرات علمی و اجتماعی نخواهد شد.
و درست در همین خط است که باید این ریشه‌ها، هدف‌ها، ارزش‌ها و شرایط
آزاد برای تفکر علمی که در ذات جهان بینی اسلامی است از بین برود تا
جامعه‌های اسلامی " بی فرهنگ " و در نتیجه بی حرکت گردند و بتوانند
راحت الحلقوم " فرهنگ " یان غربی (بمعنی اعم آن) گردند. و از آنجا
که ریشه‌های این امر در تاریخ و این مردم تنیده است و بسادگی قابل تعویض
نیست، باید این بی فرهنگی از طریق " انقلاب " صورت گیرد و همانطور که در اول
این مقاله گفتیم بهترین طریق برای مبارزه با فرهنگ و رشد را در " انقلاب آموزشی "
دیدند، و تغییر سیستم آموزشی. البته ما بهیچوجه با سیستم آموزشی که
قبلاً مثلاً در ایران بود توافقی نداشتیم، کما اینکه سیستم فعلی راهم بی اثر
میدانیم، زیرا امری که تقلیدی باشد و بانهایت دستپاچگی و بدون در نظر
گرفتن شرایط جامعه و امکانات افراد و خواسته‌ها و مصالح توده نخواهد اجرا
گرد، منشائی جز فرمایشی بودن و هدفی جز " بی فرهنگی " نمیتواند داشته

باشد . " طرز تفکر انتزاعی که لازمه علوم امروزی است در ایران قوی است . در دوره قبل از اسلام تفکر ایرانی بیشتر مانند ادیان بزرگ مشرق زمین خود را بصورت رمزی و انضمامی جلوه میداد . لکن بعد از ظهور اسلام که دینی "انتزاعی" است یعنی حقایق خود را به زبان مفاهیم انتزاعی بیان می کند ، گویانی سر وی تفکر انتزاعی ایرانیان آزاد شد و علت فعالیت عجیب آنان در چند قرن اول اسلامی در علوم انتزاعی نیز تا حدی از همین امر سرچشمه گرفت . با داشتن مکتبهای ثوی منطقی ، و شاید بتوان گفت کامل ترین فلسفه و حکمت الهی که تاکنون تدوین شده است ، ایرانیان وارث تفکر انتزاعی و منطقی که لازمه تفکر علمی است هستند و احتیاجی به آموختن طرز تفکر جدیدی جهت احیای فعالیتهای علمی ندارند .

همچنین ایرانیان دارای زبانی قوی و کامل هستند (زبان ایرانی يك زبان اسلامی است) (۱) که لیاقت و قدرت بیان مطالب علمی را دارد . . . البته " پاك " کردن زبان فارسی از کلمات عربی بسیار زیان آور است و قدرت زبان فارسی را در رشته های علمی و فلسفی فوق العاده تضعیف می کند ، همانطور که نمیتوان به زبان انگلیسی اگر قرار شود از کماتنی که دارای ریشه لاتینی هستند استفاده نمود ، مطالب علمی را بیان کرد . همچنین تدریس به زبانهای خارجی در کوردکستان و مدارس ابتدائی ایرانی (از برنامه های انقلاب آموزشی) ، لطمه بزرگی به زبان فارسی و نیز فعالیت علمی میزند . چون ایرانی فقط آن لحظه میتواند دارای فعالیت علمی باشد که به زبان فارسی تفکر علمی کند . اگر قرار شود فقط راجع به آب و نان به فارسی تکلم کند ، هیچگاه يك سنت اصیل علمی در ایران بوجود نخواهد آمد . در دوران قدیمتر که ایرانیان به عربی مینوشتند ، اولاً عربی زبان علمی تمدن اسلامی ، یعنی تمدن خمود ایرانیان بود ، ثانیاً اکثر شرح و نقد و تدریس و تفسیر کتب به فارسی انجام میشد و کاملاً بانوشتن به انگلیسی یا فرانسوی که زبان فرهنگ تمدنی دیگر است فرق داشت . (۲) بگذریم و به اصل مطلب بازگردیم .

بحث در مورد تلاش ایرانیان در زمینه های علمی بود که در اینجا فقط

(۱) - مرتضی مطهری - خدمات متقابل اسلام و ایران

(۲) - معارف اسلامی ص ۱۶۲

خویش اقامه میکرد تا آنجائیکه میتوان گفت او درباره " ادراک " مسائل فلسفی روش الهامی اتخاذ میکرد .

صدرالدین شیرازی در سلسلهٔ فلاسفهٔ جهان وبخصوص در بین فلاسفه اسلام مقامی شامخ دارد . تا آنجا که میتوان فلسفهٔ اسلامی را با صدرالدین شیرازی، فلسفه‌ای تکامل یافته محسوب داشت .

ملاصدرا روشی بی نهایت جالب و دقیق برای کلیه ادراکات نفسانی - حسی و عقلی - دارد و باین ترتیب رابطهٔ جسم و روح و مسئله " معاد " را بصورتی علمی و قابل توجه تبدیل کرده است . فلسفهٔ ملاصدرا اصولاً بیک " علم " شباهت یافته و این خود بسیار نکتهٔ عمیق و درخور تأملی است که مرزهای فلسفهٔ او و ابهام و تکرار آن از یکسویه الهام و اشراق میرسد و از سوی دیگر با علم در آمیخته است .

ملاصدرا پس از وفات پدر به اصفهان رفت و نزد شیخ بهاء الدین عاملی به تکمیل دانش خود پرداخت . سپس از مرگ استاد ، نزد فیلسوف زمان " میرداماد " رفت و به تکمیل معلومات خود مشغول شد . دربارهٔ استاد خود میرداماد که بشدت تحت تاثیر افکار او قرار داشت می گوید : " او سرور و تکیه گاه من و یشتوانه من در علوم دینی و علوم الهی و معارف حقیقی و اصول یقینی بوده است . " صدرالمآلهین شاگردان مبرزی در رشته‌های فکری و فلسفی داشت که پیشوایان نهضت فلسفی در عصر خود بودند . از مشهورترین آنها و داماد دانشمند او ملا محسن فیض کاشانی و دیگری عبد الززاق لاهیجی میباشند . وی در عرصهٔ گرفتاریها و رزوا یای تاریخ محرومیت هامی زیسته است . در اثر فتنارهایی که محیط علمی آنروز بر او وارد کردند ناچار شد که ۱۵ سال از عمر خود را در کوهستانهای دوردست اطراف شهر قم بگذراند . (۱)

از افکار و نظریات بارز و برجسته او نظریهٔ او در مورد " وحدت وجود " است و نیز نظریهٔ او تحت عنوان " حرکت جوهری " است که در آن مورد رساله‌های بنام " رساله فی الحركة الجوهریه " نوشته است . ملاصدرا توانست برای اولین بار با بیان دقیق فلسفی اثبات کند که " زمان " و " تغییر " همدون یکدیگرند و این دو از جوهر امور مادی طبیعی انتزاع میشوند و واقعیت مادی غیر متغییر یا غیر زمانی و یا متغییر و غیر زمانی و یا زمانی و غیر متغییر تصورند ارد و بالاخره تغییر (حرکت)

(۱) - فلاسفهٔ شیعه عبد اله نعمه ترجمه سید جعفر غضبان

به ریاضیات و نجوم میبرد ازیم. در دیگر زمینه‌های علمی نیز دانشمندان ایرانی حائز مقام‌های ارجمندی در تاریخ علم هستند، از قبیل پزشکی، فیزیک، شیمی (به شماره‌گذاری شده مراجعه کنید)، جغرافی، تاریخ، گیاه‌شناسی و غیره که اجمالاً در شماره‌گذاری شده در لابلای مطالب مربوط به تمدن اسلامی از آن پیاد کردیم .

نتایج تحقیقات چند سال اخیر نکات بسیاری را دربارهٔ تحولات خاصی که در نجوم اسلامی به وقوع پیوسته و فصول جدیدی که این مکتب بر علم نجوم افزود، آشکار کرده است. این نکات که ذیلاً بدانها اشاره میشود، در چند زمینه مختلف، نتایج مخصوصاً درخشانی عرضه داشته است. (۱)

۱- روشهای جدید محاسبه و تکمیل روشهای حساب و هندسه و مثلثات:

در این رشته ستاره‌شناسان گذشته از تکمیل مثلثات و هندسه کروی و بالاخره جدا ساختن مثلثات از نجوم که بدست خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب معروف " شکل القطع " برای بار اول در تاریخ ریاضیات انجام پذیرفت، به تدوین روشهای جدید محاسبه پرداختند. کشف کسور اعشاری و روشهای تقریب که بدست غیاث‌الدین جمشید کاشانی و دیگران انجام یافت نهایت اهمیت را در تاریخ ریاضیات دارد. یکی از مهم‌ترین کشفیات ریاضیات اسلامی، همان طریقی که کاربردن و محاسبه اعداد زیاد در زیجهای نجومی با حد اقل اشتباه است. مسأله محاسبه در این موارد، فقط گرد آوردن چند ریاضی دان و تقسیم بندی اعمال محاسبه نبوده است، بلکه تقسیم کردن وظائف محاسبه و بررسی امکانات اشتباه است به نحوی که اشتباه به حد اقل برسد. وقت نظری که در این امر اعمال شده است و نتایج دقیقی که در این زیجات مخصوصاً " زیج خاقانی " و " الغ بیک " دیده میشود حاکی از آشنائی بی‌همتائی با علم اعداد است که برخی از قواعد دقیق آن را ریاضی دانهای اروپائی فقط در ۲ قرن اخیر کشف کردند. (۲)

۲- مسلمین آلات نجومی فراوانی ساختند و مسأله ترصد رابه این طریق بصورت جدیدی درآوردند. ساختن " ذات الحلق " و بسیاری دیگر

(۱) - معارف اسلامی

(۲) - معارف اسلامی ص ۱۰۶

از آلتی که در رصدخانه های اروپا در دوره جدید دیده می شود اختراع منجمین اسلامی است خصوصاً غیاث الدین جمشید کاشانی که حتی ماشینهای محاسبه جهت تنظیم زیجات ساخت که آثار او از این جهت مورد مطالعه دقیق قرار گرفته است . (۱)

۳ - از مهمترین نتایج نجوم اسلامی ، ترصد جدید ستارگان بود . چه نجوم اسلامی بامشاهدۀ دقیق آسمانها سروکار داشته است . در باب یونان (قبل از اسلام) پیش از چند ترصد دقیق انجام نگرفت ، در حالیکه در دوره اسلامی ترصد های دقیق جدید بدست اشخاصی مانند بتانی (که جدول معروف اوراد رشماره گذشته یاد آور شدیم) و فرغانی و عبد الرحمن صوفی و خواجه نصیر و شاکر دانش در مراغه و غیاث الدین جمشید و قاضی زاده در سمرقند ، بنسب مشاهده و ترصد نوینی را که پایه نظریات ریاضیات نجومی است فراهم ساخت . هرگاه صحبت از این نجوم پیش می آید باید به مشاهدات دقیقی که هم در حرکت سیارات و هم در تدوین نقشه کواکب ثابته و کشف چندین ستاره جدید انجام گرفت توجه کرد .

۴ - آنچه اخیراً کشف شده است و از لحاظ تاریخ نجوم اهمیت فوق - الوصفی دارد ، پیشنهاد یک دستگاه نوین نجومی است که اولین بار بدست قطب الدین شیرازی و ابن شاطر تکمیل یافت . (۲) مورخین علوم آناهنسنه که علاوه بر پیشنهاد مرکزیت خورشید در منظومه شمسی که امری تازه نبود و راز لحاظ محاسبات ، اهمیت نجومی نداشت ، مهمترین اثر کپرنیک ، پیشنهاد دستگاه جدیدی در محاسبه حرکت قمر و عطارد بود . چند سال پیش کسندی و شاکر - دانش اصل این دستگاه را در مورد قمر در یکی از آثار ابن شاطر کشف کردند . تحقیقات بعدی نشان داده است که قطب الدین شیرازی در کتاب " نهاییه الادرک " حرکت عطارد را بر همین دستگاه محاسبه مبتنی کرده است و می گوید که اصل او را استاد او ، خواجه نصیر طوسی ، پیشنهاد کرد و شاکر آن خود را تشویق کرد تا طبق این دستگاه جدید حرکت کواکب را محاسبه کند . (۳) اهمیت نظریه خواجه نصیر در این است که اولاً تمهید دستگاه ریاضی است که در نجوم

(۱) و (۲) - معارف اسلامی

(۳) - معارف اسلامی صفحه ۱۰۸

قدیم در مقابل دستگاه بطلمیوسی پیشتهاد شد، ثانیاً همین دستگاه است که زمینه محاسبات کپرنیک و کالیله و سایر منجمین اروپائی را تا کیلر تشکیل می دهد. گرچه هنوز طریق انتقال این فکراز خواجه نصیر و مکتب مراغه به کپرنیک روشن نیست احتمال اینکه دستگاه کپرنیک از افکار خواجه سرچشمه گرفته است زیاد است چون ارقام و اشکال مربوط به حرکت قمر و عطارد، همان ارقام و اشکالی است که در آثار قطب الدین و ابن شاطر دیده میشود. اولین رصدخانه های بزرگ اروپا در دانمارک و آلمان و انگلستان، کاملاً بر نمونه رصدخانه های سمرقند و اسلامبول ساخته شده بود تا حدی که آلات نجومی این رصدخانه ها، از نظر شکل، عیناً همان آلات نجومی اسلامی است. رصدخانه هایی که تیکوسراجفه و کیلر در آنها ترصد میکرد هاند، ادامه مستقیم و پیوسته رصدخانه های اسلامی بوده است. در واقع رصدخانه به عنوان یک مرکز تحقیقات علمی و ترصد نجومی، که در آن عده های دانشمند دستجمعی به تحقیق میپردازند، یکی از اساسی ترین موسسات علمی است که تمدن اسلامی و بطور عمده مسلمانان ایرانی برای بار اول بوجود آوردند و آنرا بصورت تکمیل یافته به تمدن اروپائی انتقال دادند. آقای پینگری علائمی بدست آورده است که برخی از آثار مکتب مراغه و مخصوصاً افکار خواجه نصیر طوسی درباره دستگاههای جدید نجومی، توسط دانشمندان بیزانس به یونانی ترجمه شده بوده است و همین عامل در سترس کپرنیک بسوده است. (۱)

"کتاب الشكل القطاع" که از اثرات خواجه نصیر طوسی است (۲) در نوع خود بی نظیر است. غربیان این کتاب را بلاتین و فرانسه و انگلیسی ترجمه کرده و در قرنهای متعدد مدرک و مرجع علمای اروپا بود که معلومات خود را در مورد مثلثات مستوی و کروی (مثلثات کروی در نجوم و مستوی در سطح و سطوح یکبار میروند) از آنان میگرفتند. این کتاب مشتمل بره مقاله و هر یک متضمن چند شکل و چند فصل است. مقاله اول مشتمل بر نسبتهای تألیفی و احکام آن است و ۱۴ شکل دارد و مقاله دوم در شکل قطاع سطحی و نسبتهای موجود در آن است. این مقاله در ۱۱ فصل است. مقاله سوم در مقدمات قطاع کروی است که بدون

(۱) - معارف اسلامی - پاورقی ص ۱۱۰

(۲) - در کتاب فلاسفه شیعه نام ۶۷ اثر از خواجه نصیر با توضیحاتی در مورد هر کدام آمده است - ص ۲۲۵

آن نمیتوان از اشکال استفاده نمود و این مقاله مشتمل بر سه فصل است . مقاله چهارم در بیان قطاع کروی و نسبت های واقع بر آن و شامل ۵ فصل است . مقاله پنجم در بیان اصول و قواعدی است که جانشین شکل قطاع در شناختن دایره های بزرگ است و این مقاله شامل هفت فصل میباشد . برخی از فصول این کتاب مشتمل بر برهانهای ابتکاری خود خواهد است که در موارد متنوع عنوان نموده است .
"خواجه نصیرالدین نخستین کسی است که حالات شش گانه مثلثات کروی قائم الزامیه را بکاربرد و آنرا در این کتاب خود آورده است . هر کس این کتاب را مطالعه کند متوجه میشود که مطالب مزبور در جدید ترین کتابهایی که در باب مثلثات تألیف شده موجود است " . (۱)
سینوس و کسینوس مثلثات همان جیب و زنی جیب است که برای اولین بار توسط دانشمندان ایرانی بصورت يك علم مستقل ریاضی درآمد .

احمد بن محمد سیستانی (متوفی بسال ۴۵۰ - هجری) ، احمد بن طیب سرخسی (در سال ۲۸۶ هجری شهید شد) ، ابو محمد همدانی (سال ۳۳۴ هجری) ، غیاث الدین منصور شیرازی (متوفی بسال ۹۴۰ هجری) ، حکیم مهدی نراقی (متوفی بسال ۱۲۰۹) ، محمد باقر زین العابدین یزدی ، محمد حسین مرعشی شهرستانی (متوفی بسال ۱۳۱۵) ، غیاث الدین کاشانی (متوفی بسال ۸۳۲ هجری) و بها الدین عاملی (۱۰۳۱ هجری) از بزرگترین دانشمندان اسلامی هستند که در ریاضیات و نجوم تخصص داشته اند و صاحب آثار ارزنده ای در این زمینه هستند (۲) که از ذکر آنها در می گذریم .
در پایان این مبحث یکمرتبه دیگر توجه خواننده را باین نکته جلب می کنیم که علم و روح کاوش و تحقیق هیچگاه در خلا پدید نیامده و نخواهد آمد . همانطور که نشان دادیم (در شماره ۱۳ و ۱۴ مکتب مبارز و مطالب همین شماره) افکار دینی و مرزعه مستعد و حاصلخیز تفکر اسلامی در ایران آن چنان شاعکاری از علم و تمدن بوجود آورد که ابعاد آن در همه زمینهای علمی و اخق های فکری گسترش یافت . متد تحقیق و مطالعه علوم ، آنطور که قرآن تعلیم می دهد و ماد شماره

(۱) - فلاسفه شیعه ص ۵۲۲

(۲) - رجوع کنید به مدرک سابق

گذشته به تفضیل بدان اشاره کردیم از یظرف، روشهای تعلیم و تربیت که هنوز هم اثرات آن در حوزه‌های علمی دینی ایران بچشم میخورد و باعث گسترش دید فکری و تعمق در مسائل و خضوع علمی میگردد و نیز ارزش و اعتبار فراوانی که اسلام به علم و عالم می‌دهد و آنرا عبادت می‌شمارد از طرف دیگر مهمترین عامل رشد و نمو فکر و فرهنگ و تمدن اسلامی بوده و هستند و اگر بخواهیم امروزه روزه بر رکود و جمود و اسارت جهل و ذلت بی فرهنگی حاکم بر نسل جوان خود فائق آئیم راهی جز بازگشت به فرهنگ عظیم و مردمی خود که همان فرهنگ غنی و حرکت آفرین اسلامی است نداریم. یعنی درست همان‌طوری که جد کردن وجد شدن از فرهنگ و فکر اسلامی باعث رکود و ایستایی بودن جامعه‌اشد، رها کردن و رها شدن از جمود و تحجر کنونی نیز جز از طریق باز یافتن عوامل رشد و نمو و حرکت در مسیر آزادی بخش فکر اسلامی - فرهنگ اسلامی - عملی نخواهد بود. شناخت این مسئله است که بزرگترین مسئولیت و وظیفه را بر دوش نسل دردمند و کسانیکه عشق مذہبی و احساس مذہبی را توأم با آگاهی کامل و همه جانبه عملی ساخته‌اند گذارده است. راهی است بس در شوار و پرنشیب و فراز، اما نتیجه بخش و رهایی ساز. راهی است که اگر پیموده نشود سلطه بی فرهنگی کنونی برای همیشه ویا لافل مدتی مدید امید حیات مستقل را در جوامع ماعوماً و جامعه ایران خصوصاً خواهد کشت و جامعه‌ای که حیات مستقل نداشته باشد، حرکت مستقل ندارد و لذت نباله رو و مقلد خواهد بود و طبیعی است که نباله روی و تقلید نیز ثمری جز بهره دہی و فرسودگی، و اماندگی و استعمارزدگی نخواهد داشت.

* * * * *

نتیجه:

از مطالب و شماره گذشته و نیز مطالب این شماره نتایج زیر بدست آمد:

در قسمت اول به این مطالب رسیدیم که:

— افسانه "احیای فرهنگ کهن" (— فرهنگ قبل از اسلام —) طرحی است ارتجاعی و هدف آن ایجاد زمینۀ هرچه مساعدتر برای استعمار بیشتر و استعمار فراوانتر است.

- اسلام يك ايدئولوژی همه جانبه وجامع الاطراف است واستقرارنظام اسلامی دريك جامعه، آهنگ رشد آن جامعه را تسريع وتضمين ميكند .
- هدف نظام اسلامی ايجاد جامعه‌ای است که در آن انسان شایسته عنوان " خلیفۃ اللہی " میباشد واز آن جامعه صفات خدا در تجلی خواهد بود .
- فتوحات اسلامی بمنظور کشورگشائی وایجاد امپراطوری نبوده ونیست بلکه هدف آن استقرار ارزش‌های انسانی وقطع دست عوامل سلطه گر خارجی وداخلی است .
- اسلام شمشیر کشید ولی نه به روی توده‌ها مظلوم بلکه به روی هیئت‌های حاکمه فاسد وجابر .
- اسلام نه تنها برایان تحمیل نشد ، بلکه توده بجان آمده ایرانی باستقبال اسلام رفت .
- فکر اسلامی ، مردم ستم دیده ایران را وارد میدان مبارزه تاریخ کرد .
- فکر اسلامی ، افکار عقاید وسنن وآداب منحط وقوانین غیر انسانی ایران سلطنتی را در گگون ساخت .
- دردوران ساسانی ورژیم‌های سلطنتی قبل از آن ، هرگونه فکرآزاد یخواهی در نطفه خفه میشد .
- ازواج استبداد دینی واستبداد حکومتی ، دردوران ساسانی بالانسرین جنایات را بوجود آورد .
- باوجود فشاری که اردشیر بابکان برایاستقرار آئین زردشت در ایران بعمل آورد ولی این آئین هرگز در ایران مستقر نشد .
- جنایات وفشار شاهان ساسانی وموبدان زردشتی بر بیروان سایر عقاید وادیان در تاریخ نظیرند ارد .
- دستگاہهای تبلیغاتی در ایران ساسانی دردست موبدان وعمال آنها بود .
- یزدگرد وقتی مکلف شد که تمام مسیحی‌ها را قتل عام کند واز این کار باکرد، به یزدگرد " بزه کار " - ائیم - شهرت یافت وچون انوشیروان دهها هزار فقیر محروم وبیچاره را بجرم گرایش به عقاید مزدک قتل عام کرد محادل " لقب گرفت .
- انتساب " انی ولدت فی زمن ملك العادل " (= من در زمان شاه عادل تولد

- یافتهام) به پیغمبر اسلام که در آن انوشیروان مدوح است، گفتاری است جعلی وبدون سند .
- ایران قبل از اسلام به " آسمانی نژاد بودن شاهان " اعتقاد داشت .
 - حق اعتراض به امرا ورهبان در ایران باستان کفر شمرده میشد .
 - زندگی امرا وارثیان وفرماندهان اسلامی، که در نهایت سادگی وبسی آلاچی بود عامل مهمی در جذب نیروهای رنجبروستمیده بود .
 - شعارهای اسلامی، شعارهای توخالی نبود بلکه مبین زندگی ورفتار حکمرانان مسلمان بود .
 - اصل " انتقاد از رهبران " در اسلام قدرت جاذبه فراوانی داشت و دارد .
 - فکر وروح ایرانی شیفته زندگی علی ورفتار اوبامردم شد .
 - در ایران باستان، آب وآتش و خاک مقدس بودند، لذا مثلا مرده رانه اجازه داشتند بشویند ونه دفن کنند ونه بسوزانند بلکه بر روی برج های بلندی قرار میدادند که طعمه حیوانات قرارگیرند .
 - در ایران باستان نظام طبقاتی بسیار پیچیده ومستحکمی وجود داشت .
 - حق مالکیت در ایران باستان فقط در اختیار ۷ خانواده بزرگ بود .
 - افراد یک طبقه هم حق تعویض شغل راند داشتند . زیرا شغل و حرفه هم متعلق به خانواده بود وارثی بود .
 - کفشگزاره حق تحصیل نداشت (بنقل از شاهنامه فردوسی) .
 - سفارش اسلام به علم و دانش و حتی فریضه شمرن آن، توده ایرانی را به هیجان آورد .
 - اصل مالکیت و خون، دوزیربنای حقوقی ایران باستان بود .
 - رعایا وزارعین به همراه زمین خرید و فروش میشدند .
 - باوضع یک سری قوانین در امر خانواده امتیاز طبقات محفوظ ماند بود و اختلاط خونها و آمیزش طبقات بایکدیگر غیرممکن .
 - داستان شورانگیز برخورد ایرانیان با اعراب مسلمان .
 - فرمانده مسلمین گفت : ما بخاطر تحقق چند اصل آمده ایم - پایان دادن به استثمار انسان از انسان و بندگی انسان از انسان و ایجاد بندگی خدا

- (- که عین آزادی است -) ، اصل تساوی و برابری انسانها .
 - فرمانده دیگر مسلمین گفت : این ثروت بیکران در دست شما از خون دل ۱۳۹ ملیون محروم ایرانی است و ما برای داد خواهی این ستم دیدگان آمده ایم .
 - سیاهترین دوره های تاریخ زندگی زن ، دوره ایران ساسانی است .
 - تعدد زوجات بطور نامحدود وجود داشت و قانون بین زنان نامحدود يك مرد ، اختلاف سخت در حقوق ایجاد کرده بود .
 - زن در دوره ایران ساسانی حق انتخاب همسرنداشت (برخلاف اسلام)
 - زن در دوره ایران ساسانی استقلال اجتماعی نداشت (" " ")
 - زن در دوره ایران ساسانی استقلال اقتصادی نداشت (" " ")
 - ازدواج با محارم عبادت شمرده میشد .
 - زن در ایران باستان اجاره داده میشد .
 - ازدواج ابدال امری عادی بود (بمنظور حفظ و اصل مالکیت و خون) .
 - زنها و حتی همسران افراد حکومت از دست شاهزادگان و حتی خود شاهان امنیت نداشتند .
 - در گرونی اخلاق اجتماعی يك جامعه از طریق در گرونی روابط اجتماعی حاکم بر آن جامعه صورت میگیرد .
 - بزرگترین خدمت اسلام به ایران در گرونی روابط اجتماعی و هموار کردن زمینه رشد و نمو فرهنگی و تمدنی بود .
 - در تمدن و تاریخ ایران باستان جز لشکرکشی و کاخ سازی و قتل عام چیسز دیگری بچشم نمیخورد .
 - تاریخ تمدن و فرهنگ ایران بعد از اسلام شاهد عجیب ترین تلاشهای علمی و فرهنگی است .
- و در قسمت دوم این بحث به این نتایج رسیدیم کسه :
- ملتی که زیر بار فشارهای ترور و اختناق در بار سلطنتی خرد شده است هر ندای آزادی بخشی را میزند و از آن استقبال می کند .

- اکثریت عظیم توده ایرانی خود به استقبال اسلام رفت و قشون مسلمین را در راه سرکوبی هیئت حاکمه ایران و عمال آن یاری میکرد .
- دفاع سخت و جانبازی شگفت انگیز ایرانیان از آئین اسلام و جهاد عظیم آنان در راه برقراری عدل اسلامی بسیار شورانگیز است .
- توده مردم بخاطر رنج و عشق است که به دینی می گراید، رنج از یک یا چند کمبود و عشق به ایدال و هدف و کمال مطلوب .
- اصل ضد استثمار و ضد تبعیضات نژادی، سیاه آفریقائی را به سوی اسلام می آورد .
- اسلام از همان ابتدا بر "عدالت اجتماعی" تکیه میکند و هدف بعثت پیامبران را استقرار "قسط" میداند .
- در ایران باستان حکام در کاخها، شبهای خیال انگیز و رویائی داشتند و در اسلام و مدینه زمامداران در ردیف مردم محروم زندگی میکردند .
- چرا فرمانده ارتش خراسان به جنگ با اعراب مامور میشود ؟
- مردم ایران این سپاه مسلمان را که در قادسیه و نهاوند خیمه زده است ، دشمن شاهان خود می بینند نه دشمن خویش لذا به حمایت از آنان برمیخیزند .
- کسانی که می گویند " ایرانی به زور و زور اسلام را پذیرفت " بزرگترین خیانتها و توهین ها را به این مردم وارد میسازند .
- وقتی که تعالیم اسلامی دستخوش بازیگران اموی و عباسی میگردد ایرانی برمی شورد و مرکز خلافت را بر سر خلیفه می گوید .
- تشییع به نگهبانی از اسلام برمیخیزد و امامه اسلام محمد (ص) امت نه چیز دیگر .
- ایرانیان در گسترش و پیشرفت اسلام در داخل و خارج از حوزه ایران آنروز بسیار تلاش کردند و آنرا ترویج نمودند .
- بزرگترین مروجین و مبلغین اسلامی، ایرانی هستند .
- مهمترین متکلمین عالم اسلام ایرانی هستند .
- سهم ایرانیان در ترویج مذهب اسلام در هند، اندونزی و حتی چین بسیار جالب است .
- چگونه میتواند ملتی اسلام را بزور شمشیر پذیرفته باشد و بعد این چنینی در

- گسترش آن شور و علاقه و شوق نشان دهد .
- تمدن اسلامی مادر تمدن امروز غرب است .
- بعد از گسترش اولیه اسلام بلافاصله قلم ها و فکرهای راکد و تحت فشار به حرکت آمد و طلاب علوم همچون سربازان مجاهد به گسترش فکر اسلامی و تدوین علوم پرداختند .
- کثرت مدارس و دانشگاههای آزاد در قلمرو اسلام امری بی نظیر است .
- مدارس معروف به نظامیه ، اولین مدارس و دانشگاههای جهان هستند .
- از عمده اقطار اسلامی دانشجویان به این دانشگاههای آمدند و از تحصیل مجانی و زندگی مجانی و کتابخانه و بیمارستان و غیره بهره مند میشدند .
- قرآن انسان را به توجه به جزئیات و به متدعینی توصیه می کند .
- متد تجریبی در مطالعات و علوم را برای اولین بار مسلمین با الهام از قرآن بنا بردند .
- کشف حرکت غیر یکنواخت ماه ، ارائه طریق علمی در مطالعه تاریخ ، کشف قطب نمای دریائی ، کشف جغرافیای عالم و جغرافیای ریاضی ، تاسیس بیمارستانهای مشتمل بر مدارس طب (- اولین آن در سال ۸۸ هجری) و معالجه و درمان مجانی بیماران ، ترتیب باغستانهای نمونه بمنظور تحقیق در گیاه شناسی ، بنیانگذاری بخش آئینهها و نور در فیزیک ، کشف ساختمان چشم بعنوان یک عدسی ، تفسیر قوس و قزح بر اساس قانون انکسار نور ، تشریح قوانین حرکت پاندولسی تنظیم جد اول جغرافیائی ، کشف قوانین حساب و تسلسل اعداد ، تشریح دوران کوتاه خون (- سه قرن قبل از ویلیام هاروی) ، آفرینش جبر بعنوان یک علم مستقل ، تدوین علم " مثلثات " ، بررسی تاثیر ماه در جزر و مد دریا ، پیدا کردن وزن مخصوص برای فلزات و آلیاژها و عناصر دیگر ، بحث درباره حرکت وضعی زمین (قرنهای قبل از گالیله) ، تحقیق در علم مکانیک و هیدرولیک ، تدوین جغرافیای انسانی ، تعیین حجم زمین و تمایل محور آن بسوی خورشید ، ارائه طریقی برای جراحی چشم (که تا سال ۱۷۸۰ در انگلستان و تا سال ۱۸۲۰ در آلمان پیروی میشد) ، بکار بردن روشهای جالب در مورد بیماران روانسی ، ارائه شیوه خاص در مورد جراحی مثانه (که تا قرن ۱۸ در اروپا رواج داشت) ، عرضه کردن نظریه " بهداشت بوسیله ورزش " ، رد کردن نظریه سکون افلاک

- همه اینها و مطالب دیگر از ابتکارات و ابتکارات مسلمانان است .
- در تدوین فرهنگ اسلامی سهم ایرانیان بسیار زیاد است .
- فرهنگ و تمدن اسلامی مرز جغرافیائی و نژاد خودی یا بیگانه نمی شناخت .
- یک شیخ بلخی در دمشق مورد احترام عامه میشد و یک سیاح اندلسی در رهند عنوان قاضی میگرفت .
- در محیط اسلام آنروز حتی غیر مسلمانان زندگی در جامعه اسلامی را بر اماکن دیگر ترجیح میدادند .
- جاهلیت ایران باستان چه در زمینه علوم و چه در زمینه قوانین مدنی، دست کمی از جاهلیت عرب قبل از اسلام ندارد .
- تلاش ایرانیان در مباحث علمی در وجهت بود . علمی که صرفاً با اسلام سروکار داشت و در تفسیر قوانین آن و تشریح آن بکار میگرفت (. . . فقه، حدیث، علم نحو، صرف تفسیر و . . .) و دیگری علمی که از ابتکار خود آنها بود و یا از خارج می گرفتند و روی آن کار میکردند (. . . طب، نجوم، فلسفه . . .) .
- در علوم اسلامی بزرگترین محدثین، مفسرین، متکلمین، مورخین، صاحبان کتب احکام، مولفین کتب گرامر و صرف و نحو عربی، علمای بیان و بلاغت، فقها، و دیگر رشته های علوم اسلامی، ایرانی هستند .
- فلسفه اسلامی در حقیقت فلسفه ای است که سیر کمال خود را بدست ایرانیان دیده است .
- ابن سینا، مجسمه " منطق و استدلال " است .
- شیخ سهروردی عالم بزرگ فلسفه و مکتب اشراقیون است .
- ملا صدرا احیاء کننده و تدوین کننده فلسفه عظیم اسلامی است .
- کوششهای علمی ایرانیان مسلمان در جنبه های دیگر علوم در تاریخ ثبت است ولی از نظر نسل جدید ه متاسفانه پنهان است .
- برای احیای فرهنگ و علم باید به احیای فکر مذهبی پرداخت .

✕ * * ✕

اینک به سومین قسمت این مقاله میگردیم . بسیار بجا میبود اگر قدم به قدم از آغاز اسلام در ایران تا باامروز تاریخ را ورق میزدیم و تحولات اجتماعی ایران را ببینان میداشتیم ولی متاسفانه کاری است بس دشوار و نیازمند به منابعی عظیم و

موشق و دقت فراوان و حوصله‌ای زیاد که در حال حاضر عیجکد ام‌فراهم نیست .
لذا ادامه این بحث را به ذکر تیتروار حرکت‌های اسلامی در دهه‌های اخیر
ایران (ایران معاصر) اختصاص می‌دهیم .



* * * * *
* * *
*

حرکت‌های اسلامی در ایران معاصر

برای مطالعه تاریخ و اوضاع ایران خصوصاً در دهه‌های اخیر که از آن
به ایران معاصر یاد می‌کنیم ناچاریم قدری به عقب برگردیم .
از قرن یازدهم میلادی با نفوذ دریا نوردان پرتغالی به سواحل خلیج فارس و
ورود برادران شرفی انگلیسی بدربار شاه عباس صحنه جدیدی در تاریخ ایران
باز میگردد . استعمار غرب قدم بعرضه وجود می‌نهد . سیاست شوم "تفرقه بینداز
و حکومت کن" مد افعالیت استعمارگران قرار میگیرد . عند بزیریوع استعمار فرو میروند
واقبال کشورهای مسلمان یکی بعد از دیگری اغول می‌شند - در حالینه استعمار -
گران غربی بر پایه استعمار و استثمارد یگوان اقتصاد و صنعت خود را تقویت کرده
بعسوی ماشینیسیم پیش میروند . درکشور قوی و مسلمان آنروز یعنی ایران و عثمانی
هم بتحرک استعمارگران بجان هم می‌افتند و آخرین انرژی و قدرت خود را صرف
برادر کشی می‌کنند و راه را برای نفوذ و تسلط غربیان هرچه بیشتر باز می‌نمایند . دو
کشین مسیحی به نمایندگی دولت پرتغال - در قرارداد بازرگانی خود باشاه
عباس - تقاضای کنند که ایران دست از جنگ با ترکان عثمانی برندارد - و شاه عباس
نیز چنین ماده‌ای را در قرارداد خود می‌پذیرد - زیرا ترکان عثمانی تا قلب

اروپا پیش رفته بودند و اروپائیان تاب مقاومت نداشتند و ترکان را برای موجودیت و اقتصاد و تجارت خود خطرناک می‌دیدند .

ازد و قرن پیش نفوذ استعمار در ایران بحدی رسید که استقلال سیاسی و اقتصادی ایران عملاً از بین رفت و منابع حیاتی این کشور غارت شد ، و حتی قوای امنیتی و ارتش در اختیار بیگانگان قرار گرفت . کاپیتولاسیون بوجود آمد . امتیاز راه آهن و سپس امتیاز بانک شاهنشاهی و حق انتشار اسکناس و امتیاز استخراج تمام منابع حیاتی مثل نفت و ارتباطات و کمربات ایران همه یکجا به " رویتر " انگلیسی تفویض شد (۱) . و بالاخره با اختراع ماشین های جدید و احتیاج مبرم غرب به نفت ، درسی و سپس کمپانی نفت انگلیسی منابع نفتی ایران را غارت کردند و برای ادامه تسلط خود از هیچ عمل زشتی ابا نکردند . شخصیت های بزرگ ملی را کشتند . اوپانس واران دل را بر مقدرات مردم مسلط کردند . ریشه های فرهنگی ایران را که منبعث از فرهنگ اسلامی بود یکی بعد از دیگری قطع نمودند زیرا یک ملت بی ریشه و سرگردان را بسادگی میتوان بیوغ کشید و استثمار کرد .

(۱) - " قرار اد هائی که در این زمینه در دست است نفوذ فوق العاده دولت بریتانیای آن زمان را بر این منطقه از جهان ، و از جمله بر ایران ، بی پرده نشان میدهد . این موافقتنامه ها در امنه ای بسیار وسیع تراز یک قرار اد و حتی یک قرار اد تجاوزکارانه و اجحاف آمیز و ظالمانه را دارند . چنان است که کوئی یک دولت متخاصم پیروزمند بخواه برای سلب اختیار و اراده از ملتی مغلوب چنین حکم راند ، و در حقیقت چنین نیز بود . این قرار اد ها را در حقیقت باید قرار اد های خصومت آمیز و معاهدات صلح بعد از شکست ناچهاراد که فقط یک حکومت منحط که در جسم و روح و درون وجود خود پوسیده و غرق درستی و فساد شده است به چنین قرار اد ها و در حقیقت به چنین معاهدات استعماری موهنی گذردن مینهند . در این جا ذکر قرار ادی را که ناصرالدین شاه قاجار با یک نفر انگلیسی بنام بارون جولیبوس رویتر ، و در حقیقت با دولت بریتانیا ، در ژوئیه ۱۸۷۲ امضا کرده است عیناً و بدون تصرف در ساختمان جملات و بیوند کلمات نقل میکنیم .

قبلاً توجه خوانندگان را باین نکته جلب میکنیم که طرف قرار اد البته ظاهراً رویتر است ولی شرکا و وکلای او هم از جمله دولت بریتانیا نیز طبق قرار اد ،

←

د برابر تسلط غرب، ملت ساکت ننشسته بود و در هر فرصت برای بقای حیات خود علیه استعمارگران مبارزه می پرداخت . قیامهای متعددی بوقوع پیوست ، خونهای ریخته شد و در هر زمان آزاد مردانی پرچم مبارزه برافراشتند و بسا سرمایه ایمان و فداکاری بجنگ استبداد و استعمار رفتند ، جان باختند و با خون خود از شرف و آزادی پاسداری کردند .

پاورقی از صفحه قبل

میتواند جانشین او گردند . این نیزنگ از این لحاظ وارد کار شده بود که اهمیت موضوع را از نظر روسیه تزاری مخفی نگهدارد . در واقع آقای رویتر نقش یک پرده را ایفا نموده ، که در پس پرده ، دولت بریتانیا بایستی صبری انتظار میکشید ه است . اینست متن قرارداد :

" اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ایران به بارون جولیس ۲ رویتر تبعه دولت انگلیس مقیم لندن . فیما بین دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران و بارون جولیس رویتر مقیم لندن مقررات ذیل منعقد و برقرار است .

فصل اول - دولت ایران بحکم این قرارداد به بارون جولیس رویتر اجازه و اختیار تام میدهد که در فرنگستان بهر اسم و رسم شرایطی که خود مشخص نماید یکی یا چند کمپانیها تاسیس و احداث بکند که در تمام خاک ایران بآن کارهای مفیده که در این امتیازنامه مذکور است اقدام بکند و آنها را مجری دارد .

فصل دوم - دولت ایران از برای مدت ۷۰ سال امتیاز مخصوص و انحصار قطعی راه آهن بحر خزر الی خلیج فارس ببارون جولیس رویتر بشرکاء یا وکلا اعطاء و واگذار مینماید و همچنین بایشان حق مخصوص و انحصاری و قطععی میدهد که هر شعبات راه آهن که مناسب بدانند ، خواه بجهت اتصال ولایات و شهرها در داخله خاک ایران ، خواه بجهت اتصال راههای ایران براههای آهن ممالک جدید ، از هر نقطه از نقاط سرحدات ایران و فرنگستان و هندوستان بسازند و بکار ببندازند .

فصل سوم - و نیز دولت علیه ایران با صاحب این امتیاز حق مخصوص و امتیاز انحصاری داده است در هر نقطه که مناسب بدانند تماموایها بسازند ، خواه بجهت اتصال شهرها و قضبات و بلوکات با همدیگر ، خواه بجهت اتصال



استعمار برای خلع سلاح مردم و تسلیم آنان به استثمار، سنگرهای مقاومت را یکی بعد از دیگری فتح میکرد. پس از تسلط اقتصادی و در اختیار گرفتن شریان حیاتی اجتماع و پس از کماشستن خود فروختگان بحکومت، برای قطع ریشه‌های فرهنگ و اسلامی ایران دست بکار شد. همراه با ماشین و فرآورده‌های

پاورقی از صفحه قبل

این اماکن براههای آهن یا به آن نقاطی که کمپانی در آنجاها کاردارد. کمپانی از برای ساختن این ترامواها همان امتیازات و حقوق را خواهند داشت که بجهت راه آهن در فقرات چهارم و پنجم و ششم داده است.

فصل چهارم - هر قدر که بجهت ساختن خطوط راه آهنها و شعبه‌های آنها و راههای دشت و راههای کویر و مختلف و راههای خروج و ورود و منازل و منزلگاه و اماکن سکنی از برای مامورین و ناخرانجات آهنگری و کارخانجات نجاری و ملحقات اینها لازم شود دولت ایران اراضی همه آنها را از املاک خالصه مجاناً باین کمپانی میدهد. در خصوص اراضی که تعلق به اشخاص داشته باشد باید کمپانی با صاحبان آن اراضی بارضای طرفین قراری بگذارد. اما دولت ایران باتمام وسائل کمال سعی و اهتمام خواهد کرد که این اراضی را بقیمت جاریه مملکت از برای کمپانی خرید و تحصیل شود. و اگر لازم شود صاحبان این اراضی را موافق قاعده مجبور نمایند که اراضی خود را بکمپانی بفروشند علاوه بر عرض مقرر راه های آهن دولت ایران از هر طرف خطوط راه آهن هر قدر که طول آنها باشد از املاک خالصه و از آن اراضی که تا امضاء این قرارنامه زراعت نکرده باشند و سی حاصل مانده باشند مقدار ۲۰ متر به کمپانی بدهند. هرگاه علاوه بر شهرها و دهات که کمپانی با اقتضای مصلحت خود لازم داند مختار است از برای راههای آهن منازل قرار بدهد. مصلحت کمپانی مقتضی باشد که در بعضی نقاط دور دست و لمبیزرع منازل بسازد و دولت ایران در جاهائی که کمپانی بخواهد به کمپانی مجاناً چهار هزار نرع مربع زمین خواهد داد که به جهت مامورین خود که در آنجاها باشند بتوانند اسباب گدازان امن و سهل فراهم بیاورند.

فصل پنجم - کمپانی اختیار و اجازه تام دارد که به جهت ساختن و تعمیر

تجارتی، ارزش‌های غربی باین طرف سرازیر گردید. عده‌ای از باصطلاح
روشنفکران غربزده آنچنان فریفته و مسحور عظمت پوشالی و زیبائی ظاهری عرب
شدند که همه چیز خود را مطرود دانسته نفی کردند و همه چیز غرب را یکجا
پذیرفتند و عملاً و عقلاً برده و بند و غرب شدند.

پاورقی از صفحه قبل

راه‌های خود هر مصالحی که لازم داشته باشد از قبیل ریک و سنگ و آهن و غیره از
املاک خالصه مجاناً بگیرد. تفرعاتی از قبیل آلات و افزار و آذوقه و واب و غیره
که کمپانی بخواهد در جاهائی که کار دارد بخرد دولت قدغن خواهد کرد که
بیش از قیمت رواج مملکت چیزی نگیرند.

فصل ششم - هنر نو مصالحی که به جهت ساختن و بکارانداختن طرق

آهن لازم داشته باشند داخل خاک ایران خواهد شد بی آنکه هیچ رسومی
بدهد، نه رسوم گمرکی، نه رسوم دریا بجهت خروج اتمه، نه رسوم دخول، نه

رسوم انبار و نه هیچ رسوم دیگر که در عرض راه چه از جانب دیوان و چه از جانب
اشخاص مطالبه شود و گمرک حق مواظبت خواهد داشت، بطوریکه سرعت و درستی
ورود مصالح را به محلی که مقصود است بهیچوجه به تاخیر نیندازند و همین حق
معافیت از هنر نو از برای هر قسم مصالحی که به جهت اقدامات و کار کردن و تحصیل
تمتعات کمپانی لازم بشود از جانب دولت معهود و برقرار است.

مامورین و عمال کمپانی از هنر نو مالیات داخله معاف خواهند بود و محصولاً
کل عمال و اتمه کل تصرفات کمپانی به آزادی از تمام خاک ایران عبور و مرور خواهند
کرد و در حین خروج از خاک ایران از هر رسوم و مالیات معاف و آزاد خواهند بود.

فصل هفتم - طرز ساختن راه آهن و موعده‌ی که باید بر سر آن هنر نقطه

راه آهن بکار افتد با موافقت دولت معین خواهد شد و در دفتر قبول ملحق خواهد
شد باین امتیازنامه حاضر.

فصل هشتم - روزی که این قرارنامه امضاء شود چهل هزار لیره انگلیسی

باسم دولت ایران بوسیله اصحاب این امتیازنامه در بانک انگلستان رهن گذاشته
خواهد شد. هرگاه از تاریخ این قرارنامه الی پانزده ماه دیگر شروع بکار نشود



تاریخ استعمار نشان می‌دهد که در رشت هرمنظرهٔ زیبا و فریبنده غرب همیشه هیولائی زشت و کثیف قدم بیدان گذاشته و ملت را با سارت و بد بختی کشانده است .

پاورقی از صفحه قبل

این مبلغ ضبط خواهد شد مگر اینکه تاخیر شروع کار بحکم اسباب مهمه بواسطه چنان موانعی باشد که ازارادهٔ کمپانی خارج باشد از قبیل جنک و غرق و تعطیل حمل و نقل در ممالک خارجه . در مقابل قبض حاکم رشت مشعر بر اینکه بقدر کفایت ساختن راه آهن از رشت الی تهران میلیهای آهن وارد انزلی شده است . این مبلغ چهل هزار لییره بکمپانی رد خواهد شد .

فصل نهم - بر سر انقضای مدت این امتیاز که عبارت از ۷۰ سال است باید اصحاب این امتیاز قبل از وقت در باب اینکه تصرف و تمتع این راههای آهن در دست ایشان باقی بماند و امتداد بیابد با دولت گفتگو کنند و قرار ی بگذارند در صورتیکه در این باب فیما بین دولت و اصحاب این امتیاز قرار تازه میسر نشود جمیع خطوط راه آهن که بحکم این امتیاز قرار نامه نوشته شده باشد با مصالح ثابت و اداره خود بمیل دولت ایران خواهد بود .

فصل دهم - در باب ابنیه و توابع خط راه آهن رجوع خواهد شد بدان قواعدی که عموماً سایر دول رعایت کرده اند و شروط آن در این باب برای دولت مساعد تر از همه باشد اصحاب این امتیاز در عوض راه آهن که بدولت واگذارند حق مطالبه هیچ تنخواه و هیچ تلافی نخواهند داشت .

فصل یازدهم - دولت ایران بحکم امتیاز نامه و قرار نامه حاضر به اصحاب این امتیاز حق مخصوص و امتیاز انحصاری و قطعی می‌دهد که در مدت طول این امتیاز در تمام ممالک ایران معادن ذغال سنگ و آهن و مس و سرب و پتروول و غیره را و هر معدن دیگری که ایشان بتوانند کار بکنند و از آنها تمتع بردارند ، بعد از آن معادن که ملك ایران است و صاحب آنها با رضای طرفین معامله نماید بطور واضح مقرر است که هیچیک از کارگران و مامورین دولتی و مدعی و هیچ یک از رعایا و تبعه و اشخاص نمیتوانند در خصوص یک معدن ادعای حق تصرف نمایند مگر در صورتیکه

فرانسه سعی داشت که ادب و زبان و فرهنگ و دین الجزیره را نابود کند و بجای آن " ارزش " های غربی بگذارد . الجزیره راجزئی از فرانسه می نامید و میخواست برای بردگی و اسارت آن کشور تمام ریشه های تاریخی و فرهنگی و مذهبی آنرا پاک شده قطع کند . اما رزمندگان آگاه و فدائیان الجزیره قبل از هر چیز با حیا و سنت ها و فرهنگ و تمدن خود میبرد اختند تا از اضمحلال شخصیت و موجودیت ملت خود جلوگیری کنند .

پاورقی از صفحه قبیل

مدت پنج سال علناً و با معرفت و تصدیق عامه در آن معدن کار کرده باشد خارج از این شرط است .

هر معدنی که کمپانی پیدا میکند مثل زمین ساده محسوب خواهد شد و از جانب کمپانی بقیمت مند اوله آن ولایت خرید خواهد شد و اگر لازم شود دولت اصحاب آن زمین را مجبور خواهد کرد که آن را بقیمت مند اوله آن ملك بکمپانی بفروشد دولت معادن طلا و نقره و جواهر را برای خود نگاه میدارد . از برای کار کردن این نوع معادن دولت میتواند با کمپانی قرارداد های مخصوص بگذارد . فصل دوازدهم - از محصولات خالص هر معدنی که کمپانی بکار بیند از دولت ایران از منافع خالص آن سالی صدی پانزده مرسوم و مقرری خواهد گرفت . فصل سیزدهم - از برای کار کردن معادن و اتصال آنها براههای آهن و تراموای و طرق دیگر هر قدر زمین که لازم میشود از املاک خالصه مجاناً بکمپانی داده خواهد شد .

بجهت کار کردن این معادن کمپانی بهره یاب خواهد شد از همان امتیازاتی که در فصل ششم برقرار است و همچنین محکوم همان تعهدی خواهد بود که در فصل دهم معین است .

فصل چهاردهم - دولت ایران بحکم این قرارنامه با صاحب این امتیاز حق مخصوص و امتیاز انحصاری و قطعی میدهد که در مدت طول این امتیاز در جنگ های ایران کار نکنند و این جنگها را بکار بیند ازند و از آنها تمتع بردارند این نوع کار کردن و تحصیل تمتع کمپانی در جنگ های ایران بهتر ترکیبی که باشد در هر

استعمار همیشه باظاهری فریبنده وارد شده ولی نورا پس از تسلط سیاسی و اقتصادی و سپس فرغتنی آنچنان د ماری از روزگار مردم در آورد ه که از بزرگترین جنایات تاریخ بشمار میرود . به کشور استعمارزده از علم و هنر جدید نه تنها

یاورقی از صفحه قبل

زمینی که تا امضا این فرماننامه زراعت نشده باشد جائز و معمول خواهد بود .
درجائی که کمپانی درخت های آنجا بریده باشد هر اراضی که دولت بخواهد بفروشد کمپانی قبل از همه کس حق خواهد داشت که آن اراضی را از دولت بقیمت متد اوله بخرد . دولت ایران از منافع خالص این جنگل هاسالی صدی پانزده قسمت خواهد داشت .

فصل پانزدهم - دولت ایران باصحاب این امتیاز حق مخصوص و امتیاز

انحصاری و قطعی میدهد که در مدت این امتیاز در تمام ممالک ایران بجهت بر گرد اندن رودخانه ها و مجاری آنها و ساختن بند ها و سد ها و ساختن استخرها و کندن چاههای سیاله و مجرای مصنوعی، و به جهت آوردن آبهای که دولت آنها را بکمی حق نداده باشد، و جاری کردن آن آبها بنقاط مختلفه که خسود صاحب این امتیاز مصلحت بداند و هر عمل و کاری واقدا می که لازم باشد به نیکو مجری دارند و هیچ صاحب ملکی با عبور این آبها هیچ نوع مخالفتی نکند یا عبور آنها مانع و عوائقی نگارد و از آن طرف هم بهر صاحب ملکی که عبور این آبها خسارتنی وارد بیاورد کمپانی تلافی خواهد کرد .

دولت ایران بجهت کارها و بناهای آبکنی و هر نوع احداثاتی که تعلق به آب داشته باشد هر قدر زمین که لازم بشود بکمپانی مجانی خواهد داد و علاوه بر این دولت ایران جویهایی که کمپانی ساخته باشد ۲۰ متر زمین بطول آن جویها مجاناً بکمپانی خواهد داد و هر زمین بایری که کمپانی بواسطه آبهایی که آورده باشد دائر بکند تصرف اختیاری در زراعت آن زمین حق کمپانی خواهد بود . کمپانی قیمت آبهایی که بخواهد بفروشد باتفاق دولت بارضای طرفین معین خواهد کرد .

دولت ایران از منافع خالص این آبها سالی صدی پانزده قسمت خواهد

داشت .



بهره‌ای نمیرسد بلکه علم و هنر قدیم آنان نیز بلگی نابود میشود . جنایت و وحشیگری ، در رندگی ، خون‌آشامی ، جایگزین عشق و محبت و ظاهر فریبنده‌ی قلبی میگردد .

پاورقی از صفحه قبل

فصل شانزدهم - بجهت ساختن راه آهن امتیاز آن بحکم این قرارنامه با صاحب این امتیاز واگذار شده است و بجهت اجرای اعمالی که مقتضی کارها و اقدامات دیگری است که در فوق ذکر شده است دولت علیه ایران بیارون رویتر و شرکا ، یابوکلا ، اوجازه و اختیار نام میدهد که بحکم این قرارنامه ابتدا یک سرمایه اولیه که عبارت از صد و پنجاه میلیون فرانک یا شش میلیون لیره انگلیسی باشد برسم حصه های شرکت باسند های قرص صادر نمایند . منفعت و طرز و شروط صد و راین مبلغ را خود اصحاب این امتیاز مشخص و معین خواهند نمود .

فصل هفدهم - دولت ایران بحکم این قرارنامه بجهت هر سرمایه که صادر شده باشد یا بعد ها صادر گردد در سالی صدی پنج منفعت و علاوه بر آن صدی دو هم بجهت ادای سرمایه به کمپانی ضمانت میکند . (منظور اینست که دولت ایران صدی ه منفعت برای سرمایه هائی که رویتر وارد کار کند و صدی دو نیز برای استهلاك سرمایه اوتضمین مینماید . -)

فصل هیجدهم - این ضمانت صدی هفت بر عهد و مد اخل معادن و آبها و جنگلهای دولت ایران است .

این ضمانت حکمی نخواهد داشت مگر پس از اتمام خط راه آهن از بحر خزر الی اصفهان مطابق همان طرح و ترکیب که در دفتر قبول معین شده . تا آنوقت کمپانی منفعت سالیانه را از روی آن سرمایه اولیه که صادر شده است یا از روی آن سرمایه جدید که اجازه و اختیار دارد که موافق مصلحت خود نماید به حصداران اد خواهد کرد .

فصل نوزدهم - دولت ایران بحکم این قرارنامه تعهد میکند که اجازه گمرکهای ایران را از تاریخ ماه مارس ۱۸۷۴ (۱۲۹۱ هجری قمری) نامدت ۲۵ سال با صاحب امتیاز بدهد . به جهت این اجازه گمرکها اصحاب امتیاز مبلغ اجاره حالیه را بدولت خواهند داد و علاوه بر آن سالی مبلغ پانصد هزار فرانک

نظایر این جنایات ننگین در کنگوه آنگولا، آفریقای جنوبی و بسیاری از کشورهای دیگر آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین بوضوح دید میشود .

پاورقی از صفحه قبل

بسیست هزار لیبره انگلیسی با اسم اضافه خواهند داد این شرایط برای ۵ سال اولی مقرر است .

از ابتدا ای سال ششم در عوض این پانصد هزار فرانک مبلغ اضافه از روی کل منفعت خالص سال صدی شصت بدولت داده خواهد شد بخیرا از قیمت اجاره .
فصل بیستم - در صورتیکه که دولت ایران مصمم شود که این امتیازبانک را یا امتیازیک دستگاه اعتباری را از هر قبیل که باشد بکسی بدهد این امتیاز از امروز بحکم این قرارداد محفوظ و معهود و مخصوص است از برای این کمپانی که بر جمیع اشخاص و کمپانیهای دیگر حق رجحان خواهد داشت .

فصل بیست و یکم - از برای هر نوع کارها و اقدامات از قبیل گاز و فروش کوچه و تزئین پایتخت و راهها و نوشه ها و چاپارخانهها و تلگراف ها و آسیاها و کارخانجات آهن آلات و سایر کارخانها و غیره که بعد از این امتیازی خواهند صاحب امتیاز حاضر در جمع این امر را امتیازها حق رجحان بر جمیع اشخاص و کمپانیهای دیگر خواهند داشت .

فصل بیست دوم - اصحاب این امتیاز در هر وقت مختار خواهند بود که کل این حقوقی که بواسطه این امتیازنامه داده شده است یا یک جزء این حقوق را بهر طور که خواهند به کمپانی دیگر دهند یا بفروشند با شرط رعایت تعهداتی که کرده اند .

فصل بیست و سوم - اصحاب این امتیاز تعهد میکنند که این اعمال را ، آبه و جنگل هارا ، با اعمال راه آهن با هم شروع بکنند و با هرا هتمامی که ممکن باشد اجرای آن هارا پیش ببرند .

دولت ایران نیز از طرف خود علاوه بر آن عملیات خارجه که کمپانی مختار است بمیل خود اجیر نماید هر قدر عملی که کمپانی برای اجرای این اعمال مختلفه لازم داشته باشد بقیمت متد اوله مملکت از برای کمپانی پیدا خواهد کرد .

دولت ایران برای حفظ امنیت هر زمین و هر محل که بجهت هر یک از این

استعمار برای نفوذ و تسلط خود با هر نوع قدرت محلی و عرئون و پایگاه اجتماعی سرسختانه می جنگید تا آن مردم را خلع سلاح کند، از شخصیت ساقط نماید، توان و جانس را بگیرد. آن ملت را بصورت متحرکی بیروح و بی شخصیت در آورد که از ارزشهای عالی انسانی بی بهره گردد و مانند عروسک بفرمان استعمار برقصد.

پاورقی از صفحه قبل

اعمال به کمپانی داده است و همچنین از برای کمال امنیت هر یک از وکلای و کارگران و مامورین و عملجات کمپانی مقرراتی که لازم باشد اعلام خواهد کرد و هر تدابیری که واجب باشد حکم با اجرا خواهد داد.

فصل بیست و چهارم - این امتیاز بزبان فارسی ترجمه خواهد شد. اما، در صورت ظهور مشکلات فیما بین طرفین، مضمون فرانسه به تنهایی سند خواهد بود. در تهران ۲۵ ژوئیه ۱۸۷۲ مطابق ۱۸ جمادی الاول ۱۲۸۹ عجمری قمری تحریر یافت.

جناب اشرف حاج میرزا حسین خان صدراعظم (- مشیرالدوله - سپهسالار -) دولت علیه ایران بحکم اختیارنامه که بایشان از جانب اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ایران داده شده است باتفاق چند نفر از وزراء دولت این قرارنامه را امضاء و تصدیق داشته. محل مهر عمایون ناصرالدین شاه. صحیح است.

" تعجب اینجاست که این قرارداد را بنام یک قرارنامه راه آهن ذکر کرده اند چنانکه از نامه میرزا حسین خان مشیرالدوله بنام ناصرالدین شاه پیدا است که مینویسد: " قرارنامه راه آهن که با امضاء تصدیق عمایون شاهنشاهی روحانجامه رسیده و باین واسطه احیای دولت و ملت نمودن هاید زیارت نمودن شکر خدا را هزار مرتبه بجا آوردن و دوام عمر و دولت و شوکت همایونی را فایده وی خانه زاد و جمیع افراد ملت هر کس که شعور و فهم داشته از مصیبت بجای آوردند. " ضمناً چنین استنباط میشود که آنانکه این قرارداد را جزیک قرارنامه ساده راه آهن تلقی کرده و زبان به نفرین و لعن کشود هاند لابد از نعمت شعور و فهم محروم



اسلام یکی از بزرگترین پایگاههای اجتماعی است که مایه قوام و خدمت يك ملت است و بهمین جهت همه جا و همیشه مورد حمله و هجوم استعمارگران قرار گرفته است . و حامیان و طرفداران این مذهب همیشه سرسخت ترین دشمن

پاورقی از صفحه قبل

بوده اند .

تهدید روس ها و بیم آن ها از اجرای این قرارداد موجب شد که ناصرالدین شاه از اجرای آن سرباززند و آنرا ملغی سازد . لرد کرزن ۲ انگلیسی درباره این قرارداد گفته است : " واگذاری کلیه منابع صنعتی يك مملکت بدست خارجی حقیقتاً بنظر عجیب و غریب میآید و چنین بنظر میرسد که حسرات انگلیس دوستی در تهران هیچگاه چنین شدنی نداشته است " و مجله انگلیسی عهد جدید نوشت که : " اعطاء امتیاز از طرف ناصرالدین شاه به بارون رویتسر که هم در انگلیس و هم در ممالک دیگر مورد مذمت قرار گرفته موافق عقل و صلاح بنظر نمیآید " . اما حضرت اشرف میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار) صدراعظم بشاه نوشت : " پس از دو سال و انجام قسمتی از قرارداد ملاحظه خواهید فرمود که يك مملکت و دولتی که بهیچوجه شباهتی به آنچه حالا هست ندارد خداوند بسرکار اقدس همایونی عنایت فرموده است " .

جریان قرارداد بارویتسر ریشه انحطاط دوران صد و هشتاد ساله اخیر ایران را مشخص میکند . بدین معنی که مقارن بادوران تحولات عظیم تجارتنی، فنی و صنعتی اروپا و هجوم سیل آسای سودجویی و سرمایه داری غرب بخارج از سرحدات آن قاره، در ایران چه مردان مزدور و نادانی حکومت میکردند که نه معنای چنین قراردادهائی را درک مینموده و نه از عواقب خطرناک آن بسرایی اخلاف خود بیمناک بوده اند . آزادگداشتن دست يك خارجی که بعنوان ماسک دولت بریتانیا بکارآمده بوده است، در اقدام بهر عمل صنعتی و مالی و تجارتنی در ایران، بنظر زعمای قوم، کاری در جهت آباد نمودن و غنی کردن کشور جلوه گر بوده است . البته راست است که هرکشوری میباید به احداث راههای شوسه و آهن و استخراج معادن و تاسیس بانک و ساختن سد و مجاری آب اقدام کند

استعمار و بیگانگان بود هاند . در تاریخ گذشته ایران ، روحانیت و علمای مذهبی ، بعنوان يك سنگر ضد استعماری با استعمار و استبداد و نفوذ غرب و غرب زدگی مخالفت کرده است و در اکثر قیامها و انقلابها پیش قراول بوده و در عمه نهضت عسا

پاورقی از صفحه قبیل

ولی شرط اول موفقیت در بهره برداری از چنین اقداماتی حفظ استقلال و حاکمیت سیاسی و اقتصادی ملی است ، که خود ، در شرایط چنین قرارنامههایی بصورت اسمی بی مسمی در خواهد آمد . اینکه بیک کمیته ای یا یک دولت خارجی بگویند بیا و مرعطی که مصلحت میدانم در کشور ما انجام بپرسان بدین معنی است که از ملت صاحب آن کشور سلب اختیار کرده و هر نوع فعالیت صنعتی و اقتصادی را برای تحريم نموده باشند . استعمار نیز ، جزاین ، دارای محتوی دیگری نیست . تعجب آور است که یک دولت ظاهرأ مستقل بدون آنکه در اشغال یک دولت استعمارگر باشد ، فقط از روی جهل و ضلالت و عدم آشنائی با مسائل اقتصادی و مالی و مفهوم استقلال یک ملت ، بمیل و رغبت خود به امضاء چنین قرارداد های خانمانسوز ، که بطور قطع و در تمام شئون از یک ملت سلب اختیار و استقلال و مالکیت میکند ، تن در دهد . چیزی را که این قرارداد تجویز و تنفیذ مینموده عبارت از همان امپریالیسم مخفی و استعمار بدون پرچم است که از خصوصیات امپریالیسم مخفی دوران ماست . اصولاً سرمایه گذاری خارجی در یک رشته اقتصادی محتوی منع ملت از اقدام سرمایه گذاری و دارهای انتفاعی در آن رشته است چه رسد باین که ایمن سرمایه گذاری را امنای بمقیاس یک مملکت و کل اقتصاد یک ملت داشته باشند . نتیجه یک چنین سرمایه گذاری هایی این خواهد بود که ملت مورد هجوم به سطح باربران و چاریایان دولت هجوم کنند و سرمایه گذار تنز یا بدو عجزه ازلیسر ، و در لار ، از فعالیت اقتصادی کشور ، حادث میشود راه بانکهای خارجی را پیش گیرند

از مفاد موافقتنامه بخوبی پیداست که دولت ایران بدرجه عامل نظم و امور حفظ اموال کمیته تنزل نموده و حکومت واقعی را به اعمال کمیته تفویض کرده بود و این همان حالت روابط استعماری است که میان دولت های

شرکت داشته و قربانیان فراوان داده است . کلام روحانیت در مبارزه با سلطه غرب این بود که " تحسین و آموزش از صنعت غرب نباید بر تسلیم محض در برابر مطامع استعمارگران بیانجامد . ما باید روح و فرهنگ اسلامی و تمدن و دین اصیل خود را حفظ کنیم و شدت از آن دفاع کنیم " . و نیز معتقد بود که اگر پذیرش مضار غرب همراه با خوبیهای آن اجباری است باید همه آن خوبی ها و مزایا را همراه با معایبش طرد کرد . بدین سان همواره روحانیت و علمای اسلامی در مقام مخالفت با بیگانگان قدم علم کرده و حرکت کرده اند .

پاورقی از صفحه قبل

امپریالیستی و حکومت‌های خیمه شب بازی زمان ما برقرار است . وجود چنین قرارنامه در تاریخ استعمار در حقیقت مویذ این مطلب است که دولت‌های امپریالیستی حدود و شعوری برای مطامع و سود جوئیهای خود نمی‌شناسند و از هیچ نوع تجاوزی شرمگین نمی‌شوند و از غارت کردن و اسیر نمودن و به قرونیهستی کشیدن هیچ ملتی پرهیز نمی‌نمایند و تا آنجا که موفق به شکستن مقاومت ملت‌های فریفتن آنان به نحوی از انحاء گردند سفند سود جوئی و حرص بی پایان خود را با نهایت وقاحت پیش میرانند و در عین حال از تظاهر به مدنیّت و انسانیت و جانبداری از ملل ناتوان خود دری نمیکنند

..... پس از ۱۶ سال که مجادله میان دولت ایران و بارون جولیس رویتر در خصوص لغو قرارداد دوام داشت ناصرالدین شاه امتیاز تاسیس بانک شاهنشاهی را باو داد . طبق قرارداد جدید بارون رویتر یا شرکاء و عاملین او اجازه یافتند که بانک شاهنشاهی ایران را تاسیس نمایند و برای مدت پنجاه سال از مزایای یک چنین امتیاز و حشمتاکی بهره مند گردند . این قرارداد در واقع یک قرارداد خالص تاسیس بانک نبود چون در فصل یازدهم آن " امتیاز انحصاری کلیه معادن ایران از قبیل آهن ، مس ، سرب ، زغال ، سنگ ، گیوه ، نفت و غیره با استثنای معادن طلا و نقره و احجار قیمتی " به رویتر واگد ارشده بود . در این قرارداد از گمرکات و راه آهن صحبتی نیست چون همین موضوع راه آهن بود که روسها را علیه قرارداد اول رویتر برانگیخت و موجب لغو آن گردید . از عجایب مطلب اینکه چگونه مزدوران هفت خطی که پیرامون ناصرالدین شاه را

حرکت روحانیت در ایران

برای بررسی حرکت روحانیت در ایران باید به ریشه افکار آنان وقت کرد که براساس آن تمام حکومت‌هایی که از قدیم برای ایران حکومت کرده‌اند غیرقانونی و غیرشرعی محسوب میشوند. بدین لحاظ همیشه یک مبارزه دائم بین روحانیت و سیستم‌های حکومتی وجود داشته است. در دوره‌های قدیم که سیستم‌های حکومتی مردم تکیه نداشتند (و این کارطبیعی بود) این مخالفت‌ها بظاهر در مبارزات مردم و نوع حکومت‌ها جلوه نمی‌کرد ولی از وقتی که مسأله "حکومت مردم بر مردم" طرح می‌گردد و تزیاصطلاح "دموکراسی" عنوان می‌گردد، خواه ناخواه مسئله اپوزیسیون پیش می‌آید و در این هنگام روحانیت بصورت یک قدرت تجلی می‌کند. از نظر تاریخی اولین جلوه روحانیت بصورت تاثیر در حکومت و تحریک افکار عمومی در دوره فتحعلیناه (سال ۱۲۴۲ قمری) و جنگ‌های ایران و روس بروز می‌کند. البته در این جنگ‌ها ایالت‌های شمالی از ایران جدا می‌شود (ترکمنستان - قفقازستان - تاجیکستان - قسمتی از ارمنستان و

پاورنی از صفحه قبل

گرفته و بقول گننل شیل نوکری انگلیس را بتاج کیانی ترجیح میدادند از سادگی و جهل در یکتا توریسم، استفاده نمود و با و تلقین کرد که در آن امتیاز کلیه معادن ایران به رویتریا شرکا، از جمله بدولت بریتانیا، مفید خواهد بود مشروط بر آنکه معادن طلا و نقره و احجار قیمتی را برای خود نگهدارند. مستثنی کردن معادن طلا و نقره در هر دو قرارداد رویترناسی از اندیشه‌های قدیمی مربوط بقرون گذشته بود که طلا و نقره اساس حرکات و تلاش‌های تجار و کارانه ملل را میساخته است. بی‌خبری از احتیاجات قرن به سوخت و مواد نفتی موجب عدم توجه زمامداران ما بآینده نزدیک شده بود و مزدوری و رشوه‌خواری برخی از آن‌ها بر این واقعیت اساسی سرپوش می‌گذاشت.

بعد از این امتیاز طبیعی و قهری بود که رقیب شمالی بریتانیایی‌ها یعنی روس‌های تزاری نیز تقاضای امتیاز بانک استقراضی و کشیدن راه آهن جلفا به تبریز و صوفیان به شرفخانه و امتیاز انحصاری معادن اطراف راه آهن را بنمایند.

- نقل از کتاب میراث خوار استعمار - مهرماه ۱۳۴۴ - صفحات ۲۰۰ - ۲۱۱



ازبکستان) و ایران در مقابل روسیه تسلیم میگردد و اولین معاهده ننگی — کاپیتولاسیون برای ایران تحصیل میگردد (۱) و قهرمان مبارزات ضد روسی عباس میرزا " پسر یاد شاه وقت است که روحانیت و افکار عمومی از او پشتیبانی میکردند ولی بواسطه ضعف حکومت مرکزی و نابسامانی، در الحکمه، سقوط می کند و فتحعلیشاه که باصرار عباس میرزا بود ریحوبحه جنگ رضایت داده بود که فقط ۱۰ هزار تومان !! برای او بمنظور مقابله با روسها ارسال دارند مجبوره پرداخت کرده کرور تومان بعنوان غرامت جنگ به دولت روسیه گردید .

در اثر معاهد های که در محل " ترکمنچای " در ۲۲ فوریه ۱۸۲۸ (۵ شعبان - ۱۲۴۳) از جانب ولتین ایران و روس با امضاء میرسد خانان ایروان و نخجوان به ملکیت مطلق دولت روس واگذار میگردد . در همین قرار از ممنوعیت دولت ایران از ایجاد نیروی دریائی جنگی در بحر خزر تاکید شد و در فصل دوم عهد نامه مقرر گردید که يك مقاله نامه تجارتي نیز بعنوان متمم عهد نامه سیاسی میان دو دولت منعقد شود . این عهد نامه تجارتي که در همان تاریخ عهد نامه سیاسی ترکمانچای با امضاء رسید اساس استقلال مملکت و قدرت حاکمیت دولت ایران را مست ترکرد . در حالیکه دولت روسیه را واجد حقوق کاپیتولاسیون و حق مداخله در امور مربوط به اتباع روسی و مستخدمان ایرانی ماموران رسمی روس مینمود .

(۱) - " طبق این عهد نامه مقرر شد که قرار اد های تجارتي کتبی میان اتباع ایران و روسیه نه تنها در فتر حاکم (قاضی عرف) بلکه در کنسولگری روسیه نیز سه ثبت برسد تا در صورت وقوع منازعه و اختلاف میان طرفین این قرار اد ها مورد مقام مذکور مشترکاً مداخله نمایند (فصل دوم عهد نامه) . بعلاوه اتباع روسیه مجاز باشند که برای رفع حوائج گوناگون خود نه تنها امکانهای را اجازه نمایند بلکه بتوانند امکنه مورد لزوم را خریداری نمود و بحیطه ملکیت خود در آورند و ماموران دولت ایران نیز مجاز نباشند که عنفاً و بدون کسب اجازه از مقامات سیاسی روس و بدون حضور نمایند ه ایشان وارد آن امکنه گردند (فصل پنجم) . همچنین در فصل ششم عهد نامه تجارتي مقرر گردید که مستخدمین ایرانی ماموران سیاسی روس نیز از مقررات مربوط باتباع روسیه و از حمایت سفارت آن دولت برخوردار باشند و اگر

واقعهای که پایه جنبش روحانیت بطور اخص و نهضت ملی ایران بطور اعم میگردد، موضوع "قیام تنباکو" است که چون پیروز شد همه بدان استناد می کنند و بخوبی مشهور است .

در این دوران (سال های نیمه دوم قرن نوزدهم) سید جمال الدین اسدآبادی یا افغانی ظهور می کند . سید جمال بهمه کشورهای اسلامی و تعدادی از کشورهای اروپائی مسافرت می کند و سیستم استعمار و وابستگی استبداد داخلی و استبداد خارجی را درک می کند و با آن مبارزه برمیخیزد . برای مبارزه با دشمن خارجی، اختلافات مذهبی داخلی را کنار میگذارد و تحت عنوان " کتاب واحد " " پیغمبر واحد " و " خدای واحد " به تبلیغ و مبارزه میپردازد . چون سیاست خارجی بر مبنای " تفرقه بینداز و حکومت کن " مستقر شده بود و او این شعار " اتحاد " را حمل می کرد و علاوه معتقد بود که جوامع اسلامی از مفهوم واقعی اسلام دور شده اند و باید به این " عروة الوثقی " برگردند ، بهمین علت روزنامه اش در فرانسه " عروة الوثقی " نام گرفت .

پاورقی از صفحه قبل

چنانچه فردی از این افراد مرتکب جنحه ای شد مقامات ایرانی حق نخواهند داشت که بدون اجازه مقامات روسی او را تحت تعقیب قانونی قرار دهند . مقامات روسی نیز هنگامی بچنین امری رضا خواهند داد که از جانب مقامات ایرانی دلایل کافی بر مجرمیت او ارائه داده شود . در فصل هفتم نیز مقرر گردید که " تمام امور متنازع فیها و مرافعاتی که مابین اتباع روس بوقوع میرسد موافق قوانین و رسوم دولت روسیه قتل برسدگی و حکم سفارت یا کنسولگریهای اعلی حضرت امپراتور روسیه رجوع خواهد شد و همچنین است اختلافات و دعاوی واقعه میان اتباع روس و اتباع مملکتی دیگر . اما اختلافات و مرافعاتی که مابین اتباع ایران و روسیه بظهور رسد مراجعه بحاکم شده ، رسیدگی و حکم آن باید در حضور نماینده رسمی سفارتخانه صورت پذیرد . " فصل هشتم نیز مقرر است که " اگر شخصی از اتباع روس با اتباع مملکت دیگری متهم به جنایتی گردید مورد هیچگونه تعرض و مزاحمتی نخواهد بود مگر در صورتیکه شرکت او در جنایت مدلل و ثابت شود . در این صورت محاکم مملکتی نباید بدون

بطور مختصر سید جمال یکی از اولین شخصیت‌های بیدارکننده کشورهای اسلامی در قرون اخیر و از هنگام ظهور استعمار در جوامع اسلامی است. نهضت‌هایی را پایه‌گذاری کرد که مقدمه جنبش‌های عمیق اجتماعی در نقاط مختلفه شد. بعنوان مثال در مصر که از نظر فکری و اجتماعی کامی جلوتر از سایر کشورهای اسلامی بود و او بهتر می‌توانست افکار خود را در آنجا پیاده کند، " حزب الوطنی " را در آنجا تاسیس کرد و بعد های از شخصیت‌های مصر نظیر محمد عبده در آن جمع شدند. پایه‌ایده ثلوثی که این حزب " اسلام " بود و از نظر روش و خط مشی تصمیم داشت که احکام اسلامی را به مرحله اجرا بگذارد. و در مدت یکماه عمر کوتاه خود اجتماع مصر را تکان داد و مقادیر زیادی به حکومت غالب که در دست انگلیسی‌ها بود زیانهای سیاسی و اقتصادی وارد آورد. عده زیادی از شخصیت‌های مصری از همکاری با حکومت وقت خود داری و از سمت‌های خود استعفا کردند. مصنوعات انگلیسی بایکوت شد. بانکهای انگلیسی مقدار زیادی از سرمایه‌های خود را از دست دادند. وضع بجائی رسید که دیگر امامه آن برای انگلستان قابل تحمل نبود و نخست وزیر وقت انگلستان " گلاستون " قرآن را در پارلمان انگلستان بسر دست گرفت و به نمایندگان گفت: "تا وقتی که این قرآن در میان این مردم یعنی مصریها وجود دارد تسلط ما متزلزل است". و این سبب شد که " حزب الوطنی " غیرقانونی اعلام شود و همه رهبران و اعضاء آن به تبعید و شکنجه و زندان محکوم شدند ولی این مبارزات بعداً بوسیله محمد عبده و یارانش در مصر دنبال شد و پایه نهضت‌های بعدی گردید. مثال دیگر:

در ایران مسئله از این عمیق‌تر بود. یکی از شاگردان سید جمال شاه وقت است،

پاورقی از صفحه قبیل

حضور ما در سفارت بمسئله جنایت رسیدگی نمود و حکمی صادر نمایند. اما پس از آنکه کما هو حقه تقصیر شخص مجرم به ثبوت رسید و حکم صادر شد او را بمقامات روسی تسلیم خواهند نمود که بروسیه فرستاده شده، در آنجا موافق قوانین مجازات گردد. این معاهدات، چنانکه ملاحظه شد، موجب تزلزل اساس استقلال مملکت و حق حاکمیت دولت شد چه بعد از انعقاد عهدنامه ترکمانچای اساس روابط

ناصرالدین شاه را ترور کرد و اولین مبارزه ضد استعماری علیه کمپانی انگلیسی "جنرال تالبوت" در همین زمان بوقوع پیوست. ناصرالدین شاه را به انگلستان دعوت کرده بودند و تالبوت با دادن رشوه به اطرافیان شاه انحصار توتون و تنباکو را برای مدت ۵۰ سال بدست آورد و این شرکت انگلیسی برای اجرای قرارداد خود حتی سربازوزاندارم به ایران آورد و هرکسی را که کمی توتون و تنباکو در اختیار داشت بزند انانداخت و شکنجه کرد. سید جمال بمبارزه برخاست و اگرچه از ایران تبعید شده بود و شخصاً نمیتوانست رهبری مبارزه را بدست گیرد ولی با برنامه های روشنگرانه خود در بیداری روحانیت مردم می کوشید و راهنمایی های او خیلی موثر بود مبارزات مردم به رهبری روحانیت شروع شد. رتهران این مبارزات بخون کشیده شد و عده های از طلاب دینی کشته شدند و رهبر مبارزات آیت الله آشتیانی بزند ان افتاد و توقیف شد و عمین امر سبب وسعت مبارزه گردید، ناجائی که مرجع وقت، آیت الله شیرازی در سامرا، حکم تحریم تنباکو و توتون را صادر کرد و همه ملت ایران، همه یکجا از حکم او بیروی کردند و کمپانی انگلیسی ورشکست شد. نفوذ این حکم تا حدی بود که حتی خدمه شاه از آوردن قلیان برای او خوداری می کنند و آنرا می شکنند. و این اولین مبارزه وسیع و موفق روحانیت علیه نفوذ خارجی در دوره اخیر است، که با پیروزی صد درصد خاتمه پیدا می کند و نیز در عمین دوره است (بعد از ظهور استعمار) که روحانیت بقدرت و ارزش خود در دنیا جدی پدید آگاه میشود.

در این زمان، ایران بین دو استعمارگر بزرگ روس و انگلیس مورد دست اندازی است. و بقول "کروزن" سفیر کبیر انگلیس در ایران - کشور ایران مانند

پاورقی از صفحه قبل

ایران بادول اروپائی بر مبنای مواد عمین عهدنامه استوار گردید. پیش از همه انگلیسها کوشیدند که از حقوق کاپیتولاسیون برخوردار گردند. علاوه بر این، گرفتاری مالی ایران در این عهد وسیله ای شد که انگلیسها بتوانند، با پرداخت دو بیست هزار تومان بدولت ایران، رضایت این دولت را برای الغاء مواد سوم و چهارم قرارداد نوامبر ۱۸۱۴ ایران و انگلیس جلب نمایند. دولت بریتانیا

يك صفحه شطرنج است که روس وانگلیس برای مات کردن همد یگدر آن مبارزه می کنند . وبه ازای هر عمل یکی از این دو دولت ، دولت دیگر عکس العمل نشان می دهد که جزید بختی وضعف وشکست ایران نتیجه ای دیگرند ارد .

در اوائل قرن بیستم مبارزه ملت به رهبری روحانیت ادامه می یابد وبه انقلاب مشروطیت ختم میگردد . ملت تشخیص می دهد که برای کسب استقلال سیاسی واقتصادی باید اول دست استبداد را قطع کرد وحکومت مردمی بوجود آورد . مبارزات عمیقی بوقوع پیوست که بالاخره در سال ۱۹۰۶ قانون اساسی ایران به تصویب رسید وحکومت پارلمانی بوجود آمده که در آن روحانیت نقش بزرگی داشت . مساجد مراکز روشنگری بود وبزرگترین شخصیت علمی ومذهبی آنروز " آیت الله نائینی " بافتوای خود بمشروطیت صحه گذاشت واز نظر اسلامی حکومت مشروطه را بر استبداد ارجح دانست . البته آیت الله نائینی توجیه داشت که حکومت مشروطه يك حکومت اسلامی نیست ولی آنرا بعنوان پیش قدم اول تجویز کرد زیرا بقول او : در اسلام سلطنت معنائی ندارد وشخصی مسئولیت هیچ مفهوم واختیاری در سیستم اسلامی ندارد . بنابراین روحانیت نمیتوانست با حکومت سلطنتی ومشروطه بطور مطلق موافق باشد وحتى بعضی از روحانیون بزرگ بر همین مبنا بمشروطیت مخالفت کردند . از جمله آیت الله نوری که اود مقابل ، حکومت مشروعه را بعنوان میکرد .

پاورقی از صفحه قبل

طبق فصل چهارم آن قرارداد متعهد شده بود که در صورت حمله يك دولت ارویائی بخاک ایران کمک نظامی بامد از ایران بفرستد یاد ر عوض سالی ۲۰۰ هزار تومان کمک مالی باین دولت بدهد . تمام سالهای جنگ دوم ایران و روسیه مشمول این کمک میگردد . اما انگلیسها نه تنها از ادای چنین تعهد اتسی امتناع نمودند بلکه به مجرد اینکه دولت ایران برای پرداخت غرامت کلان در هکروور تومان دچار فشار مالی گردید پیشنهاد معامله ای را تسلیم نمودند که بموجب آن ، تعهدات فصول سوم و چهارم قرارداد در رازا پرداخت فقط دویست هزار تومان باطل میشد . این معامله بسهولت انجام پذیرفت و پس از آن ، بزرگیکه

روحانیت و بطور کلی مردم قدم بمیدان مبارزه گذاشته بودند . ولسی
رشد سیاسی لازم برای رهبری این مبارزات وجود نداشت . وقتی استعمار
دید که نمیتواند جلوی قیام مردم را بگیرد از راه خدعه و فریب وارد شد و در همان
حکومت مشروطه نفوذ کرد و روحانیت را کنار زد و همان عمان و ایادی سابق خود را ،
این بار در لباس دموکراتیک بر ملت ایران تحمیل کرد و روحانیت نیز بعلت عدم
رشد سیاسی کافی بتصور اینکه با تصویب قانون مشروطیت کار آنها پایان یافته
عملاً از صحنه سیاست و مبارزه بیرون کشیدند و قدرت یکسره بدست عمال خارجی
افتاد (نظیر وثوق الدوله و عین الدوله که در حکومت های استبدادی صدر -
اعظم بودند و حالاً نخست وزیر مشروطه شدند) .

ملت آرام آرام بیدار میشد و علیه فساد و استبداد و استعمار نوس
می جنگید و قیام های متعددی در نقاط مختلف ایران بروز کرد نظیر قیام
میرزا کوچک خان که یک مرد مذهبی بود و در جنگ های گیلان قیام کرد و سالها
جنگید (۱۹۱۵) و بالاخره در سال ۱۹۲۰ کشته شد . قیام کنتل محمد تقی
خان پسیان (۱۹۲۰) در مشهد بود که منجر به قتل او شد و نیز قیام شیخ محمد
خیابانی در سال ۱۹۱۹ . شیخ محمد خیابانی " امامت مسجد جامع و مسجد
کریمخان تبریز " را بر عهده داشت . در دوره ای که مردم فقیر و گرسنه و قحطی
زد و باینجه سد جوع میکردند و دلیرانه برای کسب آزادی مبارزه مینمودند -
خیابانی نیز در صف مقدم جنبش توده قرار میگرفت و همان طوری که در مسجد رهبر
و راهنمای آنها بود ، در سنگر نیز آنها را تنها نمیکند او بیوندد
ناگسستنسی باتوده مردم لخت و گرسنه داشت و نفع خود را جده از نفع آنان
نمیدانست خیابانی گاهی مانند سایر مجاهدان ، بالباس روحانی

پاورقی از صفحه قبل

از آن عهد نامه باقی ماند ، تعهدات کمر شکن ایران در قبال دولت انگلیس بود .
از این بعد دولت بریتانیا روابط خود را با ایران بعهده حکومت انگلیسی هند
گذاشت و در حقیقت امور ایران را در جزو امور آن مستعمره بحساب آورد .

از کتاب میراث خوار استعمار - ص ۴۰۸ و ۴۰۹

وتفنگ در دست، در سنگرهاید فاع میبرد اخت وزمانی که یاس و خستگی در دل - مبارزان خانه میگرد، با سخنان آتشبار و شورانگیز خود، آنها را به پایداری دعوت مینمود * (۱) .

* جنبش خیابانی ادامه جنبش مشروطه و نهضتی علیه نفوذ بی حد و حصر بیگانگان، مخصوصاً قرارداد ۱۹۱۹ بشمار میروید چنانکه شیخ ضمن نطقهای که ایراد کرده، منظور هدف قیام ملی را به وضوح بیان داشته است . * امروز رسماً به جهانیان اعلام میکنم ما علیه این حکومت که قرارداد خانمان براند از و شوق الدوله وانگیس را منعقد کرده، قیام کرده ایم و صراحتاً اعلام میداریم تا زمانی که دولت ملی و وطنپرست روی کار نیاید و به اصلاحات اساسی دست نزنند و استقلال کشور را تحکیم نکنند و قانون اساسی را مجری ندارند دست از قیام بر نخواهیم داشت و با تمام مردم ایران دست بدست هم داده کشور خود را از گرداب فلاکت و زیرتگاه نابودی نجات خواهیم داد * (۲) .

در قرن ۱۸ و ۱۹ ما شینیم در اروپا روزه کمال میبود و کشورهای اروپایی بیش از پیش مواد خام احتیاج پیدا می کنند و برای کسب انحصارات به ایس کشورهای سرازیر میشوند و بهمین علت سعی دارند که حکومت ها را بطور مستقیم یا غیر مستقیم زیر نفوذ خود در آورند .

اولین امتیاز مهم نفتی ایران با انگلیس در سال ۱۲۸۷ (بسال ۱۸۷۲ همراه با امتیاز استخراج و بهره برداری از تمام مواد معدنی ایران، تمام ارتباطات انحصار انتشار اسکناس، جنگلها، گمرکات، راه آهن برای مدت ۶۰ سال داده میشود . در اوایل قرن بیستم، ارزش نفت در برتری اقتصادی، سیاسی بمنزله ظهور می رسد و در ۱۹۰۱ امتیازنامه ویلیام ارسی با حکومت وقت ایران امضا میشود که بر اساس آن بمدت ۶۰ سال انحصار مواد نفت ایران در اختیار انگلستان قرار میگیرد که فقط ۱۵ درصد سهم ایران و ۸۵ درصد سهم کیانی

(۱) - کتاب د و مبارز جنبش مشروطه، رحیم رئیس نیا، عبدالحسین ناهید

اسفند ماه ۴۸ - تبریز صفحات ۲۳۲ - ۲۳۴

(۲) - همان مدرك ص ۲۹۳ بنقل از کتاب * قیام شیخ محمد خیابانی *

انگلیسی میگردد . در سال های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ جنگ جهانی اول ، نفت ایران یکی از عوامل مهم پیروزی انگلستان بر آلمان میگردد و بنابراین دولت انگلستان سعی میکند که نفوذ خود را در حکومت ایران پیش از پیش عمیق کند و همچنین قیامها و انقلابات داخلی مردم را سرکوب نماید و برای تحقق بدین امر در وجهت سیاسی و فرهنگی شروع بکار می کند . نفوذ سیاسی بمنظور ایجاد حکومتی مرکزی و سازمان یافته و مقتدر با ارتشی مجهز که بتواند حرکت های انقلابی را از بین ببرد و نفوذ فرهنگی بد آن منظور که عوامل حرکت در هندة جامعه و انگیزه قیامها و نهضت های استقلال طلبی را که همان ارزش های مذهبی بود از هستی ساقط نماید یا لا اقل دچار وقفه و سکون نماید . و از این جا بود که موج غرب زدگی و تجدد مآبی را بوجود می آورند و تقویت می کنند .

در اجرای همین سیاست بود که رضاخان بایک کودتای نظامی بر سر کاری آید و با کمک ایادی بیگانه سلسله پهلوی را ایجاد می کند .

بزرگترین رهبران مذهبی و سیاسی آنروز تحمیل کردن رضاخان را بر ملت نمی پذیرند و با او به مبارزه برمی خیزند ولی یکی بعد از دیگری توسط حکومت ترور و خفقان کشته ، نابود و یا تبعید میگردند . از بین این مبارزان ، دو شخصیت بزرگ ، مقامی برجسته دارند که در این جا لازم الذکرند .

یکی آیت الله سید حسن مدرس که رهبر بزرگ مذهبی آنروز بود و عمیق ترین و پر شورترین مبارزات علیه حکومت توسط او رهبری میشد . آیین مرجع بزرگ بدست رضاشاه شهید گردید .

شخصیت دیگر دکتر مصدق بود که تبعید و زندانی شد و تا آخر حکومت رضاشاه نتوانست خود نمائی کند .

در دوران رضاشاه فعالیت های زیادی برای کوبیدن روحانیت انجام گرفت ، معیارهای غربی به ایران سرازیر شد ، روحانیت مقاومت میکرد و رضاشاه با حکومت سرنیزه آنها را می کوبید . یکی از این وقایع خونین ، واقعه مسجد گوهرشاد در مشهد است که عده زیادی از مردم برهبری روحانیت تجمع کردند و نبودند و رضاشاه در صحن مقدس مسجد آنها را به گلوله بست و صد ها نفر را در آنروز قتل عام نمود .

استعمار احساس میکرد که روحانیت یکی از سنگرهای مہمفد استعماری است و باید از بین برد مشود، گرچه رضاشاه در اول کار فریبکارانه در مراسم مذهبیهی شرکت میکرد و بیتر از حد به مذهب تظاهر میکرد، ومثلاً شمع بدست می گرفت و در جلو مراسم حرکت میکرد تا نظر مردم و روحانیت را جلب کند ولی پس از تسلط بر کار و قدرت حکومتی تمام کوشش خود را صرف آزریشنه کردن سنگرهای فرهنگی ومذهبیهی ایران نمود.

قدرت دیکتاتوری رضاشاه در سال ۱۳۲۰ شمسی از بین رفت و ملت کمی آزادی یافت ولی بعلمت خلافت بزرگی که در دوران ۲۰ ساله حکومت رضاشاه بوجود آمده بود وهمچنان بعلمت جدائی بزرگی که معیارهای غربی بین روحانیت و روشنفکران بدلی بوجود آورده بود، حزب کمونیستی توده که در زمان رضاشاه تاسیس یافته بود، قدرت فراوان بخود گرفت. ولی تکرار این نکته ضروری است که حزب توده ایران جزعاملی در دست حکومت روسیه شوروی نبود و جز خیانت ومخالف منافع ایران کاری نکرد. (توضیح بیشتر را خواننده میتواند از کتاب مدافعات مہمندس بازرگان در ادگاہ نظامی صفحات ۱۱۶ ببعد دریابد) در این هنگام دکترمصدق که هنوز زنده مانده بود وارد عرصه سیاسی شد وخلافت سیاسی راپرکرد واز نظریکردن خلافت مذهبیهی، اولین سازمان مذهبیهی در سال ۱۳۲۱ بنام انجمن اسلامی دانشجویان در تهران تشکیل شد که مہمندس مہدی بازرگان، آیت الله طالقانی و دکتریداله سبحانی در مقام هدایت ورهبری آن قرار داشتند.

در سال ۱۳۲۵ آیت الله کاشانی از عراق به ایران آمد و برای ایجاد ارتش مذهبیهی دست به فعالیت زد، برنامه کاشانی این بود که به ظمسطین رود وباصیونیسیم بجنگد.

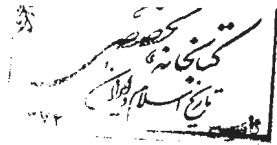
ورود آیت الله کاشانی با استقبال بی نظیری روبرو شد و در ایران ایجاد هیجان وحرکت کرد. او در صد و تجمیع قوا برمی آمد که فرمان آتش بس در جبهه اعراب واسرائیل (در سال ۱۹۴۹) پذیرفته شد و برنامه کاشانی عقیم ماند. از این ببعد کاشانی مبارزات خود را در رکاب نهضت ملی ایران ادامه داد و یکی از پایه های مہم پیروزی دکترمصدق ونیز جبهه ملی گردید. چون دکترمصدق

روشنفکران و دانشجویان راتجهیز میگرد و کاشانی بازار تود مه‌ای مسلمان رابه
صحنه مبارزه می کشید . از این لحاظ مد اخله و فعالیت روحانیت د ر این روزگار
نیز عامل بسیار بزرگی د ر پیروزی مصدق علیه انگلستان بود که منجر به ملی شدن
نفت ایران گردید .

نهضت روحانیت و رهبری کاشانی سبب شد که گروه‌های مذهبی توسعه
و نفوذ زیادی پیدا کنند . لذ اگر و ه‌های مختلفی و بانام‌های مختلفی بوجود
آمدند نظیر، " مجاهدین اسلام " و " فدائیان اسلام " و
فدائیان اسلام تحت رهبری نواب صفوی تشکیل گردید و د آغاز کار از طرفد اران
سرسخت کاشانی بودند و کاشانی نیز از آنها بشدت حمایت میکرد . چند فرقه
عملیات فدائیان اسلام از جمله ترور چند تن از نخست وزیران ایران که از همه
مهمتر هژیر و رزم آرا بود هم باعث شهرت فوق العاده آنان گردید و هم تاثیر
فراوانی د ر پیروزی نهضت ملی ایران گذارد زیرا اعمال خارجی رابشدت ترسانده
بود . متاسفانه این گروه بعلت عدم کار متشکل سازمانی و نداشتن برنامه عینی
و نیز بعلت افراط د ر روحیه لغتشاشجویانه از کاشانی جدا شدند و حتی مرحوم دکتر
حسین فاطمی وزیر امور خارجه مصدق راهد ف گوله قرار دادند که منجر بمرک اوتشد .
فعالیت این گروه با عدم رهبران آن و شخص نواب صفوی بدست شاه ایران پایان
یافت .

نواب صفوی د ر طول حیات خود بمصر آمد و بارهبران حزب اخوان المسلمین
تماس گرفت و با آنان به تبادل افکار پرداخت و نیز د رصد ایجاد حکومت اسلامی
برآمد ولی متاسفانه همانطور که گفته شد برنامه عطلی هیچ نداشت . نواب هر چند
قدرت کلام فوق العاده و تاثیر جادوی بر پیروان خود داشت و برنامه‌های انقلابی
اورایی چون و چرا انجام می دادند ولی د ر عمق از یختگی علمی و تجربیات سیاسی
بهره مند نبود و بهمین دلیل مبارزات او با مرگش پایان یافت .

حکومت د کتر مصدق با مشکلات زیادی از خارج و داخل روبرو گردید .
اتحاد آمریکا و انگلستان علیه د کتر مصدق ، سکوت و همکاری روسیه شوروی با جناح
غرب و مخالفت و کار شکنی‌های حزب توده د ر داخل علیه مصدق ، خرابکاری‌ها و
قدرت د ر براریان د ر داخل ، محاصره اقتصادی ایران توسط دول غرب ، بایکوت



کردن نفت ایران از طرف تمام قدرتهای خارجی و بالاخره اختلافات داخلی
ملیون سبب شد که حکومت دکترو صدق در کودتای ۲۰ ملیون د لاری سازمان
جاسوسی " سیا " در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سقوط کند .
بعد از سقوط صدق در سال ۱۳۳۲ ، همان گروه مذ هیمی که بیشتر در
انجمنهای اسلامی کار میکردند ، متشکل شدند و نهضت مقاومت ملی را پایه
گذاری کردند . نقش موثر این نهضت را مهندس بازرگان ، آیت الله طالقانی
آیت الله زنجانی ، آیت الله فیروزآبادی و اعضای قدیمی انجمن اسلامی بعهده
داشتند و بعداً سالیان دراز اکثر آنها در زندان و شکنجه بسر میبردند .
این مبارزات مذ هیمی همراه با مبارزات سیاسی اوج گرفت تا زمان پرزیدنت
کندی در آمریکا که رفرم و اصلاحات ارضی بر ایران تحمیل شد و موازات آن مقداری
آزادی نسبی در ایران داده شد و کتر علی امینی عامل سیاست آمریکاد رایران
به نخست وزیری رسید . در این هنگام نهضت مقاومت ملی خود را منحل کرد
و جبهه ملی دوم را با اشترک رهبران دیگر جبهه ملی زمان صدق ، پایه گذاری
کرد . جبهه ملی دوم دست به تظاهرات و میتینگ بزرگی زد و مجدداً بعد از ۲۸
مرداد برنامه و خط مشی صدق و نام او بر سر زبانها افتاد .
در این هنگام آیت الله بروجردی مرجع تقلید فوت کرد و شاه سعسی
داشت که مرجعیت را از ایران به عراق منتقل کند و بعد از ارسال تلگراف تسلیمیت
به آیت الله حکیم در نجف مردم را غیر مستقیم تشویق کرد که از او تبعیت کنند و نیز
کوشش داشت که روحانیت را به سکوت و سکون محکوم کند . ولی مبارزین روشن
و خصوصاً انجمنهای اسلامی دانشجویان برهبری بازرگان و طالقانی و طرفدارانش
یک سلسله فعالیت هائی را راه انداختند که مرجعیت از حالت سکون بدرآید
و رو در رو با استبداد و استعمار مبارزه کند و نیز مردم را به طرف مراجعی که
بینش سیاسی بیشتری داشتند سوق دادند که از این میان میتوان ، آیت الله
خمینی ، آیت الله میلانی و آیت الله قمی را نام برد . هماهنگی و همکاری این
مراجع و مبارزات وسیع آنان نقطه عطفی بود در تاریخ مبارزات مذ هیمی علیه استعمار
و استبداد . در این حرکت اسلامی ، آیت الله خمینی مقامی مشخص پیدا کرد
و با کمک گروههای مذ هیمی و بخصوص جوانان دست به روشنگری وسیعی زد و محور

مبارزاتش علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی بود. به صیونسیم سخت حمله کرد و به نفوذ آمریکا و صیونسیم در ممالک اسلامی و ایران اعتراض میکرد و مردم را برای مبارزه با این قدرت ها تهییج نمود. دامنه فعالیت روحانیت و روشنگری آنان بر هبری آیت الله خمینی بسیار وسیع شد و برای اولین بار در تاریخ روشنگری ایران، روشنفکران، دانشجویان دانشگاهی و طلاب علوم دینی دوش بدوش هم تحت رهبری خمینی علیه رژیم شاه بمبارزه برخاستند. این مبارزات به دهقانان نیز کشیده شد و تا بجائی رسید که شاه و امپریالیسم دیگر نمیتوانست این قدرت بزرگ مذهبی را تحمل کند، بنابراین بمبارزه خطرناکی دست زد و آن اینکه در تظاهرات مذهبی عاشورای سال ۸۳ (خرداد ۴۲) که مبارزات مذهبی به اوج شدت خود رسیده بود و بیش از صد هزار نفر از دانشجویان روشنفکرو طلبه و دهقان و بازاری و سایر طبقات مردم در تهران و نیز توده های عظیمی در شهرستانها خصوصاً قم و مشهد و شیراز بطور آرام تظاهرات میکردند و شعارهای آنان شعارهای عمیق اجتماعی نظیر "ان الحیوة عقیده و جهاد" و نیز شعارهای سیاسی علیه استبداد و استعمار بود و در قم آیت الله خمینی شخصاً منبر میرفت و بروشی بسیار منطقی و روشنگرانه استعمار و استبداد را رسوا کرد و حتی یکبار قانون اساسی را بردست گرفت و گفت "حکومت شاه حتی علیه این قانون است و اضافه کرد قانون اساسی خونبهای پدران ما است، از او دفاع خواهیم کرد" و خلاصه درخواست کرد که آزادی و حکومت مردم جایگزین دیکتاتوری شاه گردد. در این هنگام بود که شاه فرمان دستگیری او را صادر کرد و روز بعد صد ها هزار نفر از طرف ایران خمینی و حرکت اسلامی به خیابانها ریختند و آزادی او را خواستار شدند. حتی عدای بکا خهای سلطنتی حمله کردند و برای اولین بار شعارهای انقلابی که "ما شاه نمی خواهیم" "شاه باید نابود گردد" "زنده باد خمینی" "از توده های مسلمان شنیده شد و مبارزات خونینی بوقوع پیوست که چندین روز ادامه یافت، نقطه اوج این مبارزه ۱۲ محرم بود که متجاوز از ۱ هزار نفر کشته شدند و برای اولین بار نیز دهقانان در این مبارزات ضد شاهي شرکت کردند و صد ها نفر از آنان کشته شدند.

این حرکت با دادن بیش از ۱ هزار قربانی، از نظر نظامی کوفته شد

زیرا خود را برای يك مقابله نظامی آماده نکرده بود و نظرش فقط جنبه روشنگری داشت ولی استعمار میدانست که اگر جلوی این مبارزات را آزاد بگذارد، پس از مدتی سازمانهای انقلابی دیگری از میان آنها خواهد جوشید که برای بدست گرفتن حکومت آماده گی لازم سیاسی و نظامی را کسب خواهند کرد و در این صورت نابودی آن محال و یا لاقابل بسیار مشکل میبود . بهمین علت شاه میخواست که قبل از پایه گرفتن سازمانی این حرکت اسلامی با روحانیت و آنان مقابله کند و لذا اکتبر گاه ۱۵ خرداد (۱۲ محرم) را بوجود آورد و برای اولین بار فرمان " آتش بقصد کشت " را صادر کرد و خود را بین از پیش رسوان نمود .

آیت الله خمینی بزند ان افتاد و این مبارزات اگرچه کوفته شد ولی همچنان مخفیانه ادامه یافت و شاه فهمید که قادر به از بین بردن روحانیت و خصوصاً تاثیر خمینی در مردم نیست لذا او را آزاد کرد ولی خمینی دست بردار نبود و پس از آزادی بر مراتب شدیدی تر از سابق بمبارزه ادامه داد و خصوصاً آمریکا و صیونیزم را بشدت مورد حمله قرار میداد .

در این هنگام لایحه مصونیت مستشاران آمریکا در مجلس ایران به تصویب میرسد که خمینی سخت برمی خورد و این بار بسیار صریح و عمیق و باشدت هر چه تا متمر رژیم و دست نشاندگان خارجی و اسرائیل را بشدت مورد حمله قرار می دهد و به ارتش و سیاست و روحانیون و عموم طبقات اعلام خطر می کند و مردم را برای يك تظاهرات آرام و اعتراضی بسیج می کند و باروشن کردن صریح و قطعی نقش خائنانه دولت و مجلس و وظیفه ملت را در مبارزه با آنها روشن می کند ولی قبل از اینکه به این کار موفق شود او را مجدداً دستگیر و از ایران به ترکیه و سپس به عراق تبعید می کنند .

گفتیم که نهضت اخیر روحانیت و تظاهرات و قیام آنان با ۱۵ خرداد (۱۲ محرم) از نظر نظامی سرکوب شد ولی از جهات دیگر منشاء اثرات سیاسی شد که زیلا تیتروار ذکر میشوند :

- تکوین و ایجاد گروههای مسلح انقلابی
- تبدیل مبارزات سیاسی از روش پارلمانی به روش مسلحانه و انقلابی
- رسوای شدن مطلق شاه و سلطه داخلی او
- شناخت واقعی امپریالیسم و سلطه غرب

— دریافت عمیق مفهوم " استقلال " سیاست " موازنه منفی " —
— آشنائی و لمس نئوکنالیسم .
— مبارزات روحانیت با تسلط سرمایه داری غرب و صیونیزم که منجر به شهادت آیت الله سعیدی گردید .
— در زمره عطیات حرکت های اسلامی میتوان ، تشکیل " حزب ملل " اسلامی را نام برد که در صد قیام مسلحانه بودند و رهبری آنان را حجت الاسلام حاجتی کرمانی و آقای بجنوردی که فرزند یکی از روحانیون نجف است بعهده داشتند . این گروه ۵۳ نفری دستگیر میشوند . گروه دیگری نخست وزیر وقت منصور را ترور کردند که ۴ نفر آنان از جمله بخارائی بر روی هفت تیرشان آیه قرآن را نوشته بودند دستگیر و اعدام میشوند . و نیز از افراد آنان که جزه گارد داخلی و محافظ شاه بود بنام " شمس آبادی " بارگبار مسلسل پشه شاه حمله کرد ولی قبل از کشتن شاه توسط افراد دیگر گارد کشته میشود .
در حال حاضر جنبش های انقلابی و یارتیزانی در ایران شروع شده که تا حدود زیادی از جنبش مقاومت فلسطین متأثر است .
دستگاه های تبلیغاتی بین المللی و استعمار کوشش دارد که این حرکت ها را حرکتی کمونیستی معرفی کند تا بدینوسیله از طرف مردم و مسلمانان بیدار و متعهد دیگر بلاد اسلامی — بر اساس تجربیاتی بسیار منفی که از گروه های کمونیست و وابسته دارند — استقبال و تأیید نگردند .
اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در حال حاضر وخیم ترین مراحل خود را طی میکند و آثارشوم استعمار — بنا بر گفته آیت الله خمینی — در این سرزمین بین از هر کشور دیگر خاورمیانه بچشم میخورد .
بدون شك حرکتی که آغاز شده و نسل جوان و دردمند مسلمان پهبستاز آن و ضامن بقا و پیروزی آن هستند نقطه امیدی است که هر انسان متعهد را بسوی خود میخواند و یاد دیدن پرده های یاس و افسردگی و خمی سوئی و محافظه کاری ، راه نجات و حیات مستقل این جامعه را نشان می دهد .
" پایان "

مآخذ و منابع این سلسله مقالات :

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه - شرح محمد عبده
- ۳- سلسله سخنرانی های آقای مرتضی مطهری در تهران - خدمات متقابل اسلام و ایران
- ۴- تاریخ اجتماعی ایران - دکتر موسی جوان
- ۵- نظام اجتماعی مغول یا فتود الیسم خانه بدوشی، ولاد یمیرتسف - ترجمه شیرین بیانی
- ۶- پیشرفت سریع اسلام، دکتر واگنری
- ۷- انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، دولیسی اولیری - ترجمه احمد آرام
- ۸- تاریخ اجتماعی ایران - سعید نفیسی
- ۹- حقوق زن در اسلام و جهان - یحیی نوری
- ۱۰- مکتب مبارز شماره های ۱۲، ۸ و ۱۳
- ۱۱- عدل الهی - مرتضی مطهری
- ۱۲- اسلام و فرهنگ قرن بیستم - سید موسی صدر - لبنان
- ۱۳- کارنامه سه ساله - جلال آل احمد
- ۱۴- محمد خاتم پیغمبران، حسینییه ارشاد
- ۱۵- سه سال در ایران، کنت گوینسو
- ۱۶- اسلام شناسی - دکتر علی شریعتی
- ۱۷- تاریخ و جامعه شناسی ادیان - درسهای دکتر علی شریعتی - تهران
- ۱۸- فلاسفه شیعه - عبد اله نعمه - ترجمه سید جعفر غضبان
- ۱۹- تاریخ علم - جورج سارتون - ترجمه احمد آرام
- ۲۰- معارف اسلام در جهان معاصر - شرکت سهامی کتابهای جیبی
- ۲۱- میراث خوار استعمار - تهران ۱۳۴۴
- ۲۲- اصول فلسفه و روش رئالیسم - علامه طباطبائی
- ۲۳- مداخلات مهندس مهدی بازرگان در ادگاه نظامی
- ۲۴- سید جمال الدین حسینی - هدر وائتسی
- ۲۵- دومبارز جنبش مشروطه - چاپ شفق - رحیم رئیس نیا - عبد الحسین ناهید

- ۲۶ - سید جمال الدین اسدآبادی - موسسه انتشارات سروش
۲۷ - اسلام صراط مستقیم
۲۸ - احیاء فکر دینی - اقبال پاکستانی
۲۹ - رستاخیز اندونزی
۳۰ - تاریخ تمدن اسلام و عرب - گوستاولوبون
۳۱ - قیام شیخ محمد خیابانی - آذری
..... و منابعی دیگر که در متن گفتار بد آنها اشاره شده است .

* * * * *

«... پایه استبداد ناگزیر روی دروغ گذارده میشود . زیرا چه پادشاه و چه درباریان و دولتمندان برای آنکه سلطه غیر طبیعی و غیر الهی و غیر انتخابی یک فرد را که در حالت کلی هیچ گونه مزیت و فضیلت و حقی بر سایرین ندارد بحق و بجا جلوه دهند و ابهت و جبروت او را در چشم و دل مردم بزرگ کنند ناچارند بانواع تملقها و تظاهرها و تصنعها فضایل و کمالات باونسبت دهند و بپیش و قدرت برای او بتراشند : ظل اللہش بنامند ، قبله عالمش خطاب کنند ، قدر قدرتش بگویند ، عدالت گسترش بخوانند ، تمثالش را بیمثال ، سایه اش را همایون ، خاک پایش را سرمه چشمها و شپشش را منیژه خانم بدانند . از نقص و خطا میرایش بشمارند ، نه کرسی فلک را زیر پایش بگذارند ، بعرش اعلیٰ علیین و بمقام ربوبیتش برسازند ، تا رعایا از ترس یا طمع او سر اطاعت و عبودیت به آستانش بسایند . و او و آنها با خیال راحت بعیش و عشرت بپردازند . . .»
" بخش دوم مدافعات مهندسان بازرگان "

نماز صبح

از: م. رهرو

دلم میخواست مشتکم را بگویم
بر دهان آنکه
این لولیدن و خوابیدن و خوردن
و
خزیدن در میان این لجن را
زندگی نامید.

حقیقت را بگویم:

زندگی گر معنی اش اینست ،
من از این زندگی ، بیزارم
و هر کس نیست
باری
من از او هم سخت بیزارم
که پاس دامن پر عصمت این لحظه ها را
سخت باید دانست
میاد الکه بردارند
و
تنگ نامها کردند

و گفتم باز میگویم:

که من با هر که در زیر نقاب زندگی
چون کرم میلود
و نبضش جز برای خوردن و خفتن
نمی جنبد
و مغزش در درون معده و نافش
میاندیشد

به پهنای زمین و آسمان

و
تا مرز غبار آلود آب و باد و خاک و آتش
کینه می‌هزدم .

و اینک فاش‌تر گویم

که من باور نمی‌دارم

- و هرگز هم نخواهم داشت :-

که این بیهودگی ،

آفتگی در ابتدال گردش تکراری این روز و شب‌را ،
زندگی نامست .

نه اینها نیست

- و هرگز هم نبوده است و نخواهد بود -

که باید در میان سنگر هر لحظه این زندگی ،

قلبی پر از فریاد ،

- همانند چریکی پشت یک سنگر -

دمی آرامش خواب‌آور این صحنه را آرام نگذارند

مبادا خواب بی‌هنگام در چشمی فروریزد

و سستی با عجب مغز سخوان‌ها

در آمیزد

و آهنگ در ای کاروان، دیگر

تکسانی بر نیانگیزد ،

و دشمن ناگهان ،

از سنگرش بر کاروان تازد

- همانطوریکه در این عصر بر این نسل می‌تازد -

غرض: "آن زندگی باشد

که در آن جز تب و تساب جهاد پیشتازان شهادت ،

از زلال چشمه ایمان نی جوشد * (۱)
و حرف آخرم اینست :
که من با هر رگ و بندم
و با هر تار و هر پودم
و با هر قطره خونم
و با گرم نفسهایم
و با هر حرف اشعارم
و با هر جذبه روحم
و با هر لحظه عمرم

درون معبد این زندگی ،

تسبیح میگویم ،

و در پاک زلال چشمه جوشان مواجش ،
وضوی خویش می سازم
و در مهتاب محرابش نماز صبح میخوانم
و اینسان زندگان را ،
عشق میورزم .

اخبار

منطق کرکها

بعد از حادثه مونیخ - در ۵ سپتامبر ۷۲- و بر حسب منطق کرکها اسرائیل از لبنان انتقام میگیرد. در مکتب مبارز شماره ۹ و ۱۰ (تابستان ۷۰/۴۹) ضمن مقاله‌ای تحت عنوان "اهدای صیونسم در خاورمیانه و اوضاع کشورهای عربی" یک نظر اجمالی به نقشه‌های توسعه طلبانه دولت اسرائیل افکندیم و دلایل حملات مکرر اسرائیل را به جنوب لبنان یادآور شدیم از جمله:

"... دولت اسرائیل از مدت‌ها پیش و بوسائل مختلف سعی میکند بهانه‌ای بدست آورده و بجنوب لبنان حمله کند. پیش از جنگ روئن ۱۹۶۷ سه بار به صفحات جنوبی لبنان (حوله جنس الجبل و...) حمله کرد ولی بعد از جنگ روئن دستاویز واضحتری برای حمله به این نقاط بدست آورد، و آن اینکه "فعالیت سازمانهای چریکی عرب در جنوب لبنان متمرکز است و پارتیزان‌ها از آنجا بداخل اسرائیل و برای خرابکاری (!!!) وارد میشوند."

"البته وجود فدائیان و حوزه عملیات آنان در جنوب لبنان بدلائلی که زیلاً ذکر میشوند قابل انکار نیست:

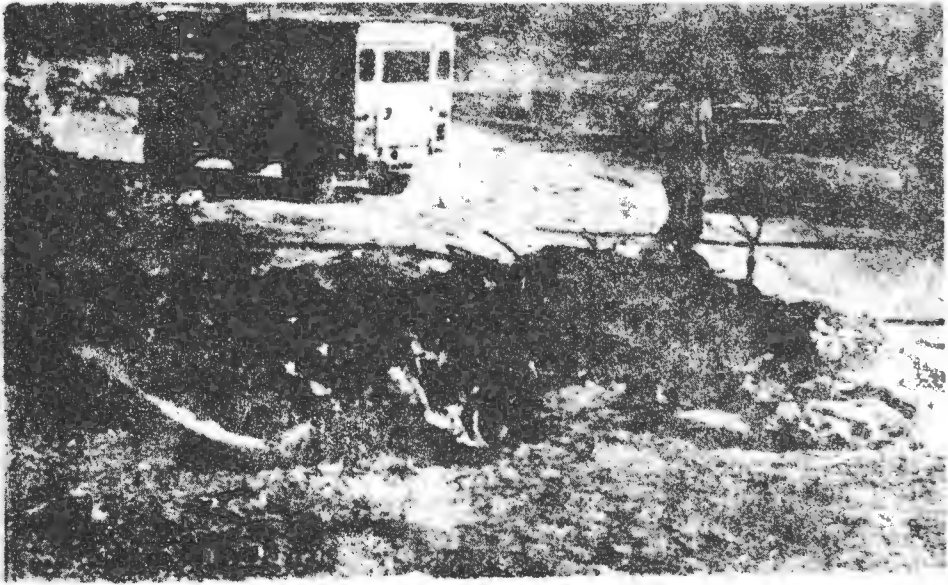
- ۱- ۳۵۰ هزار فلسطینی در خاک لبنان اقامت دارند و این کاملاً طبیعی است که از بین این عده رقم قابل توجهی مبارز مسلح فلسطینی برمیخیزند (ولو یک درصد)
- ۲- کمک مردم لبنان به فدائیان و علیه اسرائیل که خطر حتمی برای آینده لبنان میباشد نیز کاملاً طبیعی است.
- ۳- صدها کیلومتر مرز لبنان و سوریه را کوه‌ها و دره‌ها و مناطق صعب العبور تشکیل میدهد و عملاً تشخیص سرچشمه فعالیت چریک‌ها مشکل میگردد...

ولی این سوال بلافاصله در ذهن انسان مطرح می‌گردد که چه کسی مسوول بی‌خانمانی و آوارگی این توده عظیم فلسطینی است؟ چه کسی هر صبح و شام با اعمال ترور و هزاران جنایت‌ننگین دیگر نابسامانی این انسانهای ژیر ستم را تشدید میکند؟ چه کسی با اعمال شدیدترین خشمونت‌ها و توسل به خطرناکترین روشهای جنایتکارانه به قتل عام مکرر زنان و کودکان و جوانان فلسطینی میبرد از؟

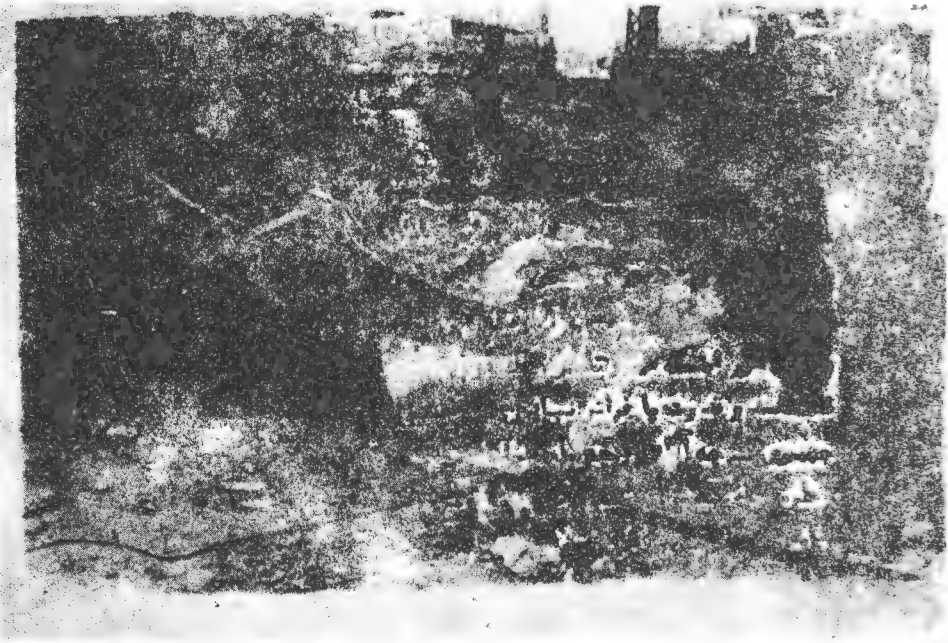
پنجهزار سرباز اسرائیلی، ۸۰ طیاره جنگی و بمب‌های آتش‌زای ناپالم و ۳۰۰ تانک و زره پوش به جنوب‌لبنان حمله می‌کنند. ارتش لبنان و مردم جنوب و نیز فلسطینی‌های مقیم این منطقه بدفاع می‌پردازند. یکی از سربازان لبنانی بنام رضا کعبان که با تانک مأمور دفاع بوده است، موفق می‌شود هفت تانک دشمن را منهدم ساخته و دلیرانه دفاع کند. بعد از اینکه تانک‌بوی از کار می‌افتد پیاده شده و با مسلسل خود شروع به تیراندازی مینماید که در طی این عملیات شهید می‌شود. از این معرکه که در آن دو مسجد یک قبرستان، ۳۰۰ خانه، دو کارخانه و سه مدرسه در اثر حملات صیونیست‌ها منهدم گردید، مردم لبنان و نیز چریک‌های شرکت‌کننده در عملیات دفاعی، با وجود تلفات انسانی حدود یکصد نفر، با وضع روحی فوق‌العاده خوب و امیدوار خارج شدند.

در یکی از جاده‌های جنوب‌لبنان ماشین بنزی با ۸ سرنشین در حال حرکت مورد حمله اسرائیلی‌ها قرار می‌گیرد و اسرائیلی‌ها با تانک از روی ماشین سرنشینان در عبور می‌کنند. عکسهای صفحات آینده نشان‌دهنده این جنایت اسرائیلی‌ها می‌باشد.





متباحمین صیونیت اتومبیلهای سواری حامل سرنشین را منهدم کرده
و با تانکهای خود از روی آنها عبور میکردند ،





تعمیرات در حال انجام در محل آتش‌سوزی در شهر ساکنان آتش‌سوزی در آتش‌سوزی (در تصویر سمت راست)



اسرائیلی‌ها با تانکیاں عمیر از یو، اقصیای ساری سامیستین مور مکرده.



۳۰۰ خانه مسکونی در حمله اخیر اسرائیلی ها بکلی منهدم شد .





مقاتلان اسرائیلی، سبک روزی کبودگان آزاره و راننده ه
نده فلسطینی را با بسیاری آتش‌زنی ناپالم علاج می‌کنند .

« توطئه ای خونین »

حرف حق و منطق همیشه دروغگویان و خائنان مردم را ناراحت کرده و میکند . ناراحت میکند برای آنکه انسان خریدار منطق است و بیس ناراحت میکند زیرا که مردم بیدار فقط طرفدار حق و منطق اند و بیس . حقیقت دروغگویان و خائنان را ناراحت میکند زیرا که حقیقت ماهیت آنها را برملا کرده و روسیاهشان مینماید و این واقعیتی است انکارناپذیر .

جابران و زورگویان و رژیمهای ظالم و مستبد همیشه نه با منطق که با زور و سرنیزه سخن گفته و حکومت کرده اند . سعی کرده و میکنند که سخن حق را در گلو خفه کنند و اصل اساسی " امر بمعروف و نهی از منکر " را از بین برده و " امر بمنکر و نهی از معروف " را جانشین آن کنند ولی غافل از آنکه حق سرانجام پیروز است . مطلب از چه قرار است ؟

در سرزمین افغانستان هفته نامه مستقلی بنام گهیخ منتشر میشود که سردبیر آن شخص روشنفکری بنام منہاج الدین گهیخ بود . این هفته نامه مسائل سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و غیره را دقیقاً بررسی و با دید انتقادی بد آنها مینگرد یا بهتر بگوئیم مینگریست زیرا هم اکنون سرنوشت آن چنانکه در این مقاله بدان میرسیم مشخص نیست . برای اینکه به افکار و خط مشی این هفته نامه بی ببریم تجزیه و تحلیل چند مساله مبتلابه داخلی و خارجی را بنقل از مندرجات چند شماره آن ذکر میکنیم

این مجله در شماره ۱۵۰ - یکشنبه (۱۱ تیرماه ۵۱) تحت عنوان " خراشیدگی زخم شد و میکرب گرفت " مینویسد :

چندین سال پیش وقتی حکومت وقت با بعضی اقدامات ضد اسلامی توسل ورزید . دروازه مملکت بروی کلتورهای استعماری گشوده شد . بعضی مردم قد علم کردند و خواستند حکومت متوجه این خراشیدگی شود و نگذارند از آن زخم غیر قابل التیامی در پیکر جامعه افغانی بنیان بیاید .

حکومت وقت علما را محبوس ساخت. احتساب را منع کرد. به پلیس سفارش کرد شراب خورست را فقط به خانه اش برساند. به معلمین خارجی فرصت داد هر آنچه اید یالوژی و عقائد خودشان ایجاب میکند به جوانان ما تزریق کند و به نمایندگی های استعمار موقد اد تا جریانات ضد ملی و ضد اسلامی را تخم گذاری کنند.

بعداً مردم طلفت گردیدند که این خراشیدگی زخم شد و باز هم سرو صدایی برآید اختند اما حکومت با زور بگیرد ببندد آنها را منکوب و متفرق ساخت و نام آنها نفوذ دست اجانب گذاشت و خودشان را منبوه الهوی خوانند.

اینک بالاخره این زخم میکروب گرفت و همه جامعه را از ناحیه فساد عمومی بتشویش انداخت که درین تشویش حکومت هم بی نصیب نیست. شاید آنانیکه امروز به سر قدرند گناه این همه را بدوش اسلاف خود باندازند و اخلاف شان به گردن کسانی که حتی امروز هم به علاج این مشگلک نمی پردازند.

ولی درینجا ملت باید چه بکند؟ آیا مسئولیت افراد این جامعه که تعامیت ارضی و استقلال آنها پدران شان به خون خود خریده اند برای حراست میراث پدران چیست؟

نشستن و تماشا کردن؟

اگر در نتیجه تماشا مکروبهای عضو فاسد شده به سایر اعضا برسد و لا علاج گردد. در آنوقت شاید اولیای امور بگویند "چطور کنیم - سهو و اشتباه نمودیم - حالا کار از کار گذشته" و امثال آن.

آیا این کلمات جبران همه خسارات را میکند و آیا باز میشود ورق تاریخ را پاره کرد و زمان را به عقب گرداند و هرچه را از نو شروع کرد؟ آیا افراد این جامعه مقابل آینده گان و خداوند باز پرس چه جواب دارند؟ آیا آنها هم با همان کلماتیکه اهل قدرت در نظر دارند روز مهرداد استعمال کنند خود را تبرئه نموده میتوانند؟

نی و به همان سبب است که بعضی مردم میخواهند آنچه را حکومت ها

در طول مدت تخریب نموده اند اصلاح نمایند و حکومت هنوز از وجود این زخم متعفن تجاهل نموده و وطن دوستان را میگیرد و می بندد .
در جمله اشخاصی که حکومت یعنی پلیس درین چند روز گرفته
* * * یکی هم مولوی سلطان محمد است که بنا بر موافقه قبلی صاحب امتیاز آینه جریده گهیج* خواهد بود .

این شخص که حافظ قرآن و عالم روشنفکر است درین اواخر شامل دارالعلوم گردیده تا شهادتنامه بگیرد و در پوهنحی شرعیات تحصیل کند . گرچه موصوف در مناقشات اخیر پوهنتون سهمی نداشته و همیشه هم جوانان را به صبر و حوصله و مبارزه تنها از طریق تبلیغ دعوت مینمود ولی از آنجا که به پلیس سفارش شده که با طبقه عالم سختگیر و مقابل آنها اسباب ساز باشند او را از مسجد کشیدند و به توقیف بردند .

و ما امیدواریم (و آنرا به نفع حکومت میدانیم) حکومت با درک موقف مفید ملی و مبارزین اسلامی ازین بگیرد و ببیند منصرف شود و شخص مذکور را قبل برینگی اقراری به اکراه و اجبار از نزدش بگیرد آزاد نمایند - در غیر آن خودشان میدانند که نتیجه این اعمالشان به فایده و ضرر کیست ؟

حکومت باید بداند که نمیتوان دهن مردم را بست - اگر چند نفری را هم بگیرند صدها و هزارها نفر دیگر از اعمال حکومت حرف میزنند اگر بنا باشد که این جدال مبارزین با حکومت خاتمه پذیرد این باید حکومت باشد که عقب نشینی کند و عناصر و اعمال خلاف مصالح ملی و اسلامی را از بین ببرد . و متیقن گردد که مسلمانان عقب نشینی نمی کنند .

و خواهی نخواهی بالاخره تمام عوایقی را که در راه رسیدن به هدف پیش روی خود می یابند بر میدارند - خواه این عوایق مخالف مصالح ملی باشند و یا مویدین رسمی شان .

(* گهیج* گهیز خوانده میشود . * * * تاریخ نشر مجله پوهنتون دانشانه)

می بینیم که گهیج به مسأله اساسی جامعه افغانستان با دیدی عمیق و چند جانبه برخورد کرده و دولتهای قبلی و حاضر را مورد مواخذه قرار میدهد و علناً به دولت وقت اعلان میکند که " نمیتواند دهان مردم را ببندد و اگر این کار را دنبال کند عواقب آنرا خواهد دید ". در بالا منظور نویسنده از استعمار استعمار غرب و شرق است و این مسأله را بخوبی میتوان از مقالات و تفاسیر مجله دریافت و این خود دلیل مستقل و ملی بودن او است .

در همین شماره او در مقاله ای تحت عنوان " اسرائیل یا ولایت پنجاه و یکم آمریکا " پرده از سیاست استعماری دولت آمریکا بر میدارد و نیز ماهیت اسرائیل را در سیاست تهاجمی و گسترش طلبی بر ملا میسازد که متأسفانه ذکر مطالبی از آن مقاله از حجم این شماره تجاوز میکند . در شماره ۵۱ : یکشنبه ۱۸ تیرماه تحت عنوان " بیائید با هم همدست شویم " شرح میدهد که چگونه اختلافات و عدم اعتماد بین مردم و گروهها بوجود آمده است . او پس از بررسی این مشکلات میگوید که دشمن چگزینه از این " آب گل آلود ماهی میگیرد " و وظیفه همه مردم از جوانان و روحانیون و معلمین و روشنفکران را مشخص میکند و آنها را برای از بین بردن ظلم و استبداد و تقویت اعتماد بین مردم و برقرار کردن ترازن اقتصادی (احقاق حقوق همه زحمت کشان) دعوت میکند .

بطوری که ملاحظه میشود این هفته نامه هم در مقابل استبداد و فساد منتج از رژیم وابسته و نیز ارتجاع داخلی موضع میگیرد و هم انتقاد و مخالفت میکند و راه حق و حقیقت را نشان میدهد .

منهاج الدین گهیج در روز ۱۶ شهریور ۵۱ (۲ سپتامبر ۷۲) در خانه اش در حالیکه یک نفر از بستگانش نزد او بود مورد حمله مزدوران بیگانه قرار میگیرد و هردو کشته میشوند .

نویسندگان و روشنفکران مرفی در جوامعی که استبداد و استعمار حکومت کرده و میکند همیشه تحت فشار و ترور دستگاه حاکمه قرار میگیرند .

زیرا که انسان آگاه در قبال اجتماع خود مسوول است و نمیتواند و نباید سکوت کند. علی (ع) میفرماید " اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظه ظالم و سغب مظلوم " خداوند از دانشمندان پیمان گرفته است که در مقابل سیری بیحد ظالم و کرسنگی بیحد مظلوم آرام نگیرند. و فقیر در جایی حاکم است که استبداد و استعمار حکومت میکند. تاریخ نشان میدهد که جابران زمان چگونه با آنها مبارزه کرده اند. در ایران جلال آل احمد ها صد بهرنگی ها در هند وستان مولانا ابوالکلام آزاد ها در مصر سید قطب ها و ده ها نویسنده دیگر قربانی این سیاست ضد مردمی شده اند. چرا که رژیم های استبدادی و دست نشانده تاب شنوائی سخن حق و عادلان نشان را نداشته اند و پایه های حکومت خویش را در مقابل افشاگری روشنفکران متزلزل می بینند و لذا به شکار این مبارزین پرداخته و میزدازند.

و اکنون مناج الدین گهیغ قربانی این سیاست شده است. بی شک او یکی از مبارزین سرسخت رژیم فاسد افغانستان بود و با همه فشار و سخت گیری دستگاه حاکمه و ارتجاع داخلی عقیده خود و ندای برحق مردم را در هفته نامه اش منعکس مینمود. مناج الدین وظیفه خود را در قبال توده زحمت کش و ستمدیده جامعه خود انجام میداد و آنها را از فساد و استعمار و استبداد کشورش مطلع میساخت و هشداریش میداد. قاتلین او از هر دسته و گروهی هم که باشند - چه دستگاه حاکمه و چه گروه های وابسته چپ و راستی - ضربه ای بر پیکر مبارزات عادلانه و ضد استعماری برادران افغانی ما زدند. مناج الدین شهید راه آزادی توده افغانستان گردید و قاتلینش قاتلین امت مسلمان افغانند.



برگی از تاریخ

تسروور، تبعید و اعدام مسدوس

در حاشیه ایمن برگ

توطئه سکوت در باره يك شهيد، غم انگيزتر و جنايت بارتر از فاجعه شهادت او است. در آنجا که انسانهاى بخاطر آزاد کردن و آزاد ماندن آنها که مانده اند، بيدريغ و سخاوتمندانه جان برکف می نهند و برستم و استبداد می خروشند، باید ام سرمایه شرافت و انسانيتی میتوان تنها نقش تماشاگر اين فاجعه را داشت را. ياناً در دل بحال اين شهيدان ترخم آورد؟!

بجرات و بصراحت باید نقت که سکوت در اين مرحله، بمنزله توطئه ای است که بسود جلا دان برای بخارج راندن و برکنار گداشتن شهيدان از جريان تاريخ يك نسل صورت ميگيرد. بعبارت ديگر، توطئه گر ساکت، شهادت و شهيد را در جريان حيات نسلی - که پنجه استبداد گلويش را می فشارد و راه نفس را بسراو گرفته است - واقعه مهمی نمی شناسد، تا گزارش آنرا بنسلی بد هد که تازه نفس از راه ميرسد و باید اين عظمت ها و دليري را بشنود و درس بگيرد.

جلاد هم همین را ميخواهد و آرزويش همین است که هيچکس از اين فریادها و از اين فریاد کردن بی آرام بعنوان واقعه هايی در متن تاريخ نام نبرد. چه آنکه تنها از اين راه میتوان "در شعور تاريخی ملتی و نسلی اخلاص کسرد" (۱).

برگی که این بار از تاریخ می آوریم بشهیدی تعلق دارد که همچون

بسیاری از شهيدان گمنام - در يروز و امروز - قربانی جلال استبداد و جنايت

(۱) - تعبیری است که جلال آل احمد - يادش بخير - در مقاله ای بعنوان: "بيژن و منيژه" دست پخت کسرسيوم" در همین رابطه آورده است.

توطئه سکوت شده است .

دشمن باد سیسه وتوطئه کوشید و میکوشد که در تاریخی که بدست نسلها میرسد ، اثری از این برگها بجای نماند وبهمین دلیل است که کمتر کسی از نسل ما زندگی شهید بزرگ مدرس رامیداند ، یا اینکه فقط اندکی بین ازسی سال از فاجعه شهادت اومیکرد .

درباره این برگ باید بگوئیم که نویسنده این یادداشتها خود از خواجهگان حرم د بیروز وامروز " در باندرون " ! بوده وهست وبهمین دلیل می بینید که در عین انتقاد ، سرگرم تعلق وردیف کردن القاب همایونی هم هست . نکته دیگر اینکه ماهیج تغییری در عبارات نویسنده نداده ایم فقط در بعضی جاها برای رعایت اختصار ، قسمت هائی را حذف وموارد حذف شده را بانقطه گذاری مشخص کردیم .

امیدمان اینست که اهل تحقیق وتعهد - اگر بگروه شهیدان نیبوسته اند - در این روزگار که پیشتازان شهادت یابرسرراهند ، یابرسردار لاقل باپخن و نشر اسناد شهادت ، بیاد این نسل باشند . (۱)

* * * * *

دراواخر تابستان خرکچیهاوگاری چی هائیکه از کوره های سرقبر آقا آجر وآهک می بردند ، روزی باکمال تعجب سید لاغروعمامه سیاهی را دیدند که روی یکی از این دوچرخه های آجرکشی نشسته ومهاریابوی خسته ای را در دست گرفته ، آهسته آهسته بطرف دروازه پایتخت حرکت میکند . در ایران بخصوص در تهران همیشه معمول اهل علم ، یعنی سیدها وآخوند های عمامه دار این بوده وهست که یاپیاده میروند یاسوار الاغ وقاطر میشوند ، هرگز کسی مجتهدی را ندیده بود که خودنشگاری براند ، ولی آنروز دیدند وسیارتعجب کردند

سید حسن قشقای ، مجتهد طراز اول ایران ، از اصفهان سوار آن دوچرخه شده لک لک کنان آن مرکوب پیرصد اویرتلاطم رایکه وتنها بتهران آورد . در واقع

(۱) - مطالبی که بعد از حاشیه فوق میخوانید ، نوشته ابراهیم خواجه نوری است وما از کتاب دریای گوهر ، تهیه دکترمهدی حمیدی - با حذف قسمتهائی - در این جا آوردیم .

ارزان ترین و سادترین واگون لسی و واگون رستوران هائی را که در آن دوره میشد با چند تومان در ایران فراهم کند، آقا با شمس تجارتي که مخصوص اصفهانها است، بدست آورد و در آن هم خوابیده بود، هم خورده و هم سفر کرده بود. پس از رسیدن بمقصد تمام آن دستگاه را شاید يك مقابل ونیم بهای اصفهانش فروخته است.

مدرس که هنوز مدرس نبود و او را آقاسید حسن قمشهای مینامیدند باینطور وارد پایتخت شد.

..... مدرس یکسره باد و چرخه خاک آلودش به خانه حاجی امام جمعه خوئی وارد گردید

..... چهارینج روز که آقاسید حسن قمشهای در بیرونی امام جمعه ماند و خستگی مسافرت با آن گاری شکسته از بدن نحیفش خارج شد، در صد پیداد کردن منزلی برآمد و از میزبانش خواهش کرد که دستور دهد تا اطاقی در رحمان نزد یکی منزل خودش یعنی سه راه امین حضور اجاره کند. مستخدمین آقا و اطاقی پیدا کردند یکی به ماهی سه تومان و دیگری به ماهی سه تومان ونیم. مجتهد قمشهای ندیده اطاق سه تومانی را پسندید و در رحمان جا منزل کسود، یعنی پنج ریال تفاوت را اسراف دانسته حاضر نشد اطاقی بهتر را انتخاب کند. مدرس از رحمان روزیکه ده اسوه و خانه زراعتی پدرش را ترک کرده و به سرپرستی عمویش برای درس به مسجد جدّه کوچک اصفهان رفت، متذکر شد باینکه تن پروری و آسایش و تجمل دوستی و سائلی را لازم دارد که رسیدن بآن بگلی او را از منسورش دور خواهد نمود.

..... نتیجه این استدلال صحیح این شد که پس از چندی

آقاسید حسن قمشهای طلبه مسجد جدّه کوچک اصفهان، رفت عتبات و جزو محصلین درس حاجی شیرازی (۱) شد و در مدت کمی از غالب همدرسی های خود، منطق و فقه و اصول پاکد امنی و قوه قضاوت را بهتر آموخت. یگروزاهالی خیر شدند که يك مجتهد تازه ای بر مجتهدین افزوده شده و هنوز کمی نگذشته بود که روح جسور و قدرت دولت او بامتنفدین محلی از قبیل بختیاری ها و غیره

(۱) - همان مرجع تقلیدی که نهضت تنباکوپیری از فتوای او بوجود آمد.

سرشاخ شد و همه اصفهانی‌ها برجستگی و تهور فکری خود را شناسانید . این بود که او را جزو بیست نفر مجتهد طراز اول ، برای جلوس در مجلس شورای ملی انتخاب کردند و وقتیکه آن بیست نفر را دوباره غربال کرده پنج نفر را برای آن مأموریت مهم برگزیدند باز مدرس یکی از آن پنج نفر شد .

با وجود یک چنین شغل و عنوان باین مهمی ، باز مدرس ابداً طمطراق و جلالی برای خود قائل نشد و چنانکه دیدید بایک دو چرخه از اصفهان بتهران آمد و در یک اطاق سه تومانی نشسته و مستعد نظارت بر تمام قوانین مملکت گردید

در مجلس دوم بزودی همه او را شناختند و از او حساب بردند زیرا در مباحثه و استدلال کمی حریف اومیشد .

. خلاصه در آن مدت کم مدرس تمام عوامل قدرت بخن را بدست آورد .

در رژیم مشروطه آن دوره قدرت معنوی فقط در دست سه طبقه بود . اول روحانیون و دوم نمایندگان مجلس و سوم لیدرهای حزب و مدرس ، هم در مرکز اولی بود ، هم در قلب دومی و هم لیدر سومی

چندی بدین منوال نگذشته بود که یکمرتبه کاسه و کوزه‌ها بهم خورد و با ورود روسها بساط مهاجرت پیش آمد . مدرس نجاع و حاد ته جوهر البته جزو سر دسته های مهاجرین شده و از تهران باتفاقی آنها خارج گردید و وقتی در کرمانشاه نظام السلطنه را نخست وزیر کابینه مهاجرین ساختند ، مدرس هم در آن کابینه متحرک موقتی بوزارت عدلیه منصوب شد .

. پس از شکست آلمانها و خانم جنک مدرس هم بیکار نماند و با مهارت قابل تمجیدی مقام روحانیت و رتبه سیاسی خود را دوباره بدست آورد و ایندفعه رسماً از طرف اهالی تهران بنمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید .

اگر انتخاب و نمایندگی پنج نفر (مجتهد) طمراز اول موقوف گردید ، برای مجتهد سیاستمداری مثل مدرس هیچ اعمیت نداشت زیرا او با تیرمای دیگری که در ترکش داشت باز خود را بمرکز ثقل سیاست کشور یعنی مجلس انداخت . منتها ایندفعه نمایندگی ان از طرف علما نبود و از طرف اهالی پایتخت بود .

چندی بعد « موقعیکه بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران (۱) در املاک اختصاصی مازندران گردش میکردند، روزی صبح خیلی زود موقعیکه مدرّس سحرخیز برای درس گفتن بطرف مسجد سپهسالار میرفت، در کوچه معروف به کوچه سرداری چند نفر غظناً حمله کرده و باهفت تیرشلیک می کنند .

مدرّس هیچ وسیله و مجالی برای دفاع از خود نداشت . يك پیرمرد لاغر ضعیفی فقط بایک پیراهن کرباسی یقه چاک و يك عبا و يك عصای کج و کوله در مقابل چند نفر مسلح مامور چه میتواند بکند ؟ !
سوراخی نبود که در آن پناهنده شود . درى باز نبود که پشت آن برود ، کسی نبود که از او استمداد کند . معد الك این مرد عجیب دست و پای خود را گم نکرد و بجای التماس و تضرع که طبیعی غالب اشخاص در چار خطر حتم شده است ، فوری در صد در چاره برآمد و منحصر راهی که شاید قتل باهوش ترین و کارآموزه - ترین کارآگاهان اسکاتلند یار ممکن بود پیدا کند ، در يك لحظه پیدا کرد و در همان لحظه بموقع اجرا گذاشت .

مدرّس فوری روید یوار کرد و عبا را باد و دستش بطرف سرخود بلند نمود و زنان خود را خم کرد بطوریکه بدن نحیفش در پائین عبا قرار گرفت و آنجا تیرا که قاتلین از پشت عبا محل قلب و سینه تصور میکردند ، جز در بازوی مدرّس و عباى خالی چیزی نماند .

نتیجه این عمل ماهرانه و عجیب این شد که از شلیک مفصل جانبان چندین تیرشان فقط عبا را سوراخ کرده و چند تیر به ساعد و بازوان او اصابت نمود و یکی هم به کتفش خورد و هیچیک خطرناک نشد .

مدرّس افتاد و قاتلین ماموریت خود را انجام یافته تصور کردند . از صدای تیر ، مردم و عده های مامور حاضر و آماده (!) شهربانی نوری جمع شدند و آفا را بعرضخانه تنظیم بردند .

(۱) - چنانکه در آغاز این یادداشت ها آمده است از آوردن عین عبارت نویسنده ناگزیر بودیم ، چه آنکه ارتباط مطالب بعدی بدون آن از دست میرفت و بخصوص که خود این عبارت " املاک اختصاصی مازندران " برای خواننده با عوین خاطرهای غم انگیز ویرعبرنی دارد !

این خبر البته مثل توپ در شهر صد اکرده مردم بازار و غیره مثل مورچه هائیکه آب در لانه شان ریخته باشند ، بیرون آمده بجنب و جوش افتادند و عد های بطرف مریضخانه و عد های بطرف منزل علما منجمه حاجی امام جمعه خوئی ریختند . حاجی امام جمعه در جلو و بازاریان در عقب بطرف مریضخانه رهسپار شدند . خوشبختانه وقتی رسیدند که علیم الدوله دکتر مریضخانه میخواست باصرار سوزن انژکسیونی برای تقویت (!) بسید فرو کند . اول حرفی که مد رس به آنها زد این بود که " مطمئن باشید من از این تیر نخواهم مرد زیرا موم هنوز نرسیده " . بجای اینکه دیگران باو قوت قلب بدهند او بایدن سوراخ سوراخش بد یگران قوت قلب میداد .

رئیس نظمی که البته از این پیش آمد بیخبر بود (!) و سراسیمه به مریضخانه شتافته بود ، در ضمن لعنت بمامورین نالایق و ناماهر خود اصرار میکرد که نگذارند مجروح را حرکت بدهند و بجای دیگر ببرند ، زیرا می ترسید این حرکت برای مزاج آقا بد باشد و قلب رثوفش نمی توانست مد رس را باز در حرکت ببیند ، دلش میخواست همانطور تحت معالجات علیم الدوله بیحرکت بماند تا بیحرکت بماند

ولی امام جمعه فرمان حرکت داد و مردم تخت مد رس را سردست بلند کرده و همانطور او را بمریضخانه احمدی در خیابان سپه بردند . تمام مدت راه دکتر شیخ (احیا الدوله) و ملابری و خود امام جمعه و عدّه زیادی از دوستان و مریدان آقا مراقبش بودند .

اعلیحضرت همایونی که مثل سلطان عادللی از دور عم مراقب جان مد رس بودند از مازندران تلگراف تقدی در احوال پرسید مد رس فرستادند . مد رس در جواب تلگراف ملوکانه تشکر کرده و ضمنا گویا نوشته بود : " بکسوری چشم دشمنان مد رس نمرده است " .

* * * * *

مدرس از چنگ عزرائیل که فرار کرد ، فهمید که دیگر هیچ حربه سیاسی ببدن زره پوش سردار سپه کارگر نیست . پیش خود گفت وقتی دواهای مالیدنی عضو جراحت داری را درمان نکنند باید بعملیات جراحی متوسل شد ، جز

حضرت عزرائیل هیچکس دیگر فعلاً قادر نیست شرایین دیکتاتور قلد را از سر این ایران بدبخت بکشد . پس باید مستمسکی بدست آن ملائکه خیرخواه داد و کار او را تسهیل کرد .

باین خیال از صمت متولی گریش استفاده کرده گویا عده‌ای عمله برای تعمیر و ساختن موقوفات خمیا بان برق لژ بختیاریان واصفهانیا نی که خیال میکرد صادق ومطمئن هستند کرد آورد . روز عمله ها به گل وکج ساختن مشغول بودند و شب به مشق تفنگ .

گویا قرار بر این بوده است که در موقع افتتاح دوره هفتم ، هنگامی که شاه بمجلس می آید ، آن عمله جات تفنگ از یکمرتبه باو شلیک کنند و اینطریق روزیکه مجلس مشروطه باز میشود ، کاخ دیکتاتوری واستبداد بسته گردد .

..... ممکن بود اگر خیرچینی یکی از دوستان صمیمی مدرس

قضیه را افشا نکرده بود ، بنتیجه بوسد لیکن رفیق شفیقی که خود را از محارم مدرس ساخته وضمننا چشم شهربانی بود موضوع را مرتباً اطلاع میداد . مدرس همین که فهمید اسرارش نهفته نمانده وهمه باو خیانت می کنند کم کسم از خوش بیتی وحسن ظن اش نسبت به دوستان کاسته شد و فقط بدوسه نفر مطمئن وتجربه شده تکیه میکرد واسرار خود را فقط بآنها میگفت : شیخ الاسلام ملایری یکی از آن ها بود که تا آخرهم مردانه باو ماند ونامه‌ای که مدرس در آن گیروود از او ورامین باو نوشته حاکی از آن است .

نزدیک بغروب رئیس نظمیه وسرهنگ راسخ وسرهنگ ادیب المملطنه وچند نفر مأمور دیگر وارد خانه مدرس میشوند . درگاهی کاغذ پرانی مدرس را بسره سردار رشید بهانه کرده و بی مقدمه بنای هجاشی رامیگد ارد :

" سید توالبته نمیدانستی که کاغذت بچنگ شهربانی می افتد ودیگر نخواهی توانست کرد ستان وایلات آن نواحی را علیه دولت بشورانی امروز باین بدجنسیهای تو خاتمه داده خواهد شد " مدرس هم که از فحش عقب نمی ماند تمام تعارفات مؤدبانه رئیس نظمیه را مرتباً پسش داده بعلاوه باعصای خود باو حمله کرد .

فورا بامر رئیس ادراهی که عهد ه دار حفاظت جان ومال ومسکن اعمالی است .

مأمورین ریختند و عباى مدرس را بمرش انداختند و باتوسرى ومشت ولگ بدن نحيف ورشيد اورا كشان كشان بردند تا جلو اتومبيلى كه سر كچه منتظر نسا ن
بود .

همان شبانه اتومبيلى بطرف خواف حركت كرد و ديگر نه ساكنين سر-
چشمه ونه هيچيك از اهالى تهران صد اى نعلين آن مجتهد سحر خيز را
نشنيدند و او را در راه مدرسه سپهسالار نديدند . مدرس در حدود نه
سال در قلعه خواف زندانى بود و فقط شنبه اى جمعه او را بگت مى بردند
او هم مستقيماً بقبرستان ميرفت و در ضمن فاتحه خواندن علائم مرموزى روى خاك
اطراف قبر مى كشيده و همينكه مامورين با مدرس از قبرستان خارج مى شدند مريد
يا وفائى عين آن علامات را روى كاغذ نقش كرده براى ملايرى مي فرستاد .

اين بود منحصر رابطه اى كه مدرس در مدت ۹ سال با خارج داشت .
در اين مدت فقط شيخ الاسلام و شايد يكي در نفر ديگر با وفادار مانده و در
اميد استخلاص او محرمانه مى كوشيدند ولى هيچيك از اقدام اتشان مفيد واقع
نشده .

..... مدرس هم در همان قلعه خواف ماند تا وقتى كه او را بترشيز
بردند و كارش ساختند .

تنها كميكه بعد از سپرى شدن دوره ديكتاتورى علناً بياد مدرس افتاد بساز
همان شيخ الاسلام بود كه در ۲۷ مهر ماه ۱۳۲۰ در مجلس شورا نام آن سيد
مشروطه خواه حقيقي را با احترام بزبان آورد و گفت :

" عرض بنده امروز كه يکشنبه ۲۷ مهر ماه ۱۳۲۰ شمسى و ۲۷ رمضان ۱۳۶۰
قمرى است مربوط بواقعه ايست كه در دنيا نظيرش كم اتفاق افتاده است .

..... همه آفایان محترم مى دانند بشهادت حق و تاريخ مشمل
مرحوم مدرس مقتول سيدى بزرگ و شجاع كه توام باشد با وطن خواهى و بلندي
فكر و ياك دامنى نه من ديده ام ونه دانائى خير داد .

اين بزرگوار چون من وصى او هستم بموجب خطوط عديده اش و تاريخ خجسته
بيست ساله اى كه ياد داشت دارم چنانچه بوده و شده در طرز كشتن آن مرحوم
اينطور عقیده داشت كه اين قتل فجيع در ۱۹ رمضان سه سال قبل بود ولى

یکفر از آقایان رفع اشتباه نمود و فرمودند ۲۶ رمضان تحقیقاً کشته شده است
باین ترتیب که بعرض میرسانم .

بعد از اینکه نوائی معروف جائی نظمیه مأموریت اسدی مرحوم را پدید امیکند
و راپورت میدهد در ضمن راپورت می نویسد که اسدی در این شورش خیسال
داشته که مدرّس را وارد خراسان نماید .

امر بقتل مدرّس میشود اول بر رئیس نظمیه خواف امر میشود ایشان را بامی ورزند
باین معنی که موقع مقتضی نیست و بعلاوه در سرحد کشور اسلامی افغانستان
واقع هستیم مبادا کشتن سید بیگناه اسباب شورش را فراهم نماید و من مصلحت
نمیدانم .

از خراسان یکفر صاحب منصب که فعلاً در قم رئیس نظمیه است که کاظم میسرزای
جانسوزی است و سابقاً در جوانی نوکر رئیس التجار خراسانی بود و باد و نفر از اجزا
تأمینات مامور قتل سید میشوند .

د اطلبانه میروند بخواف و سید را از خواف حرکت میدهند به ترشیز که کاشمرباشد
در خانه شخص نجاری مرحوم سید روزه بوده عصر سماور را آتش می نمایند و چایی
را دم می کنند و مقارن یک ساعت بغروب مانده روز ۲۶ رمضان سمّ مَهْلِك را در
چایی میریزند و به آقای مدرّس تکلیف خوردن می نمایند . ایشان میگویند که هنوز
افطار نشده صبر کنید افطار خواهم خورد . میگویند باید بخورید و چاره ندارید .
بعد که قضیه را ملتفت میشود . اجازه در رکعت نماز می خواهد . اجازه میدهند
سید می ایستد و بقبله مثل جدش موسی بن جعفر و متوجه میدا میشود تا مقارن
مغرب بعد می فرماید بد هید بخورم . استکان چایی مسموم را الا جرعه سرمیکشد
و باز در نباله را زونیاخ خود را بد رگه خد اوند جلّ و علا شروع میکند . سه نفر قاتل
نشسته و منتظر اثر سمّ می باشند . ساعتها می گذرد و اثری نمی بینند و بعلاوه سید را
با کمال بشاشت و جهره باز متوجه بخالق و مشغول از کار می یابند اینجاست
پست فطرتی و نانجیبی و نمیدانم چه اسمی بروی اینکار باید گذاشت که هر سه نفر
در حال نماز او را خفه می کنند . این بود سرگذشت

این بود قسمت و سرگذشت یکی از برجسته ترین و پاکد امن ترین و شجاع ترین
اولاد ان ایران

قسمت نگر که کشته شمشیر عشق یافت برگی که زندگان بدعا آرزو کنند

کوششهای اسلامی نسل جوان

هشتمین نشست سالیانه اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا در روزهای ۳۱ اردیبهشت تا ۲ خرداد ۵۱ مطابق با ۲۰ تا ۲۳ ماه مه ۷۲ در آلمان غربی برگزار شد. در این نشست - که از نمایندگان و واحدهای اتحادیه در اروپا تشکیل میژد - علاوه بر نمایندگان برخی از اعضا واحدهای اتحادیه نیز حضور داشتند.

با تلاوتی از آیات قرآن، هیئت مدیره اتحادیه اولین جلسه نشست را افتتاح کرد و آنگاه پیامهای رسیده قرائت گردید. پیام طلاب علوم دینی نجف و نیز پیام انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا در این شماره مکتب مبارز جد آگانه درج گردیده است.

پس از آن، اعتبارنامه نمایندگان مورد بررسی قرار گرفت و شورای عالی نیز برای بررسی اعتبارنامه هائی که اشکالاتی در آن بچشم میخورد تشکیل گردید.

سپس هیئت رئیسه نشست انتخاب شد و هیئت مدیره گزارشی از تلاشهای سال گذشته، خصوصاً در زمینه های فرهنگی و روابط خارجی بیان داشت و پس از آن نشست به تجزیه و تحلیل این گزارشات پرداخت. پس از آن واحدهای اتحادیه گزارش یکساله خود را عرضه داشتند که هر کدام بنوبه خود مورد بررسی قرار گرفت. آنگاه شوراهاى انتشارات، خط مشی و مالی تشکیل شد و کار خود را آغاز کردند.

در دومین جلسه مجمع عمومی نشست مصوبات شوراها به مجمع عمومی ارائه شد و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. گزارش مصوبات این نشست جداگانه تکثیر گردیده است.

موضوعاتی که برای سمینارهای اتحادیه در سال آینده به تصویب رسیدند عبارت بودند از:

سیستم حکومت در اسلام

اقتصاد در اسلام
فرهنگ و هنر
آموزش و تربیت در اسلام
قضا در اسلام

مطالعه تاریخ معاصر کشورهای اسلامی و تطبیق مطالعات و تحقیقات در مسائل فوق با کشورهای اسلامی خصوصا فارسی زبان بمنظور هماهنگ کردن سطح مطالعاتی واحدها و با توجه بسبب اهمیت موضوع "سیستم حکومتی اسلام" بعنوان موضوع مشترک و اصلی بین همه واحدها بتصویب رسید .
دیگر از مهترین قدمهای این نشست وحدت د و سازمان اروپا و آمریکا بود

این نشست همانند سالهای گذشته در محیطی پرفصلو حاکمی از روح اخوت اسلامی آغاز و پایان یافت.

در آمریکا

چهارمین کنگره سالانه "گروه فارسی زبان" انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا در روزهای ۸ تا ۱۰ شهریورماه ۱۳۵۱ در آمریکا تشکیل گردید . در این نشست نمایندگان واحدهای انجمن و نیز اعضا و عدهای از علاقمندان حضور داشتند و پیرامون کارهای انجمن در سال گذشته و نیز برنامه های سال آینده و زمینه های همکاری با سازمان اروپا بسبب تبادل نظر پرداختند .

در سمینارهایی که در کنار این کنگره برگزار شد چند مطلب امیدر و زیبکی از جنبه "سیستم اقتصاد اسلامی" و فروع آن و نیز مسائل مربوط به حکومت اسلامی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت .

بمناسبت تشکیل کنگره مزبور پیامی از طرف اتحادیه اروپا به برادران و خواهران آمریکا ارسال شد که بضمیمه پیامهای دیگر در صفحات آینده از نظر خوانندگان عزیز میگردد .

پیام دانشجویان علوم دینی در نجف
به نشست هشتم اتحادیه

برادران مسلمان

درود گرم و خالصانه و تحیات و افسره ما را بپذیرید

توفیقات ریز افزون شما را در شناسائی و معرفی آئین نجات بخش
قرآن کریم و پیشبرد آرمانهای مقدس اسلامی آرزو مندیم. کوششهای
بی شائبه آن همزمان عزیز و مسلمان ما در راه نشر احکام مقدسه قرآن
و معرفی حقایق اسلامی و مبارزه با ظلم و استبداد و استعمار و حمایت
از رنجبران و ستمدیدگان و مردم زحمت کش و محروم اجتماع کیه در
حقیقت پیروی از دستورات حیاتی اسلام میباشد مایه بسی مسمرت و
خرسندی عموم ملت اسلام است و آتیه درخشان و صبح سپیدی را در
پس این روزگار سیاه نکبت بار و شام تاریک بجامعه اسلامی نوید میدهد
و نوای دلکش آزادی و استقلال و عدالت اسلامی را در گوش هلسل
رنج دیده و زنجیر شده مینوازد و ناقوس مرگ و نابودی امپریالیسم و استعمار
و دست نشاندهگان آنها را بصداد در میاورد. ما ایمان داریم که بهمت
و پشتکار و فداکاری و پایداری شما فرزندان رشید و انقلابی اسلام
بزودی آفتاب درخشان اسلام از غرب طلوع خواهد کرد و نسیم آزادی و
عدالت اسلامی وزیدن خواهد گرفت و خفاش صفتان ستمکار را - که از
تاریکی شامگاهی که بدست آمده استعمار دامن گسترده است استفاده
کرده عرصه گیتی را میدان تاخت و تاز خود قرار داده اند - بسه
ننگسای نابودی روانه خواهد ساخت و کاخهای ظلم و جنایت را واژگون
ساخته، بنیان استعمار را فرو خواهد ریخت و زنجیرهای اسارت را از دست
و یا کاملتها برداشته، بساط خیانت و غارتگری، حق کنسی و قانون شکنی
و حشیگری و درندگی را برچیده و عدالت و آزادی، برادری و برابری
تقوی و پرهیزگاری را گسترده خواهد کرد و سعادت و رفاه و امنیست
و آسایش توده ها را در سایه حکومت اسلامی تأمین خواهد ساخت.

برادران عزیز و مبارز

ما از رنجها و فشارهاییکه بر شما عمرزمان عزیز در راه پیشبرد آرمانها
مقدس الهی وارد میاید، کم و بیش مطلع بوده و رنج میبریم. ما
میدانیم که شما بخاطر دفاع از اسلام و ملت‌های مسلمان با حملات همه
جانبه و کارشکنیهای مفرضانه و ناجوانمردانه دیوسیرتان و بت
پرستانیکه - میدانند با آشنائی ملتها بحقایق اسلامی بازار فریب
و نیرنگ آنان تعطیل خواهد شد و دیگر نمی‌توانند با اسم آزادی و نان
و آب و "برابری ادعائی" مردمان را فریب داده بدام مذلت
و بدبختی بکشانند - روبرو میباشید . ما میدانیم که ایادی و عوامل
استعمار - که قرنهای متعددی علیه اسلام تبلیغات و سم پاشیها کرده و
مردم بخصوص نسل جوانرا از واقعیت‌های اسلامی و علماء اسلام
دور داشته بسوی منجلاب فساد و فحشاء کشانیدند و بدینوسیله بر
جان و مال و ناموس آنان دست یافتند - اکنون که می‌بینند شما
جوانمردان آزاده در برابر این نیرنگهای استعماری قد برافراشته و
ایدئولوژی نجات بخش اسلامی را دریافته و در راه عمل بآن بیبا
خواستہ اید سخت نگران شده و با تمام نیرو و امکانات برای سرکوشی
و نابودی شما کوشش میکنند ولی باید بخاطر داشته باشید کسه
پیشوایان بزرگ ما، پیامبر عالیقدر اسلام (ص) و ائمه اطهار علیهم
السلام همیشه با چنین سدهای اهریمنی و کارشکنیهای شیطانی بت
پرستان و برده‌داران مواجه بودند و رنجها و ناملایمات توانفرسائی
تحمل کردند و با استقامت و پایداری شگفت‌انگیزی این خارهای خودرو و
انگهای اجتماع را از سر راه خود برداشته و مردم ستم‌دیده و
زنجیر شده را رهائی بخشیده بسرچشمه فضیلت و سعادت راهبری
فرمودند و می‌بینیم که در قرن معاصر قائد عظیم‌الشان اسلام
حضرت آیه‌الله عظمی خمینی - که در راه شناساندن اسلام و
بیداری ملتها و رهائی بخشیدن ملل از چنگال استعمار و استبداد بیبا
خواستہ و مشعل انقلاب و آزادی را فروزان نموده است - با کار
شکنیها مخالفتها و غرض‌ورزیهای گوناگونی مواجه میباشید .

استعمارگران جنایت پیشه که مقاصد و منافع استعماری خویش را در خطر می بینند و دیگر دشمنان اسلام که نکته های اهریمنانه و سفسطه بازیهای عوام فریبانه خود را نقش بر آب می یابند دست بدست هم داده با خلاف گوئیها، دروغ پردازیها، اهانتها، تهمت ها و تهدیدات میخوانند این ندای آزادی و مشعل انقلاب را خاموش سازند و چرخ زمان را عقب برگردانند و بچپاولگری، برده داری ستیزی و خونریزی ادامه دهند و لسی با مقاومت، سرسختانه و اراده خلل ناپذیر آن رهبر عالیقدر روبرو میگردند و ایمان داریم که بزودی در کام این طوفان سهمگینی که بدست توانای قائم بزرگ ملت اسلام بوجود آمده فروغلطیده و جهانرا از لوث و جسد کثیفشان پاک خواهند کرد. اکنون لازم است که شما دلاوران آزاده با الهام از تعالیم نجات بخش قرآن و سیره پیشوایان بزرگ اسلام و به پیروی از روش خردمندانه حضرت آیتاله عظمی خمینی در برابر این شداغند و دشواریها بیش از پیش پایداری و استقامت پیشه کرده وظیفه اسلامی و انسانی خویش را بطور روز افزون دنبال نمائید.

برادران مبارز

وظیفه ما و شما و دیگر پیروان مکتب انقلابی قرآن در شرایط کنونی و دنیای امروز سنگین و سخت دشوار است و مسوولیت خطیری بر عهده ما میباشد. همانطور که ملاحظه میکنید دست تبهکار امپریالیسم و مزدوران خون آشام اوتامرفق بخون فرزند ان اسلام آغشته است و چننال خونیس آنها بخون ملت اسلام رنگین شده است پیروان قرآن به بهانه های مختلف در شرق و غرب عالم قتل عام میشوند و هر روز عده ای از خانواد های مسلمان عزیز و عزیزان خود را از دست میدهند. سرمایه های هنگفت مسلمین با شیوه های مختلف به یغما میروند. کشورهای اسلامی با سازش امپریالیسم شرق و غرب یکی پس از دیگری تجزیه میگردد. اسرائیل با پشتیبانی امپریالیسم غرب و با توافق سرری و پشت پرده استعمار شرق با شغال سر زمین های اسلامی میپردازد. توطئه قدرتهای متجاوز جهانی با استفاده از کاخهای پویشالی حکومتهای ارتجاعی پاکستان و هند بتجزیه سرزمین

پاکستان و آواره کردن میلیونها انسان بیگناه و قتل عام صدها هزار مردم بومی و کشور منجر میگردد. زندانهای مزدوران استعمار از جوانان آزاده مسلمان انباشته است و عزیزان ملت در زیر شکنجههای توانفرسای درخیمان خون آشام جان میسپزند. پاسداران منافع امپریالیسم و صهیونیسم در سراسر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی مسلمان کشی پیشه کرده و فرزند ان عزیز و انقلابی اسلام را آتش و خون میکشند هم اکنون در میهن عزیز ما ایران دسته دسته از مسلمانان غیرمبارز و قاریسان قرآن و مفکران در مصامین شریفه کتاب خدا و نهج البلاغه بدست ارباب ظلمه بجوخه اندام سپرده میگردند و یازیر شکنجه جلال ان رژیم در سلولهای زندانها بقتل میرسند و یادرمیان خیابان و بازار ترور میشوند و نیز بسیاری از کرسنگی و بی دارویی و از سرمای سخت زمستان تلف میشوند. در اردن با کشتار بی رحمانه هزاران نفر از فدائیان مسلمان فلسطین حمام خون بوجود میآید و ملک حسین جلال روی نعش فدائیان اسلام برقص و پایکوبی میرد از در آرتیره صدها نفر از چریکهای قهرمان و مبارز بدست رژیم خون آشام هیلاسلاسی بخاک و خون کشیده میگردد، در ترکیه، پاکستان، هند، کشمیر، قبرس، ظفار و غیره نیز سرکوبی و قتل عام ملت اسلام ادامه دارد. در فلیپین مسلمانان را در داخل مسجد برکبار مسلسل می بندند و در این شرایط رقت انگیز و اسف بار سکوت و مستسی و سهل اندازی عاقبت شوم و خطرناکی در بر خواهد داشت و خیانت بقرآن و ملت اسلام محسوب خواهد شد. لازم است که برای پایان بخشیدن باین وضع اسف انگیز و نکبت بار بپاخیزیم و با کوشش همه جانبه و پیگیر شکافی را که بین نسل جوان و روحانیت بدست استعمار ایجاد شده پرشیم و از اختلافات و تفرقه شومیکه طبق نقشه استعمار در بین مسلمان هرروز ایجاد میگردد جلوگیری کنیم و برای اتحاد و وحدت کلمه امت محمد (ص) بکوشیم آئین درخشان و نجات بخش اسلام را بدینا معرفی کنیم و گردد و خاک سیاه استعماری را که بر چهره اسلام نشسته است بزدا کنیم طرح انقلابی حکومت اسلام را به پیروی از منویات و اوامر قائد بزرگ اسلام مورد بررسی و مطالعه قرار داده جهت پیاده ساختن و عملی کردن آن

با هم همکاری بیشتری داشته باشیم با مبارزین راه آزادی و استقلال که در سرزمین فلسطین ایران آریتره و دیگر ممالک اسلامی بپاخواستنه و فد اکاری مینمایند مساعدت و همکاری نمائیم، نقشه‌های شوم و خطرناک استعمار را که بدست عوامل و ایادی مزدور آنان در بلاد اسلامی بمرحله اجراء در میاید برملا سازیم و خطر صهیونیسم و امپریالیسم را بآنهائیکه هنوز در خواب غفلت پسر میبرند گوشزد کنیم و در راه بیداری و آگاهی ملت‌های خواب‌ریوده کوشا باشیم و سرانجام با فد اکاریها و کوشش‌های همه جانبه خود سدها را شکسته، زنجیرها را گسسته و استعمار فریب‌کار شسرق و تجاوزکاران غرب را از سرزمینهای پهناور اسلامی بیرون رانده آزادی ملت‌های رنج‌دیده و رنجبر را در سایه حکومت اسلامی تامین نمائیم .

ما با تقدیم شایسته ترین درودها و خالصانه‌ترین تحیات قلبیسی از دور دست آن هم‌زمان عزیز را میفشاریم و پیام خود را با قسمتی از نامه شیوا و پرشور زعیم عالیقدر اسلام حضرت آیت‌الله عظمی خمینی پایان میدهیم :

"... امید است که نسل جوان تا بسرد بها و سمتی‌های ایام پیری نرسیده اند بفکر چاره باشند، با هر وسیله‌ایکه بتوانند ملت‌ها را بیدار کنند با شعور، نشر، خطابه، کتاب و آنچه موجب آگاهی جامعه است حتی در اجتماعات خصوصی غفلت نکنند، باشد که مردی یا مردانسی بلند همت و غیرتمند پیدا شوند و باین اوضاع نکبت‌بار خاتمه دهند. باید جوانهای تحصیل‌کرده از این هیاهوی اجانب خود را نیازند و سرگرم بساط‌عیش و نوشی که بدستور استعمار برای آنها و عقب‌نگهداشتن آنها فراهم شده است نگردند. بایند اشخاص بیدار تولید مثل کنند، هرچه بیشتر همفکر و همقدم پیدا کنند و صفوف خود را فشرده کرده در ناملایمات پایدار، جدی و قوی‌الاراده باشند و از توأصی بحق و توأصی بصبر که دستوری است الهی غفلت نکنند..."

والسلام علیکم ورحمة اله - ربیع الاول / ۱۳۹۲
نجف اشرف - محصلین علوم اسلامی

پیام نشت هشم اتحادیه به دانشجویان علوم دینی در نجف

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم

برادران عزیز

پیام پرشور و غنی محتوای شما به هشتمین نشست سالیانه ما مسرت و وصول ارزانی بخشید و قرائت آن بحق شور و سروری تازه برانگیخت. آنچه گفتنی بود گفته‌اید و بدان چیزی نمی‌توان افزود و تنها شایسته است به اساسی‌ترین مسائل اشارت رود.

مساله حکومت اسلامی مهم‌ترین موضوعی است که در زمان حاضر باید تمامی نیرو و قوای فکری و عقلی را در راه آن بسیج نمود. اکنون بطور متقن میتوان ادعا کرد که نظامهای حاکم بر انسانها بروشنی از تامین نیازهای مادی نیز، جز براه عده‌ای معدود، در مقیاس عظیم جهانی ناتوان مانده و سیر جریان اقتصادی و اجتماعی جز در جهت استعمار هرچه بیشتر رنجبران و استثمارزدگان نمی‌باشند. در جهان امروز متفکرین کشورهای نیرومند، تمامی استعدادها و دانششان را در راه حفظ نظامهای موجود و ادامه سلطه قدرتمندان قرار داده‌اند و برای ادامه جنایات کشورهای استعماری هر روز طرحی نو و نظریه‌ای نوتر می‌ریزند. سردمداران و متولیان "برابری‌ها"، "برادریها" و "آزادیها" هر روز بیش از پیش رسواتر شده و برای ادامه سلطه خود بر اعمال قدرت می‌افزایند و هرگونه فریاد اعتراضی که برای بسط عدالت و فضیلت از گوشتی بدرآید در سینه خفه می‌کنند.

درست در چنین رابطه‌ای است که مساله 'حکومت اسلامی' بعنوان اساسی‌ترین مساله در پیشروی ما قرار دارد زیرا جز در سایه احکام مقدس اسلام و اجرای آنها نه ما بعنوان مسلمان و نه مجموع بشریت خواهد توانست از زیر یوغ بردگی و بندگی نجات یابد و ائین عدالت و فضیلت را استوار و نمتسوه گسترده گرداند.

ما در حال حاضر وارث احکام الهی اسلام برای سعادت بشریت هستیم و در عین حال شایسته است توجه داشته باشیم که وارث قرن‌ها

آن باشیم و هم آحاد و عشرات آن بسوی کمال یعنی انسان مسلمان بودن به پیش رویم. این اتحاد و اتفاق هم باید در زمینه های خودی باشد و هم در زمینه های اجتماعی و سازمانی و این از جبهه اوامر و امیال قلبی پیشوای عالیقدر ما خمینی است و این حداقل کاری است که میتوانیم در راه اجرای اوامر ایشان انجام دهیم.

برادران عزیز و از جان گذشته ما در زیر بارانی از آهن و پولاد به ساختن تاریخ و زدودن گرد و غبار از چهره واقعی اسلام پرداخته اند. ده سال پیش از نهضت عظیم قائد بزرگ ما نمیگذرد که ثمرات آن نسل جوان و مسوولی را در درون ایران بوجود آورده است. هر روز اربابان ظلم ستاره ای را بزمین می کنند و نهالان بوستان عشق و پرستش را بی رحمانه قطع می کنند ولی در آسمان اسلام ببرکت خمینی ستارگانی بیشتر درخشیدن می کنند و نهالهای بس استوارتری که از خون شهدای اسلام و "قاریان قرآن و مفکران در مضامین شریفه کتاب خدا و نهج البلاغه" آبیاری شده اند سر برمی آورند آنها به نسل آینده نوید میدهند که این نسل به مسوولیت خود عمل کرد و نهیب به کسانی که خصوص نام مسلمان بر خود نهاده اند و از پای نشسته اند که "بخدا این رویه پست و ننگین نه از مرگ احتمی شما جلو میگیرد و نه بهر روزی معینت من می افزاید" باشد که ما گوش هوش به این پیغام سروروش فرا دهیم و مسوولیت خود را باز شناسیم و در هنگامه حیات شرکت جوئیم. نا گفته نماند که استعمارگران و صهیونیست ها و هم عمال دست نشانده آنها تمامی سعی خود را بکار برده و می برند که اولاً نام پیشوای عالیقدر ما خمینی به بوته فراموشی سپرده شود و ثانیاً عقاید اسلامی رزمندگان و شهدای اسلام وارونه جلوه گر گردد. استعمارگران در این راه از تمامی امکانات مادی و تبلیغاتی خود استفاده می کنند و عمال خود را در لباس "مخالفین" و هم "انقلابی" امر به تحریف عقاید مبارزین و مشوب نمودن افکار و اندهان می نمایند. در چنین وضعی کمترین وظیفه ما دفاع از عقاید شهدای اسلام است و بزرگ داشت نام نامی

خمودی و فراموشی و رخوت و سستی اسلاف خود می باشیم . اسلاف ما با عدم شرکت خود در ساختمان جامعه اسلامی و ایجاد حکومت حق و عدالت نه تنها خدمتی با اسلام نکردند بلکه بر آن غبار تیره و بار اتهام فروریخته و استعمارگران نیز با تمامی قوا در این کار شرکت کردند تا با امروز که برای بسیاری از مسلمانان حتی در بین کمانی که در لباس روحانیت می باشند چهره حقیقی اسلام باز شناخته نشده است در چنین وضع اسف باری موقعیتی چه جای تعجب است که مسلمانان در چنین وضع اسف باری بسر برند و اراضی مسلمان نشین قطعه قطعه بطور مستقیم یا غیر مستقیم مستعمره اجانب باشد ؟ لازم بتذکر نیست که پس از ائمه اطهار علیهما السلام که گاه ستارگان درخشانی در عالم اسلام طلوع کرده است (علامه حلی و ...) ولی متأسفانه این خدمتگزاران اسلام پیروی نشدند و بهمین جهت نیز حال و روز مسلمانان این چنین است که می بینیم .

نیازهای عظیم معنوی و هم رفاه مادی بشر جز در گرو اجرای احکام مقدس اسلام نیست و درست بر مبنای این حقیقت است که قیام رهبر و قائد عظیم الشان اسلام حضرت آیه اله عظمی خمینی که از ده سال پیش شروع گردید معنی و مفهومی ژرف و عظیم پیدا کرده و فکر حکومت اسلامی نقطه عطف و هم مرکز جاذبه ای را برای تمامی پاسداران حق و حقیقت و مسلمانان واقعی ایجاد می نماید .

وظیفه سنگینی که در حال حاضر بر عهده نسل جوان و مسوول گذاشته شده نه بقلم و نه ب زبان قابل تشریح و توصیف نیست چه هیچک را قدرت بیان نمی باشد تنها مسوولیت و درد عشق است که می بایست احساس شود و او را برانگیزاند . در چنین حالتی سؤال اینست که : آیا ما لایق بردن این بار گران هستیم ؟ و اگر آری چه کرده ایم و چه خواهیم کرد ؟

ما امروز بهر کار و بهر امری که اراده کنیم توانائیم بشرط آنکه زندگی جز در مبارزه ای مستمر و دائمی خلاصه نشود و اتحاد و اتفاق ما هر روز بیشتر گردد و اجازه نفاق افشایی ندهیم و با از خود گدشتگی در جمع و جماعتی که خود تشکیل دهنده

قائد بزرگ ما در این راه باید بیش از پیش بکوشیم و از خداوند
متعال نیز امید پیروزی داشته باشیم .
هشتمین نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا
با درود بی پایان به قائد بزرگ زمان حضرت آیت‌الله عظمی خمینی
این پیام مختصر را به شما برادران عزیز خاتمه داده و موفقیت و
پیروزی همه شما و هم‌راندانی که در راه اسلام قدم بر میدارند
از خدای متعال مسالت و توقع دارد .

والسلام علی من التبع الهدی
اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا



" . . . فقیه و مجتهد کارش استنباط و استخراج احکام"
" است، اما اطلاع و احاطه او بموضوعات و باصطلاح طرز"
" جهان بینیش در قنواهایش زیاد تاثیر دارد ، فقیه "
" باید احاطه کامل بموضوعاتی که برای آنموضوعات فتوا "
" صادر میکند داشته باشد . اگر فقیه‌یی را فرصت کنیم که "
" همیشه در گوشه خانه و یا مدرسه بوده و او را با "
" فقیه‌یی مقایسه کنیم که وارد جریانات زندگی است ، "
" این هر دو نفر بآدمه شرعی و مدارک احکام مراجعه "
" میکنند ، اما هر کدام یک جور و یک نحو بخصوص "
" استنباط میکنند . . . "

از مقاله اجتهاد در اسلام نوشته آقای
مرتضی مطهری از کتاب بحث درباره مرجعیت و روحانیت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پيشگاه مبارك مرجع عاليقدر رهبر عظيم الشان قائد بزرگ و پيشواي
خردمند حضرت آية الله العظمی خمینی مدظلّه العالی

افتخار و هم موفقیت هشتمین نشست سالیانه اتحادیه انجمن‌های اسلامی
دانشجویان در اروپا بیست‌از‌همه این بود که موفقیتی دیگر بوجود آورد
که فرزندان آن حضرت مراتب وفاداری خود را اعلام داشته و در راه اهداف
بزرگ آن مرجع عالیقدر در حدّ توانائی کوشش نمایند .

از لحاظ فکری بزرگترین مسأله، بحث در پیرامون ایجاد حکومت حَقّّه
اسلامی بود که نمایندگان و هم‌اعضای اتحادیه با نهایت شوق و دقت
در آن شرکت کردند. درست با توجه باین اصل که بدون داشتن يك حکومت
واقعی اسلامی بسط عدالت و تأمین رفاه حال مردم مسلمان در هر
نقطه‌ای از جهان امکان پذیر نمی‌باشد و بدین لحاظ که سایر نظامهای
اجتماعی حاکم بر جهان عجز خود را در زمینه‌های فوق بروشنی نمایان ساخته
اند ما دانشجویان مسلمان نه میتوانستیم و نه شایسته ما بود که کمترین
غفلتی در درك این مسأله عظیم تنمائیم و لهذا: برنامه فرهنگی سال
آینده را بر محور تحقیق و تعمق در این امر حیاتی استوار نمودیم .

استحکام هرچه بیشتر روابط و هم‌ایجاد هماهنگی و ترتیب برنامه
های مشترک با برادران عزیزمان در حوزه‌های علمی بخصوص در رابطه با
تحقیق در امر حکومت اسلامی نیز بجای خود مورد کمال توجه قرار گرفت
و تصمیماتی مقتضی در این زمینه اتخاذ گردید . ما امیدواریم بتوانیم
در اجرای اوامر آن حضرت در این زمینه کوششهای جدی بعمل آوریم و
بکمک برادران طلاب علوم دینیه کلام یا گامهای مؤثری در راه تحقق اهداف
مقدس آن حضرت برداریم . همچنین خوشوقتیم که زمینه اتحاد کامل
بین اتحادیه ما و برادران ما در آمریکا فراهم آمد و برای اولین مرحله
" مکتب مبارز " از این پس بعنوان ارگان هر دو سازمان منتشر خواهد شد .
اقدام هیات مدیره سابق در مورد اخراج ایرانیان از عراق و اعتراض

بموقع آنها به دولت عراق که متعاقب تلگراف و سپس سخنان آن حضرت بعمل آمده بود مورد پشتیبانی کامل و بالاتفاق ما قرار گرفت. از این پس نیز اتحادیه ما با جدیت و نگرانی اخبار مربوط به ایرانیان مقیم عراق و هم حوزه علمیه نجف را تعقیب نموده و با تمام قوا آماده اجرای اوامر آن رهبر عالیقدر که برای حفظ اسلام و حوزه‌های علمیه است می‌باشد.

چند سالی پیش از قیام خوین ۱۲ محرم (۵ خرداد) نمیگذرد هیچکس تصور نمی‌نمود که نهالهای کوچکی که آن رهبر عالیقدر بر قلب مردم مسلمان ایران نهادند در ایامی چنین کوتاه چنان ریشه دواند و جوانان شیفته عدالت و فضیلت با تکیه به قرآن و سنت پیغمبر و مضامین نهج البلاغه در تحت زعامت آن رهبر بزرگ جان بکف نهاده و با نثار خون خود چهره واقعی اسلام را همانطور که هست نشان داده و رستاخیز عظیم آن حضرت را پیگیری نمایند.

درست به همین لحاظ است که ملت مسلمان ایران بخصوص برادران جوان ما برای اجرای منویات آن مرجع عالیقدر به چنین فداکاری‌های عظیمی تن در داده و در راه پرافتخار اسلام جمعی شهید و عده ای نیز اسیر شده اند و هم اکنون نیز پیکار مقدس آنها همچنان ادامه دارد.

اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان به پیروی از منویات آن رهبر عالیقدر با تمامی قوا از هر نهضت اصیل اسلامی در هر یک از بلاد اسلامی دفاع کرده و خواهد کرد و از خداوند متعال موفقیت همه مجاهدین فی سبیل الله را مسالت دارد و رجاء و اتق به این امر که چنین مجاهدینی در هر نقطه از جهان مورد عنایت و توجه آن حضرت بوده و خواهند بود.

همچنان مانند گذشته ما با دعای فراوان برای سلامت و عظمت آن قائد بزرگ امید داریم که فرزندان خلفی برای آن حضرت باشیم و از خداوند بزرگ مسالت داریم که در راه اجرای منویات آن پیشوای کرامی که جز سربلندی و سرفرازی اسلام و مسلمین نبوده و نیست ما را یاری و مدد فرماید و این نشست جز این نخواست و نمی‌خواهد.

وَالصَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ التَّبِعِ الْهَدِيِّ

اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا

پیام چهارمین نشست انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا
به حضرت آیت اله خمینی

قائد عظیم الشان و مرجع عالیقدر حضرت آیت اله خمینی ادام اله ظله
رقیبه مبارک در پاسخ به نامه هیات مسوولین انجمن اسلامی
دانشجویان در آمریکا و کانادا، مبنی بر تشکیل چهارمین نشست سالیانه
عز و وصول ارزانی بخشید. توجه و عنایات خاص آن رهبر بزرگ بنمسئل
جوان، خصوصاً جوانان مسلمان قلبهایمانرا سرشار از شادی و گامهایمان
را در راهیکه قدم نهاده ایم استوارتر و روابطمان را مستحکم تر مینماید.
زیرا هدف ما از تشکیل این انجمن شناختن و شناساندن اسلام بدنیسا
و تحکیم روح برادری و برابری خاصه اسلام است. زمانیکه مبینیم
این قلیل اقدام ما مورد توجه و عنایت خاص آن رهبر عالیقدر که هدفی
جز رضای خداوند در سرلوحه زندگی خویش ندارد میباشد، برایمان
مسلم میگردد که راهمان راه خداست و در این سودا چیزی جز رضای
او طالب نیستیم. زیرا در سایه رضای اوست که انسان به سعادت حقیقی
خود نائل میگردد.

ما باین حقیقت پی برده ایم که با شناخت دقیق زیر بنای عقیدتی
و احکام شریعت مطهر اسلام هر انسان روشنفکر آزاد اندیش را بایسن
نتیجه رهنمون خواهد بود که این مکتب هدایتی نه تنها قادر است
جوامع اسلامی را از وضع نکبت بار موجود رهائی بخشد، بلکه میتواند
جوابگوی مشکلات هر فردی در هر جامعه ای اعم از جامعه های عقب مانده
یا جوامع باصطلاح پیشرفته شرق و غرب باشد. و نتیجه دیگر اینکه هر
گونه قیاس بین اسلام و مکاتب دیگری که زائیده فکر بشر میباشند، خطاست
و این خطا نیز از آثار شوم فرهنگ استعماری است که تا اعماق قلب
ملتهای مسلمان پیشرفته و با این پیشروی راه چپاوس سرمایه هسای
سرشار طبیعی و انسانی امت اسلام را هموار نموده است، و در این راه
استعمارگران انسانها را با وحشیانه ترین روشهای غیر انسانی نابود

نموده، جوانان را با وسائل توانگون سرگرم و دور از واقعیت نگاه میدارند و با ایجاد نفاق بین گروههای انسان دوست از اتحادهای مقدس جلوگیری مینمایند تا با ستمانی نقشه های شوم خود را بانجام رسانند .

نشست سالیانه ما با الهام گیری از راهنمائیهای اندیشمندان آن رهبر عالیقدر توانسته است که کوشش برای نشر تعالیم عالیه اسلام بپسمن جوانان و جویندگان حق و حقیقت - تحکیم روابط مسلمانان این قاره و مطالعه خطوط اساسی حکومت اسلامی را در سرلوحه برنامه سال جاری خود قرار دهد . امید است بیاری قادر شعال این اندک کوشش ما گامی در راه بشمر رساندن اهدا ف عالی آن مجاهد عظیم الشان یعنی عظمت امت اسلام و ایجاد حکومت عدل و داد باشد .

چهارمین نشست سالیانه انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا با کمال افتخار پشتیبانی کامل خود را از مجاهدات خستگی ناپذیر آن مرجع عالیقدر علیه سلطه جوئیهای استعمارگران بین الطلی و رفتار غیر انسانی عمال کثیف آنها در ممالک اسلامی اعلام میدارد . سلامتی و بقای آن وجود شریف را عاجزانه از درگاه باریتعالی مسئلت و توقع دارد .

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

چهارمین نشست سالیانه انجمن اسلامی دانشجویان

در آمریکا و کانادا

۸ تا ۱۰ شهریور ماه ۱۳۵۱

"... پیغمبر کسی را فقیه میشناسد که فقیه"

"در همه چیز و آشنای به زمان باشد و مغرور و"

"منجمد در رشته خاص خود نشده دائماً از دانش"

"دیگران بر علم خویش بیفزاید ."

"از کتاب منابع فقه، نوشته آقای محمد تقی جعفری"

پیام انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا - ۱۲۶ -
به نشست هشتم اتحادیه

بسمه تعالی

یا ایها الذین آمنوا هل ادلكم علی تجارة تنجیکم من
عذاب الیم تومنون بالله ورسوله وجاهدون فی
سبیل الله باموالکم و انفسکم ذالکم خیر لکم ان
کتتم تعلمون *

برادران و خواهران مسلمان :

سلام بر شما و بر همه مجاهدان راه انسانیت و آزادگی
برگزاری هشتمین نشست سالیانه شما عزیزان نیکوترین فرصتی است
تا پرشورترین تفریقات و صمیمانه ترین درودهای قلبی مان را تقدیمتان
کرده و موفقیت درجلوستا را از ایستادن طلب نمائیم.
قلبهای فراوانی بخاطر این کرده‌های شما می‌طپد و چشمهای امید
خلقی نگران دستها و اراده شماست زیرا که شما را نعلی یافته که سازنده
سرنوشتش هستید و اراده خلق را که تجلی اراده خداست بقبضه
جاری می‌کنید.

عزیزان! نظری اجمالی به رویدادهای سال گذشته امید را بقلبهای
شکوفان کرده و خون تازه برکها می‌دواند. چرا که در قلم‌ها و شمشیرها
کوبندگی و برائی دیگر پیدا شده است. سال گذشته را می‌توان طلوعه
بهار نو در حیات ملت مسلمان ایران دانست. سالی که نسل جوان
مسلمان با حرارت ایمان و جهاد آگاهانه خویش برفهای بیخبری را
آب کرده و برگ و نوای فروهشته - خویش را بازگرفته است. ی
پیداایش همین پدیده نوین در اجتماع امروز ماست که تغییری بنیاد

* (۶۱-۱۱۹۱) ای اهل ایمان آیا شما را بتجارتی سودمند که شما را
از عذاب دردناک نجات بخشد دلالت کم؟ آن تجارت اینست که خدا و
رسول او ایمان آورید و بعال و جان در راه خدا جهاد کنید، این کار اگر
دانا باشید برای شما بهتر است.

را نوید می دهد . چنین پدیده های تنها از طریق دگرگونی و تکامل فکری و بالا رفتن سطح بینش اسلامی افراد امکان پذیر شده است .
که ترجمه عملی " کنتم خیرامة اخرجت للناس تأملیاً —————
بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله " می باشد . *
و اینست رسالت همه جوانان مسلمان و مجاهد .

باید از صدف تنهایی و گنج عزلت خارج شد و قیام کرد . قیامی بمنظور امر بمعروف و نهی از منکر . قیامی علیه بردگی فکری . قیامی که در آن محرك مشوق و رهنمون ایمان بخداست . قیامی که هدف آن با استعانت از " صبر " و " صلوة " بجهد عقیده سی پرداختن است .
جهادی که دعوت باسلام است و دعوت باسلام یعنی طلب رضایت خدا که آن غایت آرزوی هر آرزومندی است .

برنامه کار روشن است و آن شناخت اسلام و جهان بینی اش و ترویج آن که طرز تفکر جهاسی اسلام منضمّن سعادت و رستگاری بشر است . لیکن طاعت های فراوانی هستند که اشاعه و تسلط اسلام نه تنها منافع پست و دنیوی شان را به خطر می اندازد بلکه موجب آنرا متزلزل میسازد و اینان دشمنان اسلامند که باید شناخته و نابود شوند .

اما اسلام دشمنان زیادی از رنگهای گوناگون دارد که هر کدام نوعی به کارشکنی و اخلال سرگرمند . دست استعمار از آستین های مختلف بیرون می آید ولی هدف و عمل کرد تمامشان یکی است و آن سرکوبی جنبش های اصیل اسلامی . برای سرکوبی نهضت های اسلامی بد سائس گوناگون متوسل می گردند : گاهی با پیچسازد تفرقه و برادر کشی گناه باشغال نظامی و زمانی دیگر به لیب انساندوستی و آزاد یخواهی به تجزیه سرزمینها و تضعیف روح

یکانگی و فریب مسلمانان می پردازند . و زمانی دیگر با قلب و تحریر حقایق اسلامی به انحراف توده های مسلمان از جنبش اصیل اسلامی

* (۳ - ۱۱) بهترین دسته ای که بر این مردم نمودار شده اند شما بوده اید . بنیکی و امید دارید و از بدی باز می دارید و بخدا ایمان دارید .

و بهره برداری از احساسات مذهبی آنان می پردازند. نمونه‌ای از ایمن توطئه‌ها تشکیل سپاه باصطلاح "دین" در ایران است و آنگاه که آگاهی و هشیاری روحانیت مترقی و مبارز و مجاهدت نسل جوان پرده از روی بسیاری از این توطئه‌ها برداشته و نقش آنها را خنثی می‌سازد. بحریهای دیکر هموسل می‌شوند و آن انتساب مبارزات اصیل مسلمانان به "ایدئولوژی‌های باصطلاح مترقی و برتر" است.

بدین ترتیب آشکار است که شناخت اشکال گوناگون استعمار و شناساندن و مبارزه با تاکتیک‌های مختلف از اهم برنامه و وظائف ما می‌باشد. اجرای چنین برنامه‌ای بدون شك برسوائی و شکست توطئه‌های استعمار منجر می‌گردد. که "مکروا و مکر اللّه و اللّه خیر الماکرین" * برادران و خواهران:

راه دراز و سختی در پیش است که پوئیدن آن به "همت" است و حمیت "راهی است برای قوام عدالت در اجتماع که ایمان بخدا و رسول و پیروی از ثاب از لوازم براه افتادن است ولی برای راه کشودن قهر انقلابی لازم است و شدت". "لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فیه یاض نمد ید". رسالت عظیم مبارکی است. ***

لکن "ولا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کتم مومنین"

شاد آن راه‌گشایانیکه جان باختند و بحرمانان راه یافتند. ***

درود بر انسانهای پاک در بندی که زجر و شکنجه زندان

در اراده‌شان تاثیر ندارد.

*** (۳-۵۴) کافران نیرنگ کردند و خدا نیرنگ (انها را تلافی) کرد و خدا

از همه نیرنگیان بهتر است.

*** (۲۵-۵۷) پیغمبران خویش را با دلائل روشن فرستادیم و با ایشان کتاب و مقیاس حق نازل کردیم تا مردم انصاف نگهدارند، و آهن را نازل کردیم که در آن صلابت شد بد و منفعتها برای مردم هست.

*** (۳-۱۳۹) سستی مگیرید و غمگین نشوید که شما اگر واقعا ایمان دارید برترید.

پایدار و شکوفا باد پیکار مجاهدین راه حق و حقیقت.
موفق باد هشتمین نشست سالیانه اتحادیه انجمن‌های
اسلامی دانشجویان در اروپا.

والسلام علی من التبع الهدی
انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا
"گروه فارسی زبان"



"... تکامل اراده انسان بتقوی است و تقوی"
"بمعنی کلی، حالت حق‌پذیری و تسلیم در برابر"
"واقعیت و حقیقت است. منقی بمعنی عام یعنی"
"مردم اندیشمند و با اراده‌ایکه میاندیشند و واقعیتی"
"را میپذیرند و در برابر تشخیص واقعیت خضوع"
"و خشوع دارند. این تقوی آن وجدان حق‌پذیر"
"انسان است که آنچه را در میابد میپذیرد و"
"آنچه را فکر میکند و تشخیص می‌دهد بدنبال آن"
"می‌ایستد..."

"از جزوه بحث پیرامون جهان بینی اسلامی از احمد"
"هراتی، نشریه انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا"
"و کانادا - گروه فارسی زبان"

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیام

اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا

بسمه

نشست سالانه گروه فارسی زبان انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا

و کانادا شهریورماه ۱۳۵۱ - ماه رجب ۱۳۹۲

خواهران و برادران عزیزه عمرزمان کرامی

با قلبی آکنده از امید و شوق تشکیل نشست سالانه شما را بشما و بخود
شاد باشم میگوئیم و این تقارن جلسه سالانه شما را با اعیاد فرخنده و پیسر
شکوه میلاد حضرت علی علیه السلام و مبعث رسول کرامی اسلام بقال نیک
می گیریم. باشد تا با الهام و مددگیری از این دو حادثه بزرگ و پیراشر
و ایما و عشق و شذانت بیشتر به سیره و تعالیم این دو چهره برجسته
تاریخ انسانیت، در راه ایفای مسوولیت خویش موفق باشید و باشیم .

آنچه این دو چهره به تاریخ انسانیت آموختند و خود منظر عسل به
این آموزش بودند این بود که " مسوولیت زاده آگاهی است و نه زاده توان
و امکان " و نیز " باید کوشید تا دانایتر شد " یعنی انسانیت انسان
به درجه مسوول بودن او مرتبط است. چه همیشه مسوولیت و اختیار است
که انسانرا مسجود ملائک قرار می دهد . و همین مسوولیت است که هموار
کننده راه آدمی بسوی مرز معبود و کمال مطلق خواهد بود . همیشه
مسوولیت است که انسانرا برمی انگیزاند تا بر عواطف مانع و سنگلاخها
کوچک و بزرگ طریق تکامل چیره گردد و آنها را در زیر پای انسانیت و توا
و صبر و شکیبائی خود خرد و ناچیز کرده و در راه حق و کمال مطلوب
طبی طریق کند و در صراط مستقیم بفرز آید .

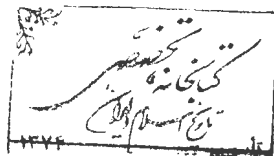
رسول کرامی ما بما آموخت که چگونه میتوان از یک اتحاد سه نفری
(علی و خدیجه و خود محمد) جهانی را که اسیر سلطه های اهریمنی
است در هم نوردید و بزرگترین حرکت عقلی و رهائی بخش را همراه با

تکوین تمدنی عظیم و فرعنگی مردمی و غنی از مایه های تعالی ایجاب کرد و آرایه تاریخ را به حرکت انداخت . چگونه میتوان علیرغم شرائط حاکم بر زمان، علیرغم سیطره های قومی و قبیله ای، تفاخرهای نژادی، برتری های اقتصادی و نظامی و حتی نصایح نزدیکان و مقرّبین به حرکت آمد جوشید و خروشید و در خروش این جوشن جهانی را بیدار نمود .

علی بما آموخت که تعالیم محمد چگونه میتواند درس انسانیت و رهائی انسان از قید هر تعلقی باشد، چه او خود بزرگترین نمونه و عالی ترین تربیت یافته مکتب محمد بود و نیز همو بما آموخت که چگونه میتوان تلفیق داد بین قدرت و صبر و زهد و تقوی، عبادت در محراب و عبادت در میدان جنگ، با خدا بودن و با مردم بودن، مرد خانه و خانواده بودن و نیز مرد اجتماع و رهبر جامعه بودن، پندار بودن و یار و یاور بودن، شوهر بودن و شفیق بودن، رؤوف بودن - در برابر یار و یاور - و سنگدل و نستوه بودن - در برابر خصم -، ربّ النوع عشق بودن و ربّ النوع شمشیر بودن، از خود گذشته و در نهایت جود رفتار کردن - از خود و در راه مردم - و دقیق بودن و بدون ندره ای اغماض و گذشت ناظر حق بودن - در راه مردم و علیه ضد مردمی ها -، و از رهگذر این آموزش است که او متبلور و مجسم و مظهر آئین محمد شد . آئینی که همه این اوصاف و ترقّیات روح انسانی را از " امانت الهی " ناشی میداند و همین " امانت الهی " را علت وجودی " مسوولیت و اختیار " انسان .

همین مسوولیت است که به انسان انسان، وظیفه درگیری با ضعف ها و ناپایداری ها، آلودگی ها و تفاخرها، پرستش غیر حق و ظلم پرستی و بی عدالتی ها علیه مردم و برای ارضاء هواهای نفسانی زیستن ها را ابلاغ کرده است .

اگر این امر را دریافت کرده باشیم که این " مسوولیت " با " نتوانستن " از دوش انسان انسان برداشته نمی شود و " شک در قدرت موجب اسقاط



تکلیف نمیگردد* و اگر ظلم ها و تبهکاری ها، خفقان ها و اسارت هائی که در این عصر بر افکار و اندیشه ها و نیز انسانیت انسان حاکم است برأی العین مشاهده میشود، درمی یابیم که محمد و علی رسالت و وظیفه داشته اند انسانرا برای مقابله با این نابسامانی ها تجهیز کنند تا راه ارتقا^۱ خودش را به قله معراج بشریت هموار نماید و تا حصول ب مقام " خلیفة اللّٰهی " از تکاپو باز نایستند .

تعالیم محمد و مکتب الهی او و نیز رفتار خود وی و دست پرورده اش علی اختصاص به زمان خاص و یا شرائط خاص نداشت هدف از آن مکتب مقابله و درگیری دائمی است با عوامل مانع راه تکامل انسان . هر بار که این عوامل قدرت بیشتر میگیرند، باید با قدرت بیشتر با آنان در نبرد شد . ذره ای غفلت و کوتاهی در انجام این رسالت با نابودی و بی تفاوتی فرقی ندارد . نابودی انسانیت انسان با نابودی همه حقایق کمال برابر است و تلاش در راه زنده نگه داشتن آن با زنده نگه داشتن و تجلی نمودن این مظاهر الهی یکی است . همین فلسفه زندگی است که در طول ۱۴ قرن محرک و انگیزنده انسانها علیه ظلم و ستم و غارتگری ها و چپاول ها، سرورها و خفقان ها، زجرها و شکنجه های استبدادگران بوده است . هر بار که نسبی دامن گستر هوای نابودی این اندیشه ها و انگیزه ها را داشته است موج عظیمی - لاقبل به اعتبار کیفیت - برخاسته است - آنها با درک و لمس این منظر اعتقادی - و در مقابل ظلم و بی عدالتی ها قد علم کرده است .

از تاریخ گذشته جوامع اسلامی در میگذریم و تحولات و حرکتهای چندساله اخیر جامعه مسلمان و پراکنده ایران را در نظر میگیریم . از پانزدهم خرداد تا با امروز چه خونهای پاک و چه دلهای پر شور و چه عشق ها و ایمان هائی که در راه حصول معشوق و لقاء او با عوامل سلطه گریه پیکار برخاسته اند و خون تازه در بستر رگهای خشک و کالبد های بی حرکت انسانهای اسیر ریخته اند و علیرغم اعمال شدیدترین جنایات و شکنجه ها و قتل عامها و تبعیدها هر روز این موج خشمگون

مصمم‌تر و استوارتر به پیش می‌رود و به پیروزی خود و نابودی دشمن اطمینان و ایمان دارد زیرا که خدا بآنها وعده حیات جاوید و سعادت ابدی را داده است، وعده داده است که "عاقبت حق پیروز است" و این او است که باید راه حصول این پیروزی را بگوید و در آن بفرز آید. آنها نه فرد که فرد تنها اگرچه مسوولیت از او سلب نمی‌گردد ولی در جمع و جماعت انسان می‌گردد و تنها جمع و جماعت است که حرکت آفرین تاریخ خواهد بود و پیروزی او از طرف خداوند تضمین شده است که "ید الله مع الجماعة"

حال که مسوولیت و ایمان و آگاهی در هر مرحله و هر زمان امری مسلم و واجب شد تجمع و اتحاد و ساختن وحدتی از کسرت لازمه برخورداری از حمایت الهی و دست‌مدد خداوندی است.

درست بر همین اساس است که شما خواهران و برادران عزیز دور هم جمع شده‌اید تا متفقاً و متحداً طرق ایفای دین و مسوولیت خود را در جمع و با جمع و از طریق جمع بشناسید و بشناسانید. درست در همین لحظه است که این فلسفه الهی بار مسوولیت ما را سنگین‌تر میکند و تشکّل بیشتری را می‌طلبد. و درست بر همین اساس است که گاهی دیگر در راه وحدت دیگری - هرچند وحدت در عقیده و وحدت در انجام وظیفه و شناخت آن امری قدیمی است - جهت انجام رسالت عظیمی که قیام محمد و رهبری علی بر دوش هر انسان آگاه گذاشته اند برداشته‌اید و برداشته‌ایم. وحدت و سازمان در انتشار مطالب و نظریات خود، اولین تجلی این هماهنگی و گرایش به آن می‌باشد. امید داریم با این وحدت و هماهنگی نشان دهنده آن وحدانیت و توحید عملی اسلامی باشیم.

خواهران و برادران عزیز

امروز به یمت وجود خمینی موجهای حرکت آفرینی در جامعه زیرسلطه ما خرامیدن آغاز کرده است. موجی که از ورای آن آثار نابودی سلطه نهنگ در کام آن مشهود است. افق و خورشید رنگ خون کوفته‌اند، لویی نهال انسانیت را با آن آبیاری می‌کنند. در این رهگذر فریاد باز

طنین انداز محمد را می شنویم که " اگر یکتفریده، اگر چند نفرید در مقابل دنیا مسوولیت دارید " هر چند سیطرهٔ دعیانوسی و عوامل آن هر روزنهٔ امیدی را خاموش و هر سوراخ پناه و امنی را ناامن و تسخیر کرده باشد . ما " انسانها " حق نداریم که در نه‌ای درنگ کنیم و احیاناً به توجیه و تاویل شرایط حیات و زندگی خود برائیم .

امروز مسلمانان پرچمدار حرکت‌های تعیین کننده در کشورهای اسلامی هستند . جوانان آگاه مسلمان قیام کرده‌اند تا به درجه افتخار آمیز بزرگترین مقام " بازگشت به خدا " ارتقا یابند . در این میدان چکاره‌ایم ؟ اسلام و مسلمانی تکلیف را روشن کرده است . مبارزه آنهم دائمی با کلیه عوامل و موانع سکون و عقبگرد . که تحقق این واجب ابعاد گوناگون دارد و غفلت از هر کدام بمنزلهٔ نقطهٔ ضعفی در ریزنا خواهد بود که آثارش بطور قطع و بر اساس تجربیات تاریخ گذشته در روینا ظاهر خواهد شد . اینک شما آگاه از این ابعاد - دور هم جمع شده‌اید تا ضمن مختلف سیر این ابعاد و حصول به نتیجه را بررسی و بر اساس آن طرح حرکت بریزید . تلاشهای گذشته را ارزیابی کنید و امکانات فعالیت و تکاپو را گسترده‌تر سازید . آرزو می‌گردیم یکی از دوستان و برادران اروپا را به گنگره شما می فرستادیم ولی شرایط هر دو سازمان چنین امکانی را فراهم نکرده است اینک تمام دل و هوش ما ناظر و حاضر بر کار و تلاش شماست و در انتظار دریافت اخبار موفقیت آمیز لنگره تان میباشیم .

پیروز باد بیداری و حرکت جوانان مسلمان

برقرار باد تصمیم و اراده آهنین مردان راه حق و مبارزین علیه ظلم

و بیدادگریها

موفق باد چهارمین نشست سالانهٔ برادران و خواهران ما در آمریکا درود بر مردان و زنان پاک که با " شهادت خود غیرت و حرکت در بستر خون این نسل جاری ساخته و در این راه به افتخار " درجه شهادت " نائل شدند

درود و سلام بر عزیزانی که در راه تحقق آرمانهای الهی و اسلامی از

هیچ عامل بازدارنده ای هراسن ندارند و زجر و شکنجه و تبعید و اعدام را به جان و دل خریدارند

و سلام و افتخار بر خمینی باد که با گشودن راه مبارزه، نسل ما را از سردرگمی و بی فرهنگی نجات داد و دریچه بازگشت به تعالیم قیران را بر روی طبقه جوان تحصیلکرده کشور گشود.

اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا

۱۱
۵
۷

بدون قفسه

"حدود یک هزار روزنامه یهودی در سراسر جهان"

دوسلدورف - خبرگزاری آسوشیتد پرس ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۲ (۲۰ تیرماه ۱۳۵۱)

ارگان رهبری "انتشارات و خبرگزاری های نژادعبری در جهان" *"Jewish Press of the World"* که در لندن انتشار می یابد تعداد ارگان های انتشارات سالانه آنان را اعلام کرد.

طبق اطلاع خبرگزاری یهود در دوسلدورف (آلمان عربی) یک سوم نشریات و سازمانهای ذکر شده در اسرائیل قرار دارند که از این تعداد ۳۱ روزنامه یومیه ۱۴۳ مجله هفتگی ۷۸ مجله و دیگر نشریات تبلیغاتی میباشند.

در حال حاضر در ایالات متحده آمریکا ۳۰۰ در اروپا ۱۹۰ در آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی ۷۹ در کانادا ۲۸ در آفریقا ۲۷ و در استرالیا و نیوزلاند ۱۶ روزنامه تبلیغاتی صهیونیسم بطور مرتب انتشار می یابد.

"فاغتبروا یا اونی الابصار"!

تاسیس
۱۳۲۴